



طراح: @dahes50



علی مقدمی

وکیل رسمی دادگاه های ایالتی و فدرال

- + جراحات و صدمات بدنی + دعاوی تجاری
- + امور کارمند و کارفرما + امور جنایی
- در دادگاه های ایالتی و یا فدرال
- + حل اختلافات بیمه گر با شرکت های بیمه

(818) 640-3131

شان انصاری

مشاور سرمایه گذاری در املاک

نامی آشنا و مشاوره مطلع و مطمئن
در امور خرید و فروش املاک در پی اریا
با بیش از ۳۰ سال تجربه

(408) 529-4574

www.ShawnAnsari.com



DRE #01888988

SHAWN ANSARI PRESENTS

شان انصاری

نامی آشنا و مشاوره و مطلع و مطمئن در امور خرید و فروش املاک در بی ایریا
با بیش از ۳۰ سال تجربه

Expertise You Need, Results You Can Count On!



SOLD - Represented Seller
Portola Valley



SOLD - Represented Seller
Saratoga



SOLD - Represented Seller
Santa Clara



Shawn Ansari, Realtor

MS, e-PRO, Certified SRES, SFR, Probate



SOLD - Represented Buyer
Brooke Acres, Los Gatos



SOLD - Represented Buyer
Burgoyne, Mountain View



SOLD - Represented Buyer
Oak Drive, Menlo Park

(408) 529-4574

www.shawnansari.com

Shawn.Ansari@Compass.com

DRE: 01088988

COMPASS

Compass is a real estate broker licensed by the State of California and abides by Equal Housing Opportunity laws. License Numbers 01079009 and 01272467. All materials presented herein is intended for information purposes only and is compiled from sources deemed reliable but not verified. Changes in price, condition, sale or withdrawal may be made without notice. No statement is made as to accuracy of any description. All measurements and square footage are approximate.

**THE LAW OFFICES OF
CAROLINE J. NASSERI**

(408)298-1500

وکیل تصادفات و صدمات بدنی
Accident & Personal Injury Attorney



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

تنها وکیل ایرانی در شمال کالیفرنیا
با بیش از ۳۳ سال تجربه

- ✦ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده
- ✦ صدمات شدید بر اثر تصادفات
- ✦ مرگ بر اثر تصادفات
- ✦ صدمات ناشی از حمله حیوانات

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel:(408)298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax:(408)278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112

یادداشت سردبیر



با فرا رسیدن سال نو میلادی، صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به خوانندگان عزیز، آگهی‌دهندگان محترم و نویسندگان گرامی ماهنامه پژواک تقدیم می‌کنم. حضور گرم و حمایت همیشگی شما عزیزان، ستون اصلی و قلب تپنده این ماهنامه و نیروی محرکه‌ای برای ادامه مسیر ماست. بدون همراهی و حمایت شما عزیزان، تداوم این کار فرهنگی ممکن نیست.

ما در ماهنامه پژواک همواره تلاش کرده‌ایم صدای کامیونیتی باشیم، پلی میان شما و اخبار، داستان‌ها و ارزش‌هایی که ما را به هم پیوند می‌دهد. اکنون بیش از هر زمان دیگر، نیاز داریم که در کنار همدیگر بایستیم، از جامعه خود حمایت کنیم و پایه‌های جامعه‌ای قوی‌تر و آگاه‌تر را بنا کنیم. همبستگی ما نه تنها راهی برای رشد و تقویت کامیونیتی است، بلکه بازتابی از فرهنگ غنی و مسئولیت‌پذیری ماست.

به یاد داشته باشیم که با آغاز سال جدید، فرصتی تازه برای تأمل، رشد و ساختن دنیایی بهتر پیش روی ما قرار دارد. هر سال نو مانند کتابی خالی است که قلم زندگی‌مان را بر صفحات آن می‌چرخانیم و داستانی تازه می‌نگاریم. در این سفر نو، مهم‌ترین همراهان ما امید، عشق و آرزوهای نیک هستند. بیایید امسال را با آرزوهایی سرشار از خوبی‌ها و انرژی مثبت آغاز کنیم. بیایید برای خودمان و دیگران، رؤیاهایی بزرگ‌تر و اهدافی روشن‌تر ترسیم کنیم. بیایید به یاد داشته باشیم که هر کلمه‌ای که بر زبان می‌آوریم و هر عملی که انجام می‌دهیم، می‌تواند دانه‌ای از امید در دل دیگران بکارند. در این جهان پر از چالش، هر یک از ما می‌توانیم با اندکی مهربانی، بخشندگی و صبر، به ایجاد آرامشی عمیق‌تر و جهانی صلح‌آمیزتر کمک کنیم.

آرزو می‌کنم که در سال جدید، محبت میان انسان‌ها بیش از گذشته گسترش یابد و کینه‌ها جای خود را به درک و دوستی بدهند. برای دنیایی دعا می‌کنم که در آن همه ملت‌ها در صلح و تفاهم زندگی کنند. برای کسانی که درد و رنج را تجربه کرده‌اند، آرزوی شفا و آرامش دارم. برای کودکان، دنیایی سرشار از شادی و فرصت‌های برابر، و برای طبیعت، احترامی عمیق و حفاظت مسئولانه آرزو می‌کنم. سال جدید فرصتی برای دوباره ساختن است. بیایید با قلب‌هایی پر از ایمان و امید، قدم در راه بگذاریم و جهانی زیباتر بسازیم.

همچنین سال جدید را در حالی آغاز می‌کنیم که قلبمان با مردم ایران است. مردمی که با شجاعت و امید، برای آزادی، عدالت و زندگی بهتر می‌جنگند. آرزوی من برای سال پیش‌رو، آزادی، صلح و سربلندی برای ایران عزیز و شادی و موفقیت برای همه ایرانیان در سراسر جهان است.

از صمیم قلب امیدوارم که سال نو برای شما و خانواده‌های محترم تان سرشار از سلامتی، عشق و کامیابی باشد. بیایید با هم برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر، با وحدت و امید تلاش کنیم. باشد که این سال جدید، سالی باشد که در کنار هم با عشق و امید، مسیرهای تازه‌ای را بگشاییم. با احترام و سپاس از حضور و اعتماد همیشگی شما، افلیا پرویزاد



در خواست اشتراک نشریه پژواک



شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست در آمریکا: یکساله ۸۰ دلار
برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

ماهنامه پژواک تاسیس: ۱۹۹۰ - صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳(۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.

صفحه ۱ آگهی
صفحه ۲ یادداشت سردبیر - فهرست مطالب
صفحه ۳ آگهی
صفحه ۴ اخبار
صفحه ۵ آگهی
صفحه ۶ طنز در رمان و داستان کوتاه (حسن جوادی)
صفحه ۷ هفتاد سخن (ایرج پارسى نژاد)
صفحه ۸ آگهی
صفحه ۹ آگهی
صفحه ۱۰ درباره لنین (احمد ایرانی)
صفحه ۱۱ آگهی
صفحه ۱۲ زندگی و پیدایش کولیان (هماگرامی فره‌وشی)
صفحه ۱۳ اخبار
صفحه ۱۴ اخبار
صفحه ۱۵ آگهی
صفحه ۱۶ نقد و بررسی فیلم
صفحه ۱۷ آگهی
صفحه ۱۸ آگهی
صفحه ۱۹ مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰ آگهی
صفحه ۲۱ اخبار
صفحه ۲۲ آگهی
صفحه ۲۳ اخبار
صفحه ۲۴ گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵ تازه‌های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۶ آگهی
صفحه ۲۷ دست بالای دست بسیار است (سیروس مرادی)
صفحه ۲۸ آگهی
صفحه ۲۹ اخبار
صفحه ۳۰ آگهی
صفحه ۳۱ آگهی
صفحه ۳۲ مردهای «مریخی» و ساکنان «نوس» (جان گری)
صفحه ۳۳ اخبار
صفحه ۳۴ جدول
صفحه ۳۵ فال - اطلاعات عمومی
صفحه ۳۶ با یاد نیکان و پاکان (ایرج پارسى نژاد)
صفحه ۳۷ آمریکا (عباس پناهی)
صفحه ۳۸ داستان (ابوالقاسم حالت)
صفحه ۳۹ خاطراتی از هنرمندان (پرویز خطیبی)
صفحه ۴۰ شعر
صفحه ۴۱ اخبار
صفحه ۴۲ اخبار
صفحه ۴۳ ساخت و اجرای طراحی دکوراسیون (هستی موسوی)
صفحه ۴۴ اخبار
صفحه ۴۵ آگهی
صفحه ۴۶ اخبار
صفحه ۴۷ اخبار
صفحه ۴۸ اخبار
صفحه ۴۹ اخبار
صفحه ۵۰ اخبار
صفحه ۵۱ اخبار
صفحه ۵۲ دنباله مطالب
صفحه ۵۳ دنباله مطالب
صفحه ۵۴ دنباله مطالب
صفحه ۵۵ دنباله مطالب
صفحه ۵۶ دنباله مطالب
صفحه ۵۷ دنباله مطالب
صفحه ۵۸ دنباله مطالب
صفحه ۵۹ دنباله مطالب
صفحه ۶۰ انگلیسی



LOS GATOS MEMORIAL PARK & DARLING FISCHER FUNERAL HOMES

Celebrating Life, One Story at a Time

We are one of the highest reviewed cemeteries in Bay Area, providing excellent service since 1889

◆Funeral Services ◆Immediate Need ◆Pre Planning ◆Burial Services ◆Cremation Services



The passing of a loved one is a tragedy that every family will experience.

By planning ahead, you help insure that someone you love will not have to make these difficult decisions alone.

◆Prearranging freezes the cost at today's prices ◆Payment plans are available

قبل از هر پیش آمد ناگوار برای خود یا عزیزانتان و برای آرامش خاطر و اطمینان از آینده، هم اکنون با حوصله و فرصت کافی، آرامگاهی در محل دلخواه با بهای مناسب انتخاب و اقساط آن را طی پنج سال پرداخت نمایید.

تخفیف های ویژه، با پیش پرداخت و اقساط ماهیانه: فقط قبل از فوت

برای اطلاعات بیشتر و بازدید از پارک زیبای لاس گاتوس، با خانم رامسینا، مشاور فارسی زبان، دلسوز و با تجربه تماس حاصل فرمایید.

فارسی ۶۷۶۸-۳۹۶ (۴۰۸)

2255 Los Gatos-Almaden Road, San Jose, CA 95124

پیامدهای افزایش تعرفه‌های تجاری (tariff) بر کشورهای کانادا، چین، و مکزیک

کیان هوشمند

تعریف تعرفه: تعرفه (tariff) یک نوع مالیات یا عوارض است که دولت‌ها بر کالاها و خدمات وارداتی (و گاهی اوقات صادراتی) وضع می‌کنند. هدف اصلی تعرفه‌ها کنترل تجارت بین‌المللی، حمایت از صنایع داخلی، و تأمین درآمد برای دولت است. این مالیات‌ها بر اساس ارزش کالاها، حجم آن‌ها، یا نوع محصول محاسبه می‌شود.

انواع تعرفه

تعرفه‌های وارداتی (Import Tariffs): رایج‌ترین نوع تعرفه که بر کالاهای وارداتی اعمال می‌شود.

هدف: حمایت از تولید داخلی یا کاهش واردات.

تعرفه‌های صادراتی (Export Tariffs): مالیاتی که بر کالاهای صادراتی اعمال می‌شود.

هدف: کنترل قیمت داخلی کالاها یا ایجاد محدودیت در صادرات مواد اولیه.

تعرفه‌های تلافی‌جویانه (Retaliatory Tariffs): به‌عنوان پاسخ به تعرفه‌های وضع شده توسط کشورهای دیگر اعمال می‌شوند.

تعرفه‌های ترجیحی (Preferential Tariffs):

تعرفه‌های کمتری که در قالب توافق‌نامه‌های تجاری به برخی کشورها اختصاص داده می‌شود.

تعرفه‌های حفاظتی (Protective Tariffs): تعرفه‌هایی که برای محافظت از صنایع نوپا یا حساس در برابر رقابت خارجی اعمال می‌شوند.

مزایا:

♦ تقویت تولید داخلی و اشتغال‌زایی. ♦ کاهش وابستگی به واردات. ♦ ایجاد درآمد برای دولت. ♦ تقویت استقلال اقتصادی.

معایب:
♦ افزایش قیمت کالاها برای مصرف‌کنندگان. ♦ کاهش رقابت‌پذیری بازار داخلی.
♦ ایجاد تنش‌های تجاری با سایر کشورها. ♦ کاهش بهره‌وری صنایع داخلی به دلیل نبود رقابت خارجی.

تعرفه‌ها ابزاری مهم در سیاست‌های اقتصادی و تجاری هستند که در صورت استفاده صحیح می‌توانند به توسعه اقتصادی کمک کنند. با این حال، استفاده نادرست یا بیش‌ازحد از تعرفه‌ها می‌تواند منجر به مشکلات اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی، و تنش‌های بین‌المللی شود. موفقیت در مدیریت تعرفه‌ها نیازمند تحلیل دقیق و متعادل کردن منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

تصمیم‌دو نالد ترامپ برای افزایش تعرفه‌های وارداتی (tariff) بر کالاهای وارداتی از کانادا، چین، و مکزیک، با هدف تقویت تولید داخلی و کاهش کسری تجاری آمریکا احتمالاً اتخاذ خواهد شد. با این حال، این سیاست نه تنها پیامدهای اقتصادی بلکه اثرات اجتماعی و سیاسی متعددی برای مردم آمریکا به همراه خواهد داشت. این متن به بررسی پیامدهای مثبت و منفی این سیاست‌ها می‌پردازد.

پیامدهای منفی برای مردم آمریکا

افزایش قیمت کالاها: تعرفه‌های بالا بر واردات کالاهای مصرفی (مانند لوازم خانگی، خودروها، و محصولات کشاورزی) باعث افزایش قیمت‌ها در بازار داخلی می‌شود. این هزینه‌ها معمولاً به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود.

نمونه: افزایش تعرفه بر فولاد و آلومینیوم وارداتی، هزینه تولید محصولات صنعتی را افزایش خواهد داد، که به نوبه خود قیمت خودروها و کالاهای مصرفی را بالا می‌برد.

تأثیر بر خانوارها: خانوارهای کم‌درآمد بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، زیرا توانایی تحمل هزینه‌های اضافی کمتری دارند.

تأثیر بر کشاورزان آمریکایی: کشورهای هدف تعرفه‌ها، به ویژه چین و مکزیک، معمولاً در پاسخ به این سیاست‌ها، تعرفه‌های تلافی‌جویانه‌ای بر محصولات کشاورزی آمریکا اعمال می‌کنند.

مثال: احتمالاً چین تعرفه‌هایی بر واردات سویا از آمریکا اعمال خواهد کرد که باعث کاهش شدید تقاضا و ضرر مالی برای کشاورزان می‌شود.

پیامد اجتماعی: امکان دارد بسیاری از کشاورزان دچار ورشکستگی شوند و حمایت‌های دولتی نیز نتواند ضررها را کاملاً جبران کند.

کاهش رقابت‌پذیری صنایع داخلی: تعرفه‌ها اگرچه با هدف حمایت از تولید داخلی وضع می‌شوند، اما با افزایش هزینه مواد اولیه وارداتی مانند فولاد، صنایع آمریکایی توان رقابت در بازار جهانی را از دست می‌دهند.

نمونه: تولیدکنندگان آمریکایی مجبور به پرداخت هزینه‌های بالاتر برای مواد خام می‌شوند که به کاهش صادرات و رشد اقتصادی منجر خواهد شد.

تنش‌های ژئوپولیتیکی: این سیاست‌ها روابط آمریکا با همسایگان نزدیک (کانادا و مکزیک) و شرکای تجاری اصلی (چین) را تیره‌تر می‌کند. این امر باعث افزایش بی‌اعتمادی و ایجاد چالش‌های دیپلماتیک برای دولت آمریکا می‌شود.

پیامدهای مثبت برای مردم آمریکا

تقویت صنایع داخلی: افزایش تعرفه‌ها برخی صنایع داخلی، مانند فولادسازی، را از رقابت خارجی محافظت می‌کند. این موضوع می‌تواند به ایجاد شغل در برخی مناطق صنعتی منجر شود.

کاهش کسری تجاری (در کوتاه‌مدت): سیاست‌های تعرفه‌ای به کاهش واردات برخی کالاها و تقویت تراز تجاری کمک خواهد کرد.

فشار بر چین برای اصلاحات تجاری: سیاست تعرفه‌ها به عنوان ابزاری برای فشار بر چین جهت تغییر رفتارهای تجاری غیرمنصفانه (مانند سرقت مالکیت معنوی) به کار گرفته می‌شود. این اقدام باعث خواهد شد که چین تا حدی به پای میز مذاکره بیاید.

تحلیل نهایی: سیاست افزایش تعرفه‌های تجاری، در کوتاه‌مدت برخی مزایا برای صنایع داخلی ایجاد می‌کند، اما در بلندمدت هزینه‌های آن بر مردم آمریکا سنگین‌تر خواهد بود. افزایش هزینه زندگی، فشار بر کشاورزان، کاهش رقابت‌پذیری، و ایجاد تنش‌های سیاسی، مشکلات بزرگی به همراه خواهد داشت. این سیاست نشان می‌دهد که برای تحقق اهداف اقتصادی باید تعادل میان منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت برقرار شود. علاوه بر این، همکاری با شرکای تجاری و توسعه دیپلماسی اقتصادی می‌تواند جایگزین بهتری برای سیاست‌های محدودکننده باشد. سیاست تعرفه‌ها، علی‌رغم نیت اولیه برای بهبود اقتصاد داخلی، پیامدهای چندجانبه‌ای به همراه داشته باشد که در بسیاری از موارد، بار آن را مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان آمریکایی به دوش خواهند کشید.



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری‌های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت‌های

قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا

♦ درمان بیماری‌های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی

♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه‌ها پذیرفته می‌شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

پیام شایانی

وکیل تصادفات و صدمات بدنی

800-261-1314

Payam Mark Shayani, ESQ

Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian
Slip & Fall, Work Injury

- تصادفات رانندگی
- صدمات ناشی از کار
- زمین خوردگی
- صدمات منجر به مرگ
- حمله حیوانات

تجربه رسیدگی به بیش از ۱۰ هزار پرونده تصادفات
دریافت صدها میلیون دلار خسارت
با ۹۹٪ موفقیت



(916) 442-9999

980 9th St., 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408) 777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925) 777-0432

425 Market St., Suite 200
San Francisco, CA 94105

۲۵۰۰ ساله و تاجگذاری خودش کاملاً آشکار می شود. ثروتی که به آسانی به دست آمده است و متأسفانه صرف غیر ضروری ترین اشیاء می شود. بعضی از شخصیت ها مانند زرگر، زن او، معلم و کدخدا تیپ های معمولی جامعه ایرانی هستند که به صورت کاریکاتور و با طنزی بی اغماض و نکته بینی زیاد ترسیم شده اند. به عقیده پل اسپراکمن (۱) که تحلیلی از این اثر تحت عنوان «گنج ابراهیم گلستان: تمثیلی از کلیشه جامعه مصرفی» نوشته است شاه و نخست وزیر او امیرعباس هویدا به صورت روستایی و مشاور او یعنی سپاهی دانش معرفی شده و شدیداً انتقاد شده اند. گلستان

درباره روستایی بعد از این که همه چیز از بین رفته است چنین می نویسد: «هر چیز در صحن خانه نو را نشانه بزرگی و نیروی خود می دید، اما به هیچ وجه نمی دید جمع چشم انداز تصویر حالت و هویت اوست - بر جای باغ سبب و به امروز میدانی از مجسمه های گچ و سیمان یک جور کشتی نوح نمونه های پراکنده از پرتی، از ادعای بی افسار، از افسانه های فرسوده، از زور پول و ذوق زشت زمخت زپرتی بیهوده - و هیچ نمی دید جا عوض کردن فرق دارد با خود عوض کردن. نمی دید تغییر جا دلیل پیشرفتن نیست، رفتن نیست، رفتنی اگر دارد بی جهت دارد، سکان ندارد، نمی راند، لغزیدن است، هم خنده آور است و هم خطرناک است.» (۲)

یکی دیگر از نویسندگانی که باید در اینجا ذکر شود مهشید امیرشاهی است که صرفاً طنزنویس نیست، ولی بعضی از آثارش را می توان جزو آثار طنزآمیز شمرد. شوخ طبعی، ظرافت، نکته سنجی و طنزی زیبا و ادبی از خصوصیات داستان های مهشید امیرشاهی است. او نحوه سخن گفتن و لحن شخصیت های خود را ماهرانه انتخاب می کند، و با وجود این که راجع به زمینه فکری و زندگی این اشخاص در آغاز بحثی نمی کند و آنها را بی مقدمه به میان داستان می کشاند، ولی به تدریج از خلال حرف هایی که می زند و کارهایی که می کنند این شخصیت ها جان می گیرند و ما با جزئی ترین افکار و خصوصیات آنها آشنا می شویم. محیطی که امیرشاهی شرح می دهد محیط ایران است و ایرانیانی که بعد از انقلاب به خارج و به خصوص به فرانسه آمده اند. البته صحنه داستان های کوتاه امیرشاهی اغلب در ایران است، و زمان دو رمان او «عروسی جوادآقا» و «مادران و دختران» اواخر دوران قاجار و زمان به قدرت رسیدن سردار سپه است. داستان های او محدودیت زمانی خاصی ندارند و هم در زمان شاه و هم بعد از انقلاب اتفاق می افتند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۸

طنز در رمان و داستان کوتاه

بخش آخر
دکتر حسن جوادی



اثر دیگری که باید در اینجا شرحی از آن داد «اسرار گنج دره جنی» از ابراهیم گلستان (متولد ۱۳۰۱) است، و در اساس فیلم نامه ای بود که ابراهیم گلستان بر پایه آن، فیلمی به همین نام ساخت و بعداً آن را تبدیل به رمانی کرد (۱۳۵۳). یک روستایی فقیر ضمن شخم زدن مرزعه اش گنجی قدیمی می یابد و آن را اندک اندک به شهر می برد و به زرگری می فروشد. زرگر یکی از اشخاصی است که در پی یافتن اسرار گنج روستایی هستند و زن زرگر کلفت خودشان را به زنی به او می دهد تا به اسرار او پی ببرد. مرد روستایی که مسحور زرق و برق زندگی شهری شده است قصری در ده خود می سازد و آن را از ناهماهنگ ترین و پرزرق ترین امتعه شهری انباشته می کند. در ضمن یک سپاهی دانش هم مشیر و مشار مرد روستایی گشته و برای بنا کردن و آراستن قصر مدرن او انواع و اقسام هنرمند و صنعتگر را از شهر می آورد. ولی متأسفانه رؤیای زرین مرد روستایی دیری نمی پاید و گنج او و همچنین قصری که ساخته است در اثر انفجار دینامیتی که دسته ای از مهندسیین راهسازی در آن نزدیکی به کار می برند از هم می پاشد و در دل خاک مخفی می شود.

هدف گلستان نشان دادن روانشناسی اجتماعی حاکم بر دهه پنجاه است. از طرفی همه آدم ها نیرنگ باز و در پی شکار یکدیگرند و برای تصاحب گنج دام می گسترند، و از سوی دیگر اسرار گنج دره جنی طنزی است سیاسی در انتقاد از «تمدن بزرگ» شاه در دهه ۵۰ که می خواست جامعه ایرانی را بدون تغییراتی اساسی و زیربنایی عوض کند. از همان آغاز، که اولین کاروان خریدها، وسایل آشپزخانه، مبل های مخملی لویی چهاردهم و مجسمه های قدونیم قد، به دهکده پر فقر و فاقه می رسند، طنز عمیق سیاسی آن در رابطه با کشوری چون ایران، که در دهه ۱۳۵۰ اثر بالا رفتن ناگهانی قیمت نفت صاحب ثروت زیادی می شود و ولخرجی های شاه در جشن های



شیوا موزون

وکیل رسمی دادگستری آمریکا



Shiva Moozoun
Attorney at Law

مدافع و مشاور شما در امور:

✦ اخذ ویزا و گرین کارت از طریق سرمایه گذاری
Business Immigration

✦ اخذ تابعیت

Citizenship & Naturalization

✦ اخذ گرین کارت

Permanent Residency

✦ اخذ گرین کارت از طریق خانواده

Family Based Visa

✦ اخذ ویزا از طریق کار

Employment Based Visas

✦ آگاهی، انجام و مشاوره در امور OFAC
OFAC Compliance & Consulting

✦ تهیه و تنظیم وصیت نامه و تراست

Probate & Trust Administration

✦ اشتباهات پزشکی، تصادفات

Personal Insure, Medical Malpractice

✦ مشاوره، تشکیل ثبت و انحلال شرکت ها

LLCs, Partnership, C & S Corporation

Nonprofit Organization Formation

✦ برنامه ریزی و آماده کردن اظهارنامه های مالیاتی (داخلی و خارجی)
برای اشخاص و شرکت ها

Business Accounting & Tax Filing for Federal & all States
Financial Planning & Foreign Tax Consulting



Cell: (415) 314-1003 Office: (800) 493-7065

51 E. Campbell Ave., Campbell, CA 95008

هیچ‌یک از این دو دسته توجه نکردند که مبنای هنر جدید غالباً آشنایی غریبان با شیوه‌های هنری است که از دیرباز در مشرق‌زمین معمول بوده است و چیزی نیست که از بنیاد تاریکی داشته و از مخترعات اروپا باشد.^(۳)

یاد آوری این نکته در پایان گفتار در خور توجه است که: «ایرانیان، در همه ادوار تاریخی، شخصیت هنری خود را نشان داده‌اند. بر ما لازم است که این ارزش‌های خود را بشناسیم تا این‌قدر در برابر آنچه امروز بیگانگان بر ما تحمیل می‌کنند عاجز و زبون و درمانده نماییم. باید نخست خود را بشناسیم و سپس، در سنجش خود با دیگران عادلانه قضاوت کنیم. شاید به این طریق از این ضعف و زبونی که امروز کار ایرانیان را، از صدر تا ذیل، به مذلت و خواری کشانیده است رهایی بتوان یافت.^(۴)

نا گفته نماند این گفتار که در ۱۳۴۰، در پی دیداری از نمایشگاهی از هنر ایران در پاریس نوشته شده، سرشار از غرور ملی استاد سخنوری است که ایران و هنر و فرهنگ دیرین آن را بسیار دوست داشت، اما سرنوشت تاریخی آن، در پی انقلاب پنجاه سال واپسین، نشان داد چه بسا بسیاری از آن باورها خوش‌بینانه بوده است. (نظری به کوشش‌های ادبی، بررسی‌های کوتاه و گویایی است که در ۱۳۴۰ به صورت یادداشت‌های کوتاهی نوشته شده است و می‌توان در تاریخ نقد و بررسی کتاب به عنوان بهترین سرمشق از آن یاد کرد. احاطه به موضوع هر کتاب و تحلیل انتقادی از آن در معرفی هر یک قابل توجه است.

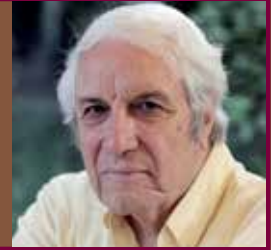
از جمله کتاب‌های تحقیقی «سیرت جلال‌الدین مینکبرنی» اثر شهاب‌الدین محمد زیدری، منشی جلال‌الدین، پسر سلطان محمد خوارزمشاه به زبان عربی است که مؤلف آن را در همان زمان به فارسی ترجمه کرده و استاد مجتبی مینوی به تصحیح آن پرداخته است. به نظر معتبر استاد خانلری «چاپ متنی کهن، با این‌گونه تصحیح و این قبیل توضیح و حاشیه، آن هم با این دقت و تعمق و احاطه بر موضوع کاری است که ارزش آن از غالب تألیف‌های مستقل بیشتر است.»^(۵)

از مؤلف سیرت جلال‌الدین، یعنی شهاب‌الدین محمد زیدری، متن دیگری به نام نفته المصدور، به معنی «درد دل»، در شرح سختی‌های زندگی جلال‌الدین است که یک‌بار چاپ سنگی آن در ۱۳۰۸ در تهران منتشر شده بود و اینک همین متن را امیرحسین یزدگردی، با دقتی بسیار، به تصحیح انتقادی به چاپ سپرده است. توضیحات مصحح فاضل متن در حل مشکلات لفظی و معنوی و ادبی و تاریخی، هرچند بیش از هفت برابر متن شده، اما همه مفید و روشنگر است.

هفتاد سخن پرویز ناتل خانلری

بخش پنجم

دکتر ایرج پارسی نژاد



«۷۰۰۰ سال هنر» عنوان گزارشی است که استاد خانلری از نمایشگاه هنر ایران در پاریس در مهر ماه ۱۳۴۰ به دست داده است، نمایشگاهی که آثار هنر ایران پیش از اسلام در آن اهمیت بیشتر دارد. هرچند که به گفته درست نویسنده گزارش، «ایران یگانه ملت دنیا نیست که دارای تمدن و فرهنگ بوده است. ملت‌های کهن دیگر نیز هستند که هر یک در قسمتی از این امور به مقام عالی رسیده‌اند. گاهی بعضی از ایشان در رشته‌ای از هنر و دانش از ایرانیان نیز پیشتر رفته‌اند. اگر بخواهیم از روی غرور ابلهانه مقام دیگران را انکار کنیم، مقام خود را نیز از دست داده‌ایم.»^(۱)

نکته درست دیگر نویسنده صاحب‌نظر این است که: «دانش و صنعت وطن ندارد. اما ذوق و هنر غالباً به سرزمین و ملت خاصی وابسته است. سیر ترقی دانش و صنعت متوالی است، یعنی آنچه کامل‌تر و عالی‌تر است مبتنی بر مقدماتی است که ناقص‌تر بوده است، اما سیر آثار هنری تا این حد پیاپی و متوالی نیست.»

نکته دیگر اینکه: «هنر در همه‌جا و در همه زمان‌ها یکسان نیست. آنچه هنر شمرده می‌شود، به ضرورت و پیاپی رو به کمال نمی‌رود. البته سلیقه‌ها مختلف می‌شود، اما تغییر ذوق و سلیقه دلیل کمال نیست. شعر حافظ محصول ذوق و سلیقه مردی است که ششده سال پیش از این می‌زیسته است و با ذوق امروزی ما از همه جهات مطابقت ندارد، اما از روی این امر نمی‌توان قیاس کرد که شعر شاعر امروزی به ضرورت بهتر از شعر حافظ است و به اندازه شش قرن بر آن رجحان دارد.»^(۲)

نکته در خور توجه دیگر این که: «در سال‌های اخیر، بعضی از هنرمندان یا هنردوستان با شیوه‌های نوی، که در بعضی از کشورهای اروپا رواج یافته بود، آشنا شدند، و چون این ارمغان هم از اروپا آمده بود درباره ارزش و اعتبار آن هیچ تردید نکردند. گروهی دیگر این شیوه‌ها را بسیار غریب شمردند و به مخالفت برخاستند. اما

دکتر فتنه هوشداران کایروپراکتر

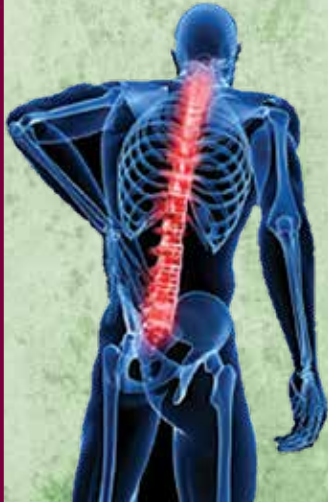
تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، ورزشی،
صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life

مطب مجهز به دستگاه‌های فیزیکیال تراپی و ماساژ طبی، ورزشی و میز
Doc Decompression Table برای تسکین و بهتر کردن دردهای:



Fataneh Hooshdaran, D.C.



- ♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه درد و زانو درد
- ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن ♦ دردهای کمر ♦ دردهای دست
- ♦ Headache ♦ Sciatica ♦ Degenerative Disc ♦ Rheumatism
- ♦ Lower Back Pain ♦ Shoulder & Knee Pain ♦ Neck & Hand Pain

Serving: San Jose & Santa Clara
www.chiropracticusaca.com

(408)244-7677
2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050



کیک و شیرینی بی بی

مجله ترین و جدیدترین کیک های عروسی، نامزدی، تولد و جشن های شما. تازه ترین انواع شیرینی تر، خشک و میوه ای با مرغوب ترین مواد اولیه اروپایی.



(408) 247-4888

441 Saratoga Ave., San Jose, CA 95129

TULIP CELEBRATIONS

LUXURY PERSIAN WEDDING SHOW

نمایشگاه مجلل عروسی - شمال کالیفرنیا

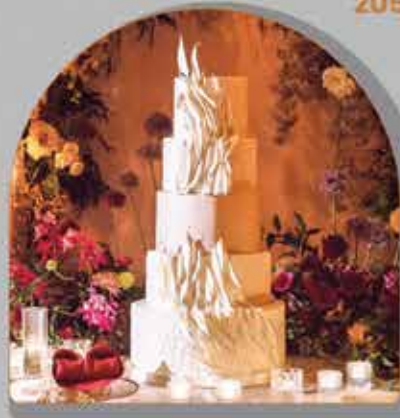


TULIP
CELEBRATIONS

February 2, 2025 ++ 1:00 PM - 6:00 PM

DoubleTree by Hilton

2050 Gateway Place, San Jose, CA 95110



Pre-register for free entrance
\$10 at the door
\$5 parking - Adult Only Event



408-412-3990



www.tulipcelebrations.com
(for registration and more information)



PARTNERS & SPONSORS

Afra's Corner • Aria Floral Studio • Beauty Innovations • Blackistone Florist • Blooming Bouquet • Ceremonies by Azin • C'est si Bon Bakery • Danny Dong Photography • Diamond Bites Catering • DJ Dr. T. • DJ Turker • DoubleTree By Hilton • Everlast Petals • Fifi Hair & Make Up • Flowers by Hamid • Gol Ice Cream • Harpist Erica Messer • Kaveh Nikpour Photography • Lovely Moments Planning • Maryam Payande Photography • Melika Dehghan Photography • Millatty Maison • Mitra Art Cakes • Nilou Weddings • Paradise Design & Decor • Parisa Design • Pine Press Printing • Precious Design & Events • Reswood Design By Pegah • Studio Dizon Photography • Trisha Beauty Services • Vital Glow Med Spa • Winner Weddings By Roya • Yasbanoo Officiant Services • Yenni Violinist • Zanjebar • Zeytoon Catering

جنگی پشتیبانی نکنند. وی می گوید دولت های درگیر در جنگ، انگلستان، فرانسه و آمریکا از یک سو و مخالفان آنان یا آلمان، ایتالیا و ژاپن از سوی دیگر هیچکدام هوادار طبقه کارگر و دلسوز زحمتکشان نیستند. این دولت های سرمایه داری فقط با انگیزه های دست یابی به مواد خام دیگران و استفاده از نیروی انسانی ارزان قیمت خون ریزی و کشتار به راه انداخته اند.

لنین در سال ۱۹۱۶ دست به نوشتن یکی از بزرگترین آثار خود به نام «امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری» می زند. در این کتاب نظریه های خود را درباره تاریخ و حرکت آن توضیح می دهد. جنگ را یکی از نشانه های گسترش خواهی دولت های سرمایه داری می شمارد و چنین می اندیشد که این رقابت ها در پایان سبب ضعیف شدن کشورهای سرمایه داری خواهند شد. وی می نویسد سوسیالیست های انقلابی جهان باید از نتایج جنگ بین دولت های امپریالیستی سود ببرند و به بهترین شیوه ای از ضعیف شدن آنان بهره برداری کنند. وی می گوید انقلابیان باید جنگ بین المللی را به جنگ داخلی تبدیل کنند. در فرصت مناسب ضربه کوبنده را وارد سازند و طبقه کارگر به رهبری «حزب پیشاهنگ» قدرت را بریابد. در همین دوران است که لنین به مراتب بیش از پیش در نظریه «انقلاب پرولتاریا» و بنیاد گذاری «دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان» راسخ می شود و شرکت دهقانان روسی را در کوشش های انقلابی از شرایط بنیادی اعلام می کند. لنین از انقلابیان اروپایی می خواهد تا «جنگ امپریالیستی» را به «نبرد انقلابی» تبدیل کنند و دولت های خود را سرنگون سازند. لنین «مارکسیسم اروپایی» را به «سوسیالیسم روسی» تبدیل می کند. نظریه ها و اندیشه های لنین از دیدگاه بسیاری از سوسیالیست های انقلابی غیر عملی، خیال بافانه و انحراف نمایان از مارکسیسم جلوه می کنند. آوازه و اعتبار لنین به شدت فروکش می کند. بسیاری از سوسیالیست ها او را دست می اندازند و گروهی می گویند لنین در آستانه دیوانگی است. لنین می گوید انقلاب کارگری در روسیه با این که هنوز کشوری صنعتی به شمار نمی رود و «پرولتاریا» به معنای راستین، در آن نیروی چندانی ندارد امکان پذیر است. بسیاری از مارکسیست ها به این اظهار نظر می خندند و سرتکان می دهند. در برخی از دوره های جنگ جهانی اول لنین دچار یاس شدید و افسردگی ژرف می شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۹

درباره لنین

بخش هفتم

دکتر احمد ایرانی



پیش درآمد انقلاب: در تابستان سال ۱۹۱۴ نخستین شعله های جنگ جهانی اول روشن می شوند. لنین از همان آغاز با شدت تمام با دست زدن به کوشش های جنگی مخالفت می ورزد. به برخی از رهبران احزاب سوسیالیست اروپا به خاطر هواداری آنان از جنگ حمله می کند. از آنان می خواهد تا با آغاز جنگ از سوی دولت های خود به شیوه ای جدی مخالفت کنند. لنین می گوید ملت ها فقط باید با دولت های خود بجنگند و جنگ ملت ها با یکدیگر در پایان سبب نیرومند شدن دولت های دشمن مردم می شود. وی از کارگران می خواهد تا جنگ بین المللی را به جنگ داخلی بدل سازند و موجبات سرنگونی حکومت را فراهم آورند. لنین می نویسد جنگ را دولت های سرمایه داری به راه انداخته اند. این دولت ها هدفی جز تأمین منافع اقتصادی خود، رقابت مالی با یکدیگر و به دست آوردن سرزمین های دیگران و غارت ثروت های آنان ندارند. وی می نویسد در جنگ بین دولت ها طبقه زحمتکش نه تنها چیزی به دست نمی آورد بلکه جانش را هم از دست می دهد. دولت امپراتوری اتریش، لنین را به خاطر مخالفت های شدیدش با کوشش های جنگی بازداشت می کند نمایندگان خوب سوسیال دموکرات اتریش در مجلس آن کشور از لنین هواداری می کنند. کوشش های آنان سبب می شود تا لنین به سوی فرستاده شود. پیش از آغاز جنگ و پس از شروع آن بسیاری از سوسیالیست های اروپا به کوشش های جنگی روی خوش نشان می دهند. پلخانوف «مارکسیست بزرگ» و پرآوازه ترین سوسیالیست، برتری نظام آلمان را تهدید بزرگی برای روسیه به شمار می آورد. از سوسیالیست ها می خواهد تا علیه آلمان متحد شوند. بر سر موضوع جنگ درگیری های پایان ناپذیری بین لنین و پلخانوف پدید می آید. لنین از کارگران و زحمتکشان می خواهد تا از کوشش های



WWW.AMINIRANIANLAW.COM



شکوفه امین

وکیل سابق دادگستری

- ◆ تهیه و کالتنامه و ارسال آن به ایران
- ◆ تنظیم وصیتنامه ایرانی و صلحنامه
- ◆ اخذ شناسنامه و گذرنامه ایرانی
- ◆ ثبت ازدواج، طلاق، و فوت

(۷۲۸۲-۶۴۲) (۸۱۸)

(۰۰۳۰-۶۴۲) (۷۱۴)

با ذکر نام ماهنامه پژواک ۱۰٪ تخفیف بگیرید

Gabeh Rug Gallery

با ۴۰ سال تجربه و با ارائه بهترین سرویس و خدمات

مجموعه ای از بهترین فرش های دست باف (تبریز، نائین، کاشان، قم، تابلو فرش و غیره)

متخصص در شستشوی فرش های دست باف و ارزشمند



رفوگری،
لکه و رنگ برداری،
براق شور

خرید، فروش
و
معاوضه

برآورد و
قیمت گذاری
جهت بیمه

*Wash
&
Repair*

*Buy, Sale
&
Trade-ins*

*Expert
Appraisals
for Insurance*

(408) 876-9495

By Appointment Only

3911 Stevens Creek Blvd, Suite 201, Santa Clara, CA 95051



شوند که با گرداندن چوب ها سیم ها کوتاه و بلند و محکم و شل شوند و به اصطلاح بتوانند، با باز و بسته کردن پیچ ها، ساز خود را کوک کنند. ربابی که کولی ها می سازند با پنجه انگشتان نواخته می شود و صدایی بسیار گرم و گیرا از آن به گوش می رسد. در آهنگ ها و ترانه ها همه جا صدای رباب آمده است. «کلبلا داستان»، استادی بود در آنجا که در نواختن رباب تمام وجود و هستی خود را در گرو ساز می گذاشت و با کشیدن پنجه های خود به سیم رباب به خوبی می توانست تمام آنچه را که در درونش جریان داشت بیرون بریزد و با کلام موسیقی آن را بیان کند. او چنان رباب می زد که انگار صدای خون است که از ساز بیرون می ریزد. نوع نوازندگی و آهنگ هایی که کلبلا داستانی، نوازنده و خواننده کولی اجرا می کرد، آرام بودند و ریتم کندی داشتند. تمام آنچه را که او خواند، چه در ترانه ها و چه در آوازها عاشقانه بودند:

رقص کولی ها در خوزستان - دهه ۴۰ خورشیدی

آمده است. «کلبلا داستانی»، استادی بود در آنجا که در نواختن رباب تمام وجود و هستی خود را در گرو ساز می گذاشت و با کشیدن پنجه های خود به سیم رباب به خوبی می توانست تمام آنچه را که در درونش جریان داشت بیرون بریزد و با کلام موسیقی آن را بیان کند. او چنان رباب می زد که انگار صدای خون است که از ساز بیرون می ریزد. نوع نوازندگی و آهنگ هایی که کلبلا داستانی، نوازنده و خواننده کولی اجرا می کرد، آرام بودند و ریتم کندی داشتند. تمام آنچه را که او خواند، چه در ترانه ها و چه در آوازها عاشقانه بودند:

بیا تا بوس کنم خال دماغت سفر میرم به دل می ماند آخر

ولی، در صدای غربتی، غمی غریب و غربتی، نهفته بود که انگار عشق را بهانه کرده است، تا از رنج ها و دردهایش سخن بگوید. قسمت دیگری از ترانه ها و آوازهای او این طرز تفکر را القاء می کردند که اجل دایما در کمین انسان نشست و دنیا به هیچ کس و هیچ چیز وفا نمی کند پس باید دل به تنهایی های معشوق و دل فریبی های دنیا خوش داشت و دایما برای پیدا کردن و پی بردن به راز زیبایی های دنیا به گردش و سفر پرداخت و برای پی بردن به رازهای طبیعت، معشوق در کنارمان باشد تا بهتر، دنیا و طبیعت شناخته شوند و دیگر این که، نباید گذاشت دوره عمر در سختی و مشقت بگذرد. باید از زندگی لذت برد. قسمتی از این شعرها و ترانه ها، اختصاص به این دارد که کولی ها در راه معشوق و عشق خویش، چه فداکاری ها می کنند و آنها با صمیمت بیان می کنند، که اگر معشوق حاضر باشد که عاشق، دستی بر زلف او بکشد، عاشق کولی حاضر است تمام جهان را به معشوق خویش بدهد و اگر او گفت و شنود معشوق خود را بشنود، باز حاضر است تمام ایل خود را فدای او کند. در این شعرها اغراق های بسیاری درباره عشق شده است و سراینده این شعرها به عشق نگاهی بس غریب دارد. در این قسمت که تمام شعرها و ترانه ها، چند صدایی خوانده می شوند، از بچه چهار ساله تا پیرمرد نود ساله، همگی از عشق سخن می گویند. همگی شان از سفر با معشوق خویش حرف می زنند و می خوانند، که اگر معشوق حاضر شود تا با آنها سفر کند، تمام دنیا را به پای او خواهند ریخت. در بین کولی ها، ترانه رواج بیشتری دارد و کمتر آواز خوانده می شود. در خواندن آواز و ترانه، زن ها شرکت نمی کنند، مخصوصاً اگر مرد غریبه ای نیز حضور داشته باشد زن ها با صدای آهسته و در جمع زنان، ترانه می خوانند و برای کودکان خویش نیز لالایی می گویند. زنان و مردان کولی در جشن هایی که به خاطر عروسی و ازدواج و یا مراسم دیگری برپا می شود، می رقصند. رقص هایی که در بین کولی ها انجام می شود دسته جمعی است و در این حالت، زنان و مردان جداگانه می رقصند. رقص زنان، ریتم آرام و کندی دارد. آنان دست های خویش را به هم می دهند و نیم دایره ای می زنند و با حرکات پا و دست شروع به رقصیدن می کنند. معمولاً کسانی که در جلو و عقب رقص قرار می گیرند، دستمالی به دست دارند و آن را دور سر خود، به حرکت در می آورند. رقص زنان شباهت زیادی به رقص کردها دارد. رقص مردان ریتم تندتری از رقص زنان دارد. رقصی که در بین مردان کولی، رواج زیادی دارد، رقص «چوب» است. در این رقص، مردان با چوب های بلندی که در دست دارند، دایره ای تشکیل می دهند و در این دایره شروع به حرکت می کنند و در هر قدم کوتاهی که بر می دارند، یک بار، چوب های خود را به هم دیگر می زنند. بعد از یکی دوبار حرکت به دور دایره تشکیل شده دو نفر، دو نفر به میان دایره می آیند و شروع به چوب بازی می کنند و حالت حمله و دفاع به خود می گیرند. آنها یک بار ایستاده چوب های خود را به یکدیگر می زنند و بار دیگر روی زانوهای خود نیم خیز می نشینند و چوب های خود را به هم می زنند. این رقص را کولی ها در زمان تفریح و بازی نیز انجام می دهند، با این تفاوت که در بازی، دونفر چوب بازی می کنند. به نظر می آید، اهمیت زیاد به رقص چوب به خاطر جنگاوری و آمادگی برای دفاع از خطراتی که قبیله را ممکن است تهدید کند، باشد.



هما گرمی (فره وشی)

زندگی و پیدایش کولیان (بخش دهم)

موسیقی و رقص کولی ها: در فصل های پیش اشاره کردم، دسته هایی از کولی ها وجود دارند که تنها از طریق نوازندگی و رقص، زندگی خود را می گذرانند. این کولی ها که بیشتر در قسمت های جنوبی ایران به گردش و کوچ می پردازند، مردانشان نوازندگی می کنند و زنان آنها می رقصند. آنها در چادرهای خویش از مردان پذیرایی می کنند و وسایل سرگرمی و تفریح آنها را فراهم می سازند. من هنوز با این دسته از کولی ها برخورد نکرده ام، ولی در شمال به دو سه خانواده رامشگر کولی برخورد کردم که در بین قبیله کولی های آهنگر زندگی می کردند. مردان آنها نوازندگی و خوانندگی می کردند و پسران کوچکشان می رقصیدند. این پسران برای اجرای رقص، لباس های زنانه و پرچین که به اندازه بدنشان دوخته شده بود، می پوشیدند و مانند زنان آرایش می کردند و می رقصیدند و حرکاتی که در رقص انجام می دادند به تقلید از حرکات زنان، تنظیم شده بود. این افراد معمولاً در جشن ها و عروسی های مردم دهات و روستاها شرکت می کنند. بعد از اجرای موسیقی و رقص و خواندن ترانه ها و آوازها، پسر جوانی که می رقصد، با همان حرکات و در حین اجرای رقص به میان جمع میهمانان می رود و مقداری پول از بین آنها جمع می کند، که آنها با این پول، زندگی خود و خانواده شان را تامین می کنند. کولی های نوازنده، مواقعی که در ایل عروسی برپا می شود و یا کولی ها شب ها برای تفریح، دور هم جمع می شوند، به رایگان برای آنها نوازندگی می کنند و آواز می خوانند و فرزندان آنها در این مجالس، به رقص می پردازند. معمولاً کولی ها، چه آنها که آهنگرند و چه کسانی که نوازندگی می کنند، همگی صدایی دلکش و خوش دارند و در حین کار، آوازهایی عاشقانه زمزمه می کنند و مواقعی که جشنی برپا می شود، با خواندن آواز و ترانه، نوازنده را همراهی می کنند.

رباب سازی که قدمتش به زمان ساسانیان و شاید پیش از آنها می رسد و کولی ها آن را به شکل خاصی، که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت، می سازند. کدویی را می گیرند و داخل آن را خالی می کنند، بعد می گذارند تا خشک شود، وقتی کدو خشک شد، یک برش طولی کوچک به آن می دهند. بعد، روی قسمتی را که برش داده اند، با یک تخته نازک، به قطر تخته سه لایی یا فیبر می پوشانند. حال، یک قسمت کدو مسطح شده است. دهانه کدو را کمی می بندند و دهانه را تنگتر می کنند و یک تکه چوب بلند به پهنای ۳ سانتی متر و درازای ۳۰ الی ۴۰ سانتی متر، درون سوراخ تنگ شده قرار می دهند، بعد روی قسمت مسطح شده کدو سه میخ کوچک می کوبند و همینطور، در روی نوک چوب بلند سه سوراخ کوچک، ایجاد می کنند و در آن سوراخ ها، چوب هایی که قبلاً ساخته اند قرار می دهند، به طوری که چوب درون سوراخ به نوک چوب دیگر بپیچد. سه سیم که از روده گوسفند و یا فنر ساخته شده و در شهر به فروش می رسد، روی کدو می کشند. به این صورت که یک سر هر کدام از سیم ها، به میخ های کوبیده شده روی کدو بسته می شود و سر دیگر سیم ها را به چوب هایی که به نوک چوب بلند متصل هستند، می بندند. این سیم ها طوری به نوک چوب بسته می

فرامرز رفیع زاده

کارگزار مستقل و متخصص در امور بیمه های درمانی

بیمه مدیکر - بیمه کاورد کالیفرنیا - بیمه های آزاد انفرادی

و گروهی - بیمه دندانپزشکی - بیمه مسافرتی

Medicare - Covered California (Marketplace) -

Dental Insurance - Travel Insurance



Faramarz Rafizadeh
Independent Insurance Agent

مشاوره رایگان و فروش بیمه های درمانی
در سرتاسر ایالت کالیفرنیا

(408)-309-7006

Email: Faramarz@Medicareforcalifornians.com

CA License# OH15555

سقوط بشار اسد: تأثیرات بر سوریه، منطقه و ایران

شهرام منفردزاده



از راهبرد منطقه‌ای ایران اهمیت زیادی داشت. سقوط اسد این ارتباط را پیچیده‌تر کرده و محور مقاومت را تضعیف می‌کند.

ضرر اقتصادی: ایران میلیاردها دلار در قالب کمک‌های مالی و نظامی برای حفظ حکومت اسد هزینه کرده است. با سقوط او، این سرمایه‌گذاری‌ها عملاً بی‌ثمر خواهد بود و فشار اقتصادی بیشتری بر ایران وارد می‌شود.

افزایش رقابت منطقه‌ای: کشورهایمانند ترکیه، قطر و عربستان سعودی احتمالاً از این فرصت برای گسترش نفوذ خود در سوریه استفاده خواهند کرد. این امر می‌تواند رقابت‌های منطقه‌ای ایران با این کشورها را تشدید کند.

پیامدهای سیاسی داخلی: سقوط اسد ممکن است فشار بیشتری بر دولت ایران برای بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای خود وارد کند. منتقدان داخلی ممکن است این رویداد را به عنوان شکست در سیاست خارجی قلمداد کنند.

چشم‌انداز آینده: با سقوط بشار اسد، سوریه وارد مرحله‌ای حساس از انتقال قدرت شده است. جامعه جهانی، به ویژه کشورهای همسایه و سازمان ملل، نقش مهمی در بازسازی این کشور و حفظ ثبات منطقه‌ای خواهند داشت. برای ایران، این رویداد فرصتی است تا سیاست‌های خود را در منطقه بازنگری کرده و از تمرکز بر نفوذ نظامی به سوی دیپلماسی و همکاری سازنده حرکت کند. این تغییر نه تنها پایان یک دوره طولانی بحران در سوریه، بلکه نقطه عطفی در موازنه قدرت در خاورمیانه محسوب می‌شود. آینده سوریه به میزان همکاری گروه‌های داخلی و حمایت بین‌المللی بستگی دارد.

در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۲۴، پس از بیش از یک دهه جنگ داخلی و بحران سیاسی و اقتصادی، حکومت بشار اسد رسماً سقوط کرد. نیروهای مخالف دولت سوریه وارد دمشق شدند و کنترل پایتخت را به دست گرفتند. بشار اسد، که نزدیک به ۲۴ سال در قدرت بود، به مقصدی نامعلوم گریخت و گزارش‌ها حاکی از آن است که احتمالاً به روسیه پناهنده شده است. این تحولات فصل جدیدی را در تاریخ سوریه رقم زده و پیامدهایی گسترده بر موازنه قدرت در خاورمیانه و نقش کشورهای حامی سوریه، به ویژه ایران، خواهد داشت.

موقعیت فعلی سوریه پس از سقوط اسد

ورود نیروهای مخالف به دمشق: مخالفان اسد اعلام کرده‌اند که انتقال قدرت با هماهنگی سازمان ملل انجام می‌شود و نهادهای دولتی برای جلوگیری از هرج و مرج حفظ خواهند شد.

واکنش جامعه جهانی: بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی این تحول را فرصتی برای بازسازی سوریه و ایجاد نظامی مبتنی بر اراده مردم می‌دانند. قطر، ترکیه و کشورهای غربی از این تغییر حمایت کرده و بر لزوم ثبات و بازگشت آوارگان تأکید دارند.

چالش‌های پیش‌رو: سوریه همچنان با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مواجه است. گروه‌های مختلف نظامی و شبه‌نظامی همچنان در این کشور فعال هستند و خطر تجزیه یا گسترش درگیری‌ها وجود دارد.

تأثیر سقوط اسد بر ایران: ایران یکی از اصلی‌ترین حامیان بشار اسد در طول جنگ داخلی سوریه بود و منابع مالی و نظامی قابل توجهی برای حمایت از دولت او صرف کرد. سقوط اسد برای ایران پیامدهای متعددی دارد:

تضعیف محور مقاومت: سوریه به عنوان پل ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان و بخشی

خانواده شما برایتان از هر چیزی مهم‌تر است و سلامت آن‌ها همیشه در اولویت شما قرار دارد. با استفاده از CalFresh و Medi-Cal می‌توانید خانواده‌تان را در مسیر داشتن یک زندگی بهتر قرار دهید.

Medi-Cal خدمات سلامت با کیفیتی را به صورت رایگان یا با هزینه‌ای بسیار کم ارائه می‌دهد، و CalFresh کمک‌هزینه‌ای برای خرید مواد غذایی ماهانه در اختیار شما قرار می‌دهد.



سازمان‌های اجتماعی محلی می‌توانند به شما در ثبت درخواست کمک کنند. پس همین امروز اقدام کنید!

HealthyAC.org

CalFresh و Medi-Cal می‌توانند به حفظ سلامت شما کمک کنند.



ممکن است شما برای هر دو این موارد واجد شرایط باشید، پس همین امروز اقدام کنید!

آیا ترامپ می‌تواند «اخراج‌های دسته‌جمعی» مهاجران را اجرا کند؟

منبع: <https://priceschool.usc.edu> - برگردان: افلیا پرویزاد



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، وعده داده است که بزرگ‌ترین عملیات اخراج در تاریخ آمریکا را آغاز کرده و میلیون‌ها نفری را که مجوز قانونی برای حضور در ایالات متحده ندارند، از کشور خارج خواهد کرد. اخیراً او وعده داده است که یک میلیون مهاجر دیگر را که از طریق دو برنامه دولت بایدن وارد کشور شده‌اند، اخراج کند. ترامپ در ماه سپتامبر در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس نیوز گفت: «آماده رفتن باشید، چون خیلی سریع از اینجا خواهید رفت.»

اما کارشناسان دانشگاه USC معتقدند که تلاش دولت ترامپ برای اخراج مهاجران در این مقیاس بزرگ با چالش‌های قانونی، لجستیکی و مالی بسیاری روبه‌رو خواهد شد. این در حالی است که عواقب اقتصادی و سیاسی تلاش برای اخراج حدود ۱۱ میلیون مهاجر غیرمجاز (طبق آمار سال ۲۰۲۲) نیز نادیده گرفته نمی‌شود.

رابرتو سورو، استاد افتخاری مدرسه سیاست عمومی پرایس در USC، درباره پیشنهاد ترامپ برای اخراج‌های دسته‌جمعی گفت: «این صرفاً یک رویاپردازی انتخاباتی است. هدف اصلی آن انگیزه دادن به رأی‌دهندگان است، نه این که در این مرحله اقداماتی واقعی از سوی دولت پیشنهاد شود.»

به گفته ژان لانتز ریز، مدیر مشترک کلینیک مهاجرت دانشگاه USC در دانشکده حقوق گولد، راه‌هایی وجود دارد که ترامپ می‌تواند به طور قانونی روند اخراج مهاجرانی را که اخیراً وارد شده‌اند، تسریع کند. اما تعداد زیاد ساکنان غیرشهروندی که مدت زیادی در آمریکا زندگی کرده‌اند، پرونده‌های مهاجرتی در انتظار بررسی، و نیاز به همکاری کشورهای مبدأ مهاجران، از جمله عوامل دیگری است که اخراج سریع میلیون‌ها نفر را دشوار می‌کند. ریز گفت: «شما می‌توانید ۱۱ میلیون نفر را در فرایند اخراج قرار دهید، اما سال‌ها طول می‌کشد تا آنها را عملاً از ایالات متحده اخراج کنید. من فکر نمی‌کنم این امر محقق شود، مگر اینکه تغییرات قابل توجهی در قوانین صورت گیرد، و برای این کار به اقدام کنگره نیاز دارید.»

مشکل نیروی انسانی: یکی از دلایلی که دولت فدرال نمی‌تواند تعداد بیشتری از افراد را اخراج کند، کمبود نیروی انسانی در سازمان‌های اجرایی مهاجرت است، به گفته روبرتو سورو. سورو گفت: «رفتن از در به در برای دستگیری، به شدت نیازمند نیروی کار زیاد است. شما به حفاظت نیرو نیاز دارید. باید ترافیک را مسدود کنید. اجرای یک عملیات که شاید فقط سه نفر را دستگیر کند، به تعداد زیادی نیرو نیاز دارد، بنابراین این روش بسیار ناکارآمد است.» ریز گفت: «اگر ترامپ بخواهد ۱۱ میلیون نفر را اخراج کند، نیروی انسانی لازم برای این کار را ندارد.»

در دوران پیشین ریاست جمهوری ترامپ، طبق داده‌های وزارت امنیت داخلی، تعداد اخراج‌های سالانه هرگز از ۳۵۰ هزار نفر تجاوز نکرد. باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین، افراد بیشتری را اخراج کرد و در سال ۲۰۱۳ به اوج ۴۳۲ هزار نفر غیرشهروند رسید، زمانی که همکاری بیشتری با نیروهای پلیس محلی وجود داشت. سورو گفت این برنامه‌های همکاری پس از چالش‌های حقوقی در دادگاه متوقف شدند. در همین حال، شهرها و ایالت‌هایی که تحت کنترل دموکرات‌ها هستند، سیاست‌های «پناهگاه» را اجرا کرده‌اند که هماهنگی با نیروی فدرال مهاجرت را محدود می‌کند. اخیراً، دولت بایدن لایحه‌ای دوحزبی ارائه کرد که، از جمله مفاد دیگر، به وزارت امنیت داخلی اجازه می‌داد تحت شرایط خاص، برخی از مهاجران غیرقانونی را در محدوده ۱۰۰ مایلی مرز جنوب غربی اخراج کند. این لایحه متوقف شد. حامیان ترامپ پیشنهاد داده‌اند که از گارد ملی برای حل مشکل نیروی انسانی استفاده شود. به گفته ریز چنین اقدامی می‌تواند با چالش‌های قانونی مواجه شود، و دادگاه عالی قبلاً حکم داده است که رئیس‌جمهور اختیارات کامل برای استفاده از ارتش در اجرای قانون مهاجرت ندارد. تلاش‌ها برای استفاده از «قانون شورش» نیز با موانع حقوقی روبه‌رو خواهد شد. سورو و ریز افزودند که علاوه بر کمبود نیروهای اجرایی، ظرفیت کافی برای قضاوت و بازداشت نیز وجود ندارد. بر اساس داده‌های مرکز دسترسی به سوابق عملیاتی دانشگاه سیراکیوز (TRAC)، در حال حاضر ۳.۷ میلیون پرونده مهاجرتی در انتظار بررسی است.

مهاجران جدید: به گفته سورو: «با این حال، مهاجران تازه‌وارد تنها بخش کوچکی از جمعیت غیرقانونی آمریکا را تشکیل می‌دهند. اکثر آنها بیش از یک دهه در آمریکا زندگی کرده‌اند و ارتباطات طولانی‌مدتی با جوامع خود دارند. بسیاری از آنها کارگرانی هستند که مالیات پرداخت می‌کنند و نزدیک به یک میلیون نفر از آنها صاحبان کسب‌وکار هستند.»

میلیون‌ها نفر از مهاجران غیرقانونی نیز فرزندان دارند که شهروندان آمریکایی و خردسال هستند. سورو گفت: «ما درباره جمعیتی طولانی‌مدت صحبت می‌کنیم، که این موضوع به یکی دیگر از ملاحظات سیاستی بزرگ منجر می‌شود، یعنی تعداد فرزندان شهروند آمریکایی. آیا قصد دارید خانواده‌ها را جدا کنید؟ آیا والدین را اخراج می‌کنید وقتی نمی‌توانید فرزندان‌شان را که شهروند آمریکایی هستند، اخراج کنید؟»

لغو اخراج: به گفته ریز: «مهاجران غیرقانونی که همسر یا فرزندان‌شان شهروند آمریکا هستند، ممکن است واجد شرایط «لغو اخراج» باشند، اما این تصمیم در اختیار قاضی است. یک قاضی مهاجرت می‌تواند بگوید: «من فکر می‌کنم شما واجد شرایط لغو اخراج هستید، اما من آن را نمی‌پذیرم چون تعداد زیادی جریمه‌های رانندگی دارید یا فکر نمی‌کنم در پنج سال اول زندگی فرزندان‌تان والد خوبی بوده‌اید.»

استفاده از قانون دشمنان خارجی: یکی دیگر از روش‌هایی که ترامپ گفته قصد دارد دنبال کند، استناد به قانون دشمنان خارجی سال ۱۷۹۸ برای اخراج غیرشهروندانی است که ادعا می‌شود عضو باندهای خلفاکار، قاچاقچیان مواد مخدر یا اعضای کارتل‌ها هستند، بدون طی مراحل قانونی. این قانون به رئیس‌جمهور اختیار می‌دهد تا در صورت اعلام جنگ بین یک کشور دشمن و آمریکا یا اگر آن کشور دشمن در حال حمله یا پیشروی خصمانه باشد، «بیگانگان» را از کشورهای دشمن اخراج کند. به گفته ریز: «اما اگر ترامپ از این اختیار استفاده کند، در دادگاه با چالش مواجه می‌شود و احتمالاً شکست خواهد خورد.» او گفت: «اعضای باندهای غیرشهروند، قاچاقچیان مواد مخدر و اعضای کارتل‌ها از کشورهایی نمی‌آیند که با آمریکا در حالت جنگ اعلام‌شده باشند. کشورهای مربوط به اعضای باندها و کارتل‌های مواد مخدر در حال تهاجم نیستند. برای مثال، مکزیکی از طریق اعضای کارتل‌ها به آمریکا حمله نمی‌کند. مکزیکی به طور رسمی در حال مبارزه با کارتل‌های مواد مخدر است.»

تأثیر اقتصادی: پس این سوال پیش می‌آید که چرا اصلاً اخراج‌های گسترده انجام دهیم؟ ریز گفت: «این یک تاکتیک سیاسی برای ایجاد وحشت است که به طور تاریخی برای تمرکز بر مهاجرت غیرقانونی به عنوان منبع مشکلات کشورمان استفاده شده است. اما هیچ داده واقعی برای پشتیبانی از برخی ادعاها که از اخراج‌های گسترده حمایت می‌کنند وجود ندارد.»

دنباله مطلب در صفحه ۵۶



ETMINAN MARKET



Hot Food Special



چلو خورشت قورمه سبزی



باقالی پلو با ماهیچه



چلو خورشت قیمه



زرشک پلو با مرغ



چلو خورشت فسنجان

روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه

BBQ KABOB

کباب کوبیده



Ground Kobob

جوجه کباب زعفرانی



Zaafarani Chicken Kabob

کباب برگ



Fillet Minion Kabob

(408) 622-6778



1373 Kooser Rd., San Jose, CA 95118

ندارد. آنچه که باعث موفقیت قسمت اول فیلم «جوکر» شده بود، سیر تحول منطقی شخصیت جوکر و رهایی او در انتهای فیلم بود. اما تاد فلیپس در قسمت دوم تمام آن سیر تحول را فراموش کرده و بار دیگر شخصیتی ضعیف از آرتور ترسیم کرده است.



این ضعف در کنار فقدان فیلمنامه هوشمند و سیر تحولی که در این جا شکل نمی‌گیرد، «جوکر ۲» را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. فیلمنامه قسمت دوم، نقطه عطفی ندارد و در مدت زمان بیش از ۲ ساعت فیلم، هیچ رویداد مهم و قابل اشاره‌ای در داستان رخ نمی‌دهد و صرفاً تمام آنچه که شاهدش هستیم، تکرار مکررات است. به این وضعیت آشفته باید موزیکال شدن فیلم را هم اضافه کنیم که به تنهایی، ضرباهنگ فیلم را با بحران مواجه کرده است. مشکل «Joker: Folie à Deux» این جاست که هر زمان که مخاطب در حال نزدیک شدن به شخصیت‌ها و داستان است، ناگهان قطعات موزیکال فیلم آغاز می‌شود و سمپاتی تماشاگر با شخصیت‌ها کاملاً نابود می‌شود به طوری که اگر در این دقایق به کارهای شخصی‌تان هم برسید، اتفاق خاصی برای فیلم رخ نخواهد داد و جزئیاتی را از دست نمی‌دهید! تمام این ضعف‌ها باعث شده که تماشای «جوکر ۲» که یکی از مورد انتظارترین آثار سال‌های اخیر بود، تصمیم آسانی نباشد. با این حال، علی‌رغم ضعف‌های قسمت دوم، باید به نکات مثبت فیلم هم اشاره کرد که از جمله آن‌ها، بازی عالی واکین فینیکس در نقش اصلی است که کماکان در فیلم می‌درخشد. فینیکس کماکان ستاره درخشان فیلم است و به تنهایی، ارزش تماشای فیلم را در سطحی بالا حفظ کرده است. همچنین باید به فیلمبرداری و نورپردازی فیلم هم اشاره کرد که از نکات مثبت اثر محسوب می‌شود و نباید به واسطه ضعف‌های فیلمنامه از آن چشم‌پوشی کرد.

جوکر: جنون مشترک (Joker: Folie à Deux) در مقایسه با قسمت قبل، رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده که این تغییرات در فیلم ابعاد جالب‌تری داده است. موزیکال شدن فیلم تنها یکی از مشکلات فیلم به شمار می‌رود و معضل بزرگ‌تر، فیلمنامه ضعیف و مخصوصاً شخصیت اصلی داستان یعنی آرتور است. شخصیتی که دیگر در این جا سیر تحولی را تجربه نمی‌کند و عاشقانه‌اش هم با لی (با بازی لیدی گاگا) تنها دقایق فیلم را افزایش داده و ابعاد جذاییتی بر روی پرده سینما ندارد.

نقد و بررسی فیلم جوکر: جنون مشترک (Joker: Folie à Deux)

منتقد: میثم کریمی

کارگردان: تاد فلیپس **هنرپیشگان:** واکین فینیکس - لیدی گاگا - بردن گلیسون - کاترین کینر - زاسی بیتس

خلاصه داستان: دو سال بعد از وقایع قسمت قبل، آرتور فلک که همچنان در تیمارستان آرکهام بستری است برای طی کردن روند بهبود خود در کلاس‌های درمان با موسیقی شرکت می‌کند. خیلی زود رابطه‌ای عاشقانه میان آرتور و یکی دیگر از بیماران آرکهام به نام لی شکل می‌گیرد؛ رابطه‌ای که به مرور شکلی عجیب پیدا کرده و تبدیل به جنون دو نفره می‌شود. در همین حال، برخی از شورشیان حامی آرتور تلاش دارند که او را از زندان فراری دهند.

نقد فیلم: جوکر ۲ یا جوکر: جنون مشترک (Joker: Folie à Deux) یکی از پرحاشیه‌ترین دنباله‌های سینما در چند سال اخیر بوده است. قسمت اول فیلم «جوکر» تبدیل به یکی از غافلگیرکننده‌ترین آثار سال شد و با فروشی بیش از ۱ میلیارد دلار در گیشه‌های سینما، عملکردی فوق‌العاده برای سازندگان رقم زد و همچنین، واکین فینیکس را هم به اسکار رساند. تمام این موفقیت‌ها باعث شد تا سازندگان با شتاب زدگی به دنباله ساخت دنباله‌ای برای فیلم باشند که این تصمیم هنگام تماشای فیلم، با انتقاد شدید و گسترده طرفداران قسمت اول مواجه شد. طرفدارانی که از قسمت دوم و رویکرد موزیکال متغیر بودند و حتی کمپین‌های گسترده‌ای برای تحریم فیلم به راه انداختند. تمام این حواشی باعث شد که «جوکر ۲» عملکرد خارج از انتظاری در گیشه داشته باشد و انتقادات فراوانی هم متوجه سازندگان شود. داستان قسمت دوم «جوکر» درباره آرتور (واکین فینیکس) است که پس از اتفاقات قسمت اول، حالا محبوس شده و منتظر محاکمه است. او در این وضعیت، با زنی به نام لی (لیدی گاگا) آشنا می‌شود و این آشنایی سرآغاز مجددی برای زندگی به پایان رسیده آرتور است که...

جوکر: جنون مشترک (Joker: Folie à Deux) مشکلات فراوانی دارد از جمله این که شخصیت جوکر در قسمت دوم کاملاً تغییر داده شده و ارتباط چندانی به قسمت اول

Persian Rugs Clinic

با مدیریت **حسن رحیمی** با بیش از سی سال تجربه

Rug Wash - Repair - Restoration - buy & Sell

زیبایی و اصالت فرش‌های تان را با خدمات تخصصی ما حفظ کنید!



متخصص انواع قالی‌های دستباف ایرانی و اورینتال در رفوگری و تعمیرات
رفع هر نوع آسیب دیدگی (بیدخوردگی، ساییدگی، سوختگی، لکه‌برداری و غیره)

ترمیم، لکه‌گیری و
شستشوی تضمینی،

کیفیتی که انتظارش را داشتید

شستشوی قالی‌های مدرن،
کلاسیک، آنتیک، جدید،
قدیمی و فرش‌های ماشینی

* شستشو و تحویل در اسرع وقت

* ارزیابی و آنالیزه کردن فرش‌های متفاوت

* تحویل گرفتن و تحویل دادن رایگان در سراسر بی‌اریا

www.PersianRugsClinic.com

(650) 422-9259

1162 University Drive, Menlo Park, CA

FAMOUS
KABOB

رستوران فیمسی کباب

رستوران فیمسی کباب با تغییرات داخلی و دکوراسیون جدید و با غذاهای بسیار خوشمزه، با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در محیطی متفاوت، آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست

غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است



کترینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

www.famouskabob.com

(916) 483-1700

1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825



یگانه

کافی شاپ یگانه یکی از بهترین مکان های بی اریا برای گذراندن اوقات فراغت شما و چشیدن غذاهای خوشمزه و لذت بردن از محیط دوستانه!

Indoor & Outdoor Sitting & Take Out

لذیذترین ساندویچ های گرم و سرد را در کافی شاپ یگانه میل کنید!

The sandwiches are deliciously authentic!

- * Breakfast & Brunch
- * Omelettes
- * Sandwiches
- * Salads
- * Coffee & Tea
- * Fresh Juices
- * Dessert
- * Milkshakes



نان سنگک تازه - کله پاچه - حلیم



(408) 666-1229

Mondays -Sundays 8:00am - 8:00pm

www.yeganehbakery.com

3275 Stevens Creek Blvd. San Jose, CA 95117

Order online with **DOORDASH**

منطقه فضول آباد

کی گفته جارو کردن کار پسر نیست؟

من دوازده سالم است و دوست دارم در کارهای خانه به مادرم کمک کنم. اما مادرم می‌گفت جارو کردن کار پسرها نیست و بیشتر برای دخترهاست. من با خودم گفتم: «چه کسی این را گفته؟» و آن قدر تکرار کردم: «کی گفته؟ کی گفته؟» تا بالاخره مادرم قبول کرد و به من یاد داد که چطور همه‌جا را خوب جارو کنم. حالا هر وقت جارو می‌کنم، اول از اتاق خودم شروع می‌کنم. تازه، به بابا هم کمک می‌کنم تا ماشینش را بشوید. پسرخاله‌هایم، به قول مادرم، هیچ کاری انجام نمی‌دهند و دست به سیاه‌وسفید نمی‌زنند. آن قدر هم چاق شده‌اند که از در خانه‌شان به سختی رد می‌شوند! من جارو کردن و تمیزکاری را خیلی دوست دارم، چون از اتاق، آشپزخانه، کوچه و خیابان کثیف اصلاً خوشم نمی‌آید. جدیداً برای کمک به مادرم ظرف هم می‌شویم. مادرم یادم داده که ظرف‌ها را زیاد کثیف نکنم. وقتی لیوان یا بشقابی به اتاقم می‌برم، همیشه زود برمی‌گردانم و نمی‌گذارم آنجا بماند.

بریتانیا، آمریکا، کانادا، و استرالیا پراکنده هستند. با این که پارسیان در بمبئی اقلیت کوچکی به شمار می‌روند، حضورشان در این شهر کاملاً مشهود است. از نظر اقتصادی، آنها به عنوان اقلیتی مهم در این کشور شناخته می‌شوند. انسجام اجتماعی بالایی دارند و با وجود گذشت ۱۲۰۰ سال، بسیاری از سنت‌های ایرانی خود را حفظ کرده‌اند.

سهراب سپهری از کودکی‌اش چنین می‌گوید: در خانه آرام نداشتم. از هر درختی بالا می‌رفتم و از پشت‌بام پایین می‌پریدم. من شر بودم. مادرم پیش‌بینی کرده بود که لاغر خواهم ماند و واقعا هم لاغر ماندم. کودکی‌ام رنگین بود، دورانی که میان ترس و شیفتگی سپری شد. در جهش‌های پاک و قصه‌های ترسناک نوسان داشتم. حرکاتم فراتر از زمان بود و زندگی با نوعی گیجی شیرین نگاهم می‌کرد. من تا هجده‌سالگی کودک بودم و دیر بزرگ شدم. خانه ما همسایه صحرا بود و تمام رویاهایم به بیابان راه داشت. برایم، زنگ نقاشی نقطه روشن تاریکی هفته بود. نمره را دوست داشتم اما هرگز در کلاس قرار نمی‌گرفتم.

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی
فریمان - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



زبان فارسی: چرا فقط من بگویم؟ شما که بهتر از من می‌دانید. زبان مادری و کتابت ما، مانند خود مادر، مهربان است، دل می‌سوزاند و هر جا برویم مراقب ماست، حتی اگر حرف نزنند. همیشه می‌آید کمک می‌کند. یادتان هست وقتی که به هر دلیلی خواستیم از خانه مادری یا وطن مادری بیرون بیاییم؟ وقتی که زندگی چندین ساله‌مان را یا مفت بخشیدیم یا به حراج گذاشتیم و میان رودی از اشک، از خاکمان دور شدیم و به غربت آمدیم و نام «مهاجر» را بر خود گذاشتیم؟ چقدر تن مان از خاک بی‌کسی و بی‌هم‌زبانی سنگین شده بود؟ مگر همین زبان مادری نبود که بلند شد، چند دوست هم‌زبان برایمان پیدا کرد و گفت: «حالا راحت حرف بز، گوش کن.» مگر نگفت: «بخند، و نخواست روان‌پریشی ما را ببیند؟»

خواستیم بگویم که باید حرمت این زبان را نگه داریم و قبول کنیم که در میان زبان‌های دیگر، زبان ما چه شیرینی خاصی دارد. مگر نه این که نویسنده بزرگ ما، سید محمدعلی جمال‌زاده، گفته است: فارسی شکر است؟ حالا دنیا هم زیر این جمله را امضا می‌کند، و من می‌دانم که امضا می‌کند.

اولین مهاجران ایرانی از نگاه تاریخ: پارسیان هند گروهی از زرتشتیان ایرانی‌تبار هستند که بیشتر آنها در شبه‌قاره هند زندگی می‌کنند. نیاکان این جامعه در سده دوم هجری، پس از سلطه اعراب مسلمان بر ایران، به هندوستان مهاجرت کردند و به همین دلیل می‌توان آنها را نخستین جامعه مهاجر ایرانی دانست. ابتدا این گروه در ایالت گجرات هند ساکن شدند. امروزه جمعیت پارسیان حدود ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود که نزدیک به ۸۰ درصد از آنها در ایالت مهاراشترای هند، به‌ویژه در شهر بمبئی و اطراف آن، زندگی می‌کنند. باقی افراد در سایر نقاط هند و یا در کشورهای

Cupertino Florist For Every Occasion

با سابقه درخشان و با سبکی کاملاً متفاوت در طراحی گل‌ها

چه سبکی دوست دارید؟ زیبا و طبیعی، شیک و مدرن، یا روستایی و ساده؟
طراحی‌های ما برای متناسب بودن با سبک شما تنظیم شده‌اند.



Wedding

Birthday

Anniversary

Funeral

Any Occasion

Whether you love a look that's Elegant & Natural, Chic & Modern,
or Rustic & Organic, our Designs are tailored to fit your style

Tel: (408) 252-3560 * Fax (408) 252-5788

info@cupertinoflorist.com * www.cupertinoflorist.com

7280 Coronado Drive, San Jose, CA 95129



فروش و کاشت درخت
و گیاه در منازل شما



زیبایی طبیعت را با
گل‌های ما به خانه بیاورید!

Same Day
Delivery

Hours:
9am - 7pm
7 Days a week

انور بازار با مدیریت جدید ایرانی

Anwar Bazaar & Bakery

عرضه کننده انواع مواد غذایی،

گوشت و مرغ حلال، لبنیات، میوه و سبزیجات تازه، حبوبات، نان بربری داغ و تازه

تمامی مایحتاج شما زیر یک سقف



سوسیس و کالباس، خشکبار و تنقلات ایرانی و افغان، برنج و چای در مارک های متنوع



نان بربری داغ و تازه ۷ روز هفته

کباب در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه از ساعت ۱۱ به بعد

(408) 559-6175

از ۹ صبح تا ۸ شب

2626 Union Ave, San Jose, CA 95124

سرکوب رسانه‌ای و نبود فشار عمومی جهانی

یکی از ابزارهای مهم برای جلب حمایت جهانی از یک جنبش آزادی خواهانه، پوشش رسانه‌ای گسترده و آگاه‌سازی افکار عمومی است. در مورد ایران، حکومت با کنترل شدید رسانه‌ها و محدودیت‌های اینترنت، تلاش کرده است که صدای معترضان به گوش جهانیان نرسد.

کمبود اطلاعات دقیق: بسیاری از مردم در کشورهای دیگر از شدت نقض حقوق بشر در ایران آگاه نیستند. نبود آگاهی عمومی، فشار بر دولت‌ها را برای اقدام علیه رژیم ایران کاهش می‌دهد.

تأثیر تبلیغات حکومتی: حکومت ایران با استفاده از تبلیغات داخلی و خارجی، اعتراضات مردم را به عنوان توطئه‌های خارجی یا اقدامات مخرب نشان می‌دهد. این تبلیغات تأثیراتی در کاهش حمایت بین‌المللی از معترضان داشته است.

موانع حقوقی و سیاسی برای مداخله

بسیاری از کشورها به دلیل قوانین بین‌المللی و ملاحظات سیاسی نمی‌توانند به طور مستقیم در امور داخلی ایران مداخله کنند. مداخله نظامی یا سیاسی مستقیم معمولاً با واکنش‌های منفی مواجه می‌شود و می‌تواند به بی‌ثباتی گسترده‌تر منجر شود.

حمایت از مردم به جای حمایت از حکومت

اگرچه کشورهای دیگر مستقیماً در حمایت از مردم ایران اقدامی جدی انجام ندادند، اما برخی از آنها از طریق تحریم‌های هدفمند علیه حکومت ایران تلاش کرده‌اند که فشار بر رژیم را افزایش دهند. با این حال، این تحریم‌ها بیشتر مردم عادی را تحت تأثیر قرار داده‌اند و اثربخشی آنها محل بحث است.

در آخر عدم حمایت کشورهای دیگر از مردم ایران برای دستیابی به آزادی به دلایل پیچیده‌ای از جمله منافع اقتصادی و سیاسی، تجربه‌های تلخ تاریخی، و موانع حقوقی و سیاسی بازمی‌گردد. در این میان، مردم ایران باید برای دستیابی به آزادی به نیروی خود اتکا کنند، اما در عین حال، آگاه‌سازی جهانیان و جلب حمایت افکار عمومی بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در تغییر وضعیت داشته باشد. تنها با افزایش فشار جهانی و تلاش‌های مستمر داخلی است که می‌توان به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار بود.

چرا مردم ایران برای آزادی از حمایت کشورهای دیگر برخوردار نیستند؟

افسانه زاهدی

تاریخ معاصر ایران سرشار از مبارزات برای آزادی و عدالت است. مردم ایران طول دهه‌ها برای دستیابی به حقوق خود، مقاومت‌های بسیاری کرده‌اند، اما همواره

با سرکوب‌های شدید داخلی و بی‌توجهی یا دخالت‌های نامطلوب خارجی روبه‌رو شده‌اند. یکی از پرسش‌های اساسی که ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده، این است که چرا کشورهای دیگر برای کمک به مردم ایران جهت دستیابی به آزادی و دموکراسی اقدامی مؤثر انجام نمی‌دهند. پاسخ



به این پرسش را می‌توان از منظر سیاسی، اقتصادی، و تاریخی بررسی کرد.

منافع سیاسی و اقتصادی کشورها

کشورهای جهان عمدتاً در سیاست‌های خارجی خود بر اساس منافع ملی عمل می‌کنند، نه ارزش‌های اخلاقی یا حقوق بشری. در مورد ایران، این منافع اغلب با ثبات منطقه‌ای، امنیت انرژی، و جلوگیری از تنش‌های گسترده‌تر گره خورده است. منافع اقتصادی: ایران با داشتن منابع غنی نفت و گاز، همواره مورد توجه کشورهای قدرتمند بوده است. بسیاری از کشورها به جای حمایت از مردم ایران برای آزادی، بر اساس منافع اقتصادی خود، روابط دیپلماتیک محتاطانه‌ای با حکومت ایران برقرار کرده‌اند. آنها ترجیح می‌دهند از درگیری مستقیم با رژیم خودداری کنند تا منافع اقتصادی و تجاری‌شان به خطر نیفتد.

منافع سیاسی: برخی کشورها، به ویژه قدرت‌های بزرگ، از تغییرات گسترده در ایران نگران هستند، زیرا ممکن است این تغییرات به بی‌ثباتی در منطقه منجر شود. ایران کشوری استراتژیک در خاورمیانه است و تغییر در ساختار حکومت آن می‌تواند نظم سیاسی و امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

تجربه‌های تاریخی و بی‌اعتمادی مردم ایران به قدرت‌های خارجی

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که دخالت‌های خارجی در امور این کشور اغلب به زیان مردم بوده است. نمونه‌های متعددی از این دخالت‌ها در حافظه تاریخی مردم ایران باقی مانده است:

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: دخالت ایالات متحده و بریتانیا در سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق، نمونه‌ای بارز از خیانت قدرت‌های خارجی به مردم ایران است. این حادثه بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به نیت قدرت‌های غربی ایجاد کرده است.

حمایت از رژیم‌های استبدادی: کشورهای خارجی در برهه‌های مختلف از حکومت‌هایی در ایران حمایت کرده‌اند که ناقض حقوق بشر بوده‌اند. این حمایت‌ها اغلب به دلیل منافع اقتصادی یا سیاسی آنها بوده است. به همین دلیل، بسیاری از مردم ایران با دیده تردید به هر گونه کمک خارجی می‌نگرند و نگران هستند که این کمک‌ها بیشتر به نفع کشورهای خارجی باشد تا مردم ایران.

اولویت‌های متغیر در سیاست جهانی

یکی دیگر از دلایل عدم حمایت جدی کشورهای دیگر از مردم ایران، تمرکز آنها بر مسائل دیگر است. در بسیاری از موارد، بحران‌های جهانی مانند جنگ‌ها، مسائل اقتصادی، یا رقابت‌های قدرت‌های بزرگ، اولویت بیشتری نسبت به وضعیت ایران دارند. رقابت میان قدرت‌ها: ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، و روسیه هر یک به دنبال تأمین منافع خود در خاورمیانه هستند. در این رقابت، حمایت از مردم ایران معمولاً به حاشیه رانده می‌شود، زیرا هر گونه تغییر در ساختار حکومت ایران می‌تواند این تعادل را بر هم زند.

مسائل داخلی کشورهای غربی: بسیاری از کشورهایی که می‌توانند در حمایت از آزادی مردم ایران نقش داشته باشند، درگیر مشکلات داخلی هستند. از جمله بحران‌های اقتصادی، مسائل مهاجرتی، و تنش‌های سیاسی. این مسائل اغلب باعث می‌شود که تمرکز آنها از حقوق بشر در کشورهای دیگر منحرف شود.



کار را به کاردان بسپارید!
دفتر «خدمات آسمان»
با مدیریت «لیدا کوچصفهانی»



- ✓ دریافت حقوق SSI و دریافت مزایای دولتی Calfresh, CAPI
- ✓ دریافت حقوق پرستاری
- ✓ مدیکر و مدیکل
- ✓ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان، برای واجدین شرایط)
- ✓ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ✓ تنظیم دعوت نامه و تنظیم فرم های اداره مهاجرت
- ✓ تمدید گرین کارت
- ✓ اخذ ویزای نامزدی
- ✓ اخذ پاسپورت سفید
- ✓ ترجمه اسناد و مدارک
- ✓ امور مربوط به دفتر حفاظت منافع (وکالتنامه، تجدید گذرنامه و غیره)

Not a Law Office

(408) 269-7283

Lida.asemanservices@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 2350, San Jose, CA 95125



پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات بدنی

Payam Mark Shayani, ESO

Accident Attorney

800-261-1314

وکیل تصادفات Lyft & Uber

Lyft & Uber Accident Attorney

تجربه رسیدگی به بیش از ۱۰ هزار پرونده تصادفات و دریافت صدها میلیون دلار خسارت با ۹۹٪ موفقیت



(916) 442-9999

980 9th St., 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408) 777-8867

2880 Zanker Rd., Suite 203
San Jose, CA 95134

(925) 777-0432

425 Market St., Suite 200
San Francisco, CA 94105



Dr. Ali Esmaili DDS

دکتر علی اسماعیلی

دندانپزشک و جراح ایمپلنت های دندانی

۲۰ سال تجربه در درمان و آموزش در دانشکده های دندانپزشکی ایران و آمریکا

Clinical Assistant Professor at University of the Pacific, San Francisco

♦ دندانپزشکی عمومی ♦ جراحی ایمپلنت های دندانی ♦ جراحی کشیدن دندان و پیوند استخوانی

♦ General Dentistry ♦ Dental Implants ♦ Surgical Extractions & Bone Graft



Thursday & Saturday 9:00AM – 6:00 PM

Tel: **(408) 320-2849**

Text: **(408) 549-4840**

info@nobleprodenal.com

www.nobleprodenal.com

2150 The Alameda San Jose, CA 95126

سرخپوستان آمریکایی: تاریخ، فرهنگ و آسیب‌های ناشی از استعمار سفیدپوستان

رامین فتیحی زاده

سرخپوستان آمریکایی، بومیان اصیل قاره آمریکا، فرهنگی غنی و تاریخچه‌ای طولانی دارند که به هزاران سال پیش از ورود اروپایی‌ها به این قاره بازمی‌گردد. این جوامع متنوع در تمام نقاط آمریکای شمالی از جمله جنگل‌ها، دشت‌ها، کوهستان‌ها و بیابان‌ها ساکن بودند و تمدن‌های پیشرفته‌ای ایجاد کردند. اما با ورود استعمارگران



اروپایی، به‌ویژه سفیدپوستان، این جوامع تحت تأثیر مخربی قرار گرفتند. تاریخ استعمار سفیدپوستان، فصلی تاریک از نابودی، ظلم، و تغییرات اجباری برای سرخپوستان است.

زندگی و فرهنگ بومیان پیش از استعمار: سرخپوستان آمریکایی

جوامعی پیچیده و متنوع داشتند. برخی از قبایل به کشاورزی مشغول بودند و محصولات کشاورزی مانند ذرت، لوبیا، و کدو را پرورش می‌دادند، در حالی

که برخی دیگر شکارچی-گردآورنده بودند و با زندگی در دشت‌ها و جنگل‌ها با طبیعت هماهنگ بودند. بومیان دارای نظام‌های اجتماعی پیشرفته، مذاهب گوناگون، هنرهای زیبا، و زبان‌های متعدد بودند. تمدن‌های بزرگی مانند مایاها، آزتک‌ها و اینکاها در آمریکای جنوبی و مرکزی، و قبایلی مانند چروکی، ناواهو و لاکوتا در آمریکای شمالی نمونه‌هایی از تنوع فرهنگی و تمدنی این جوامع بودند.

ورود سفیدپوستان و آغاز استعمار: با ورود کریستف کلمبوس به دنیای جدید در سال ۱۴۹۲، موجی از استعمارگران اروپایی به آمریکا هجوم آوردند. هدف اولیه آنها دستیابی به منابع طبیعی، زمین، و گسترش نفوذ سیاسی و مذهبی بود. این ورود آغازگر دوره‌ای از نابودی و تغییرات اجباری برای سرخپوستان شد.

پیامدهای استعمار سفیدپوستان بر بومیان آمریکا

قتل‌عام‌ها و خشونت‌ها: استعمارگران با توسل به خشونت و جنگ‌های بی‌رحمانه، بسیاری از جوامع بومی را نابود کردند. برخی از قتل‌عام‌های بزرگ شامل کشتار در جنگ‌های پووتان و قتل‌عام ساند کریک بودند که در آنها هزاران نفر از مردان، زنان، و کودکان بومی کشته شدند.

بیماری‌های همه‌گیر: یکی از بزرگ‌ترین عوامل مرگ‌ومیر سرخپوستان، ورود بیماری‌های اروپایی مانند آبله، سرخک، و آنفولانزا بود. این بیماری‌ها که بومیان هیچ مقاومتی در برابر آنها نداشتند، جمعیت آنها را به شدت کاهش داد و باعث مرگ میلیون‌ها نفر شد.

تخریب فرهنگی: استعمارگران با تحمیل فرهنگ، زبان، و مذهب اروپایی، بسیاری از سنت‌ها و زبان‌های بومی را نابود کردند. مدارس شبانه‌روزی اجباری برای کودکان بومی تأسیس شدند که هدف آنها "تمدن‌سازی" بود. در این مدارس، کودکان از خانواده‌های شان جدا شدند و مجبور شدند زبان و فرهنگ بومی خود را کنار بگذارند.

تبعید و کوچ اجباری: یکی از بی‌رحمانه‌ترین سیاست‌های استعمارگران، تبعید و کوچ اجباری بومیان از سرزمین‌هایشان بود. در سال ۱۸۳۰، قانون "کوچ اجباری سرخپوستان" توسط رئیس‌جمهور اندرو جکسون تصویب شد که منجر به "مسیر اشک‌ها" (Trail of Tears) شد. در این مسیر، ده‌ها هزار سرخپوست از سرزمین‌های خود به مناطق دیگر تبعید شدند و هزاران نفر از آنها در اثر گرسنگی، بیماری و خستگی جان باختند.

تصاحب زمین و نابودی منابع طبیعی: سفیدپوستان با گسترش سرزمین‌های خود، زمین‌های بومیان را تصاحب کردند و منابع طبیعی آنها را نابود کردند. دشت‌های وسیع که زیستگاه بوفالوها بود، توسط شکار بی‌رویه سفیدپوستان به نابودی کشیده شد و معیشت بسیاری از قبایل به خطر افتاد.

سرخپوستان در دوران معاصر: امروزه سرخپوستان آمریکایی با چالش‌های متعددی روبرو هستند. بسیاری از آنها در رزرویشن‌ها (مناطق اختصاصی بومیان) زندگی می‌کنند که اغلب با فقر، بیکاری، و کمبود امکانات مواجه هستند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

کریستف کلمبوس: کاشف یا استعمارگر؟

دامون مسرتی

کریستف کلمبوس یکی از چهره‌های بحث‌برانگیز تاریخ است که در قرن پانزدهم میلادی نقش مهمی در ارتباط میان اروپا و دنیای جدید ایفا کرد. او که به عنوان کاشف آمریکای مرکزی و جنوبی شناخته می‌شود، همواره از دو منظر متفاوت دیده



شده است: عده‌ای او را کاشفی شجاع و پیشگام می‌دانند و برخی دیگر او را عامل آغاز استعمارگری و نابودی فرهنگ‌های بومی قلمداد می‌کنند.

زندگی اولیه: کریستف کلمبوس در سال ۱۴۵۱ در جنوا، ایتالیا، به دنیا آمد. او از خانواده‌ای طبقه متوسط بود و از همان کودکی به دریا و سفرهای دریایی علاقه داشت. کلمبوس بیشتر عمر خود را به عنوان یک دریانورد و نقشه‌کش

گذراند و همواره به دنبال یافتن مسیرهای جدید برای تجارت بود.

هدف اصلی کلمبوس: در قرن پانزدهم، کشورهای اروپایی به دنبال یافتن مسیرهای جدید برای دسترسی به ثروت‌های آسیا بودند. مسیرهای موجود به آسیا طولانی و پرخطر بود و کلمبوس ایده‌های جدید داشت: رسیدن به آسیا از طریق سفر به سمت غرب. او معتقد بود که با عبور از اقیانوس اطلس می‌تواند به هند برسد. کلمبوس پس از تلاش‌های فراوان، توانست حمایت مالی ایزابل و فردیناند، پادشاهان اسپانیا، را جلب کند. آنها با امید به دستیابی به ثروت‌های جدید و گسترش نفوذ مسیحیت، چهار سفر را برای کلمبوس تأمین مالی کردند.

سفر اول: کشف دنیای جدید: در ۳ اوت ۱۴۹۲، کلمبوس با سه کشتی به نام‌های نیینا، پینتا، و سانتا ماریا از اسپانیا حرکت کرد. او در ۱۲ اکتبر همان سال به جزیره‌ای رسید که آن را سان سالوادور نامید (که اکنون بخشی از باهاما است). کلمبوس تصور می‌کرد به هند رسیده است، به همین دلیل مردم بومی آنجا را "هندی‌ها" (Indians) نامید.

سفرهای بعدی و استعمار: کلمبوس در مجموع چهار سفر به دنیای جدید انجام داد و در این سفرها به جزایر کارائیب، آمریکای مرکزی و جنوبی رسید. اگرچه او هرگز به آمریکای شمالی قدم نگذاشت و هیچ‌گاه متوجه نشد که قاره‌ای جدید کشف کرده است، اما سفرهای او آغازگر عصر استعمار اروپایی در قاره آمریکا شد. کلمبوس به سرعت تلاش کرد تا منابع طبیعی مناطق جدید را برای اسپانیا استخراج کند. او به برده‌گیری از مردم بومی پرداخت و بسیاری از آنها را به اروپا فرستاد. روش‌های خشن او و سوءاستفاده از مردم بومی، منجر به نابودی فرهنگ‌ها، زبان‌ها، و جوامع بومی شد.

پیامدهای کشف کلمبوس

مثبت‌ها:

- ♦ آغاز تبادل کلمبی (Columbian Exchange): تبادل محصولات، حیوانات، و ایده‌ها میان اروپا و آمریکا.
- ♦ گسترش نقشه‌های جغرافیایی و افزایش دانش درباره جهان.
- ♦ آغاز دوره جدیدی از تجارت جهانی.

منفی‌ها:

- ♦ نابودی فرهنگ‌ها و تمدن‌های بومی.
- ♦ انتقال بیماری‌های اروپایی به آمریکا که باعث مرگ میلیون‌ها نفر از مردم بومی شد.
- ♦ آغاز عصر استعمار و استثمار مردم بومی و منابع طبیعی.

دیدگاه‌های معاصر درباره کلمبوس

امروزه، کلمبوس به شخصیتی بحث‌برانگیز تبدیل شده است. برخی او را به عنوان یک کاشف بزرگ می‌ستایند، در حالی که دیگران او را نماد استعمار و نابودی فرهنگ‌ها می‌دانند. این اختلاف نظرها باعث شده است که روز "کریستف کلمبوس" (Columbus Day) در برخی از کشورها به‌عنوان "روز مردم بومی" (Indigenous Peoples' Day) تغییر نام داده شود. کریستف کلمبوس شخصیتی پیچیده و چندلایه است که نقش مهمی در تاریخ بشر ایفا کرده است. او یکی از پیشگامان ارتباط میان قاره‌ها بود، اما پیامدهای اقدامات او برای مردم بومی آمریکا فاجعه‌بار بود. تاریخ کلمبوس یادآور این است که باید به گذشته از زوایای مختلف نگاه کرد و تأثیرات مثبت و منفی را در کنار هم در نظر گرفت.

هم گفتگو کرده ایم. حالا خیال نکنید فقط من با چنین حافظه درب داغانی روبرو هستم ها! الحمدلله دیگرانی هم هستند که به این درد مبتلا هستند. یک شب در یکی از همین شب های شعر، خانمی جلوم را گرفت و گفت: «نمی دانی من و دخترم چقدر از شما ممنون هستیم!» من نه خانم را می شناختم و نه دختر شان را. پرسیدم: «برای چه از من ممنون هستید؟» گفت: «برای این که زحمت کشیدید آن کلاس های فارسی را در ساکرامنتو تشکیل دادید. دخترم توانست خواندن نوشتن فارسی یاد بگیرد.» معلوم شد مرا با یکی دیگر اشتباه گرفته است. یک روزی هم در فروشگاه کاسکو یک آقایی تا مرا دید آمد جلو سلام گرمی کرد و دستی داد و گفت: «نمی دانی من و همسرم چقدر از نوشته های تان لذت می بریم، بعدش خانمش را که چند متر آن طرف تر سر گرم خرید بود صدا کرد و گفت: «منیژه منیژه، بیا اینجا، بیا آقای مسعود بهنوش اینجاست!»

مدیر کل ده سنتی! مرا از شیراز فرستاده بودند سمنان. دوران نخست وزیری مهندس بازارگان بود. آقای دکتر نورعلی تابنده معاون اداری وزارت اطلاعات و جهانگردی - که اسمش را وزارت ارشاد ملی گذاشته بودند - مرا از شیراز به تهران خواست و گفت: «می خواهم بروی سمنان یا چهار محال بختیاری!» گفتم: «عالیجناب! بروم سمنان یا چهار محال بختیاری برای چه؟» گفت: «می روی مدیر کل آنجا می شوی!» گفتم: «قربان! شما هم در میان پیغمبران گریبان جرجیس را چسبیده اید؟ مرا چیکار به ریاست و میاست و مدیر کلی؟ به حضرت عباس من در شیراز آسوده ام، از کارم هم خیلی راضی هستم.» با لحنی پدرا نه گفت: «پسر جان! جوان هستی، تحصیل کرده هستی، فرنگستان بوده ای، آدم سالمی هستی، پرونده ات هم پاک است، پس برای چه مقصودی برگشته ای ایران؟ این روزها مملکت ما به جوان هایی مثل تو نیاز دارد، جوان هایی مثل شما باید با قبول مسئولیت این مملکت را بسازند. شما حق ندارید به هر بهانه ای از قبول مسئولیت طفره بروید. اگر شما به میدان نیاید همین چماقداران و ارادل و اوباش سکان این مملکت را به دست می گیرند. آن وقت است که هر تبهکاری وزیر و هر ابلهی پیشکار و هر شاگرد آخوری صاحب منصب و هر خسی کسی می شود و مملکت را به باد فنا می دهند. یا می روید سمنان یا چهارمحال بختیاری! هیچ عذر و بهانه ای هم مورد قبول نیست.»

دنباله مطلب در صفحه ۵۹



این آقا کی بود؟ آقا! نمی دانید ما با این عینک بی صاحب مانده مان چه ماجراها داریم. روزی صد بار عینک مان توی دست و بال مان گم می شود، روزی صد بار باید کورمال کورمال بگردیم عینک مان را پیدا کنیم. علاوه بر آن، بر خلاف بعضی ها که نام هفت پشت آدم را بیاد دارند، ما اسم هیچکس یادمان نمی ماند. قیافه هیچکس را هم نمی توانیم در حافظه مان نگهداریم. این است که گاه علی آقا را با حسن آقا و زری خانم را با شیرین خانم اشتباه می گیریم و وقتی با من سلام علیک می کنند از زنم می پرسیم: «این آقا کی بود؟ این خانم کی بود؟»

البته آدم هایی هستند که از این بابت ما را رو سفید کرده اند. رفیقم می گفت: یک شب دیر وقت از سر کار آمدم خانه، نان و اشکنه ای خوردم و رفتم خوابیدم. صبح زود پا شدم بروم سر کار، هر چه گشتم نتوانستم کفشم را پیدا کنم. به زنم گفتم: «نمی دانی کفشم کجاست؟» گفت: «من چه می دانم. دیشب کجا کفش ات را در آوردی؟» می گویم: «من چه می دانم! ولی مطمئن هستم یا برهنه نیامده ام خانه!» بالاخره کفش دیگری پیدا کردم و رفتم سر کار. ظهر خانمم تلفن کرد که: «کفش ات را پیدا کردم توی یخچال گذاشته بودی!»

پریشب ها توی یک مهمانی زن شهرام را با زن ممد آقا اشتباه گرفتیم. به زن آقا شهرام گفتم: «پریروز رفتیم مزرعه تان و یک عالمه هندوانه، خربوزه چیدیم آوردیم خانه مان، سهم همسایه ها را هم دادیم.» زن آقا شهرام گفت: «کدام مزرعه؟ ما که مزرعه نداریم!» معلوم شد زن آقا شهرام را با زن ممد آقا که مزرعه دارد و ما رفته ایم از مزرعه اش یک عالمه هندوانه خربوزه چیده ایم اشتباه گرفته ایم. و جالب اینجاست که زن شهرام و زن ممد آقا را بارها و بارها در مهمانی ها دیده و با

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

Established in 1996

(408) 738-1960

597 S. Murphy Ave. Sunnyvale, CA 94086

We Are #1

چربی های داخل بدن با توجه به ژن ها، هورمون ها، رژیم غذایی و میزان فعالیت های فیزیکی در قسمت های مختلف بدن ذخیره می شوند، حتی میزان استرس روزانه تجمع چربی ها در بدن را تغییر می دهد. اغلب چربی ها زیر پوست در مردان در ناحیه شکم و در زنان در ناحیه باسن جمع می شوند. غذاها، نوشابه های شکر دار، شربت ذرت (corn syrup)، آب میوه شیرین، بیشتر از ۲ نوشابه الکلی در روز، کم خوردن مواد پروتئینی، کم مصرف کردن فیبر (Fiber) به تجمع چربی ها در داخل شکم کمک می کنند.

چربی ها و هورمون مردانه: جهت سوختن چربی ها در مردان نیاز به میزان کافی هورمون تستوسترون (Testosterone) می باشد. تحقیقات نشان داده است که تجمع چربی ها در شکم مردان (visceral) باعث کاهش هورمون تستوسترون می شود که در نهایت منجر به تجمع چربی در بدن هم می شود. نکته دیگر این که این چربی ها باعث بالا رفتن هورمون های زنانه (Estrogen) در مردان می شود که باعث بزرگ شدن سینه ها در مردان می شود. یک روش فعال و فیزیکی روزانه میزان چربی ها را کم کرده و در نهایت اثر آن را روی هورمون های مردانه کم می کند.

اندازه گیری چربی بدن: جهت اندازه گیری دقیق میزان چربی داخل شکم به روش های MRI و CT نیاز می باشد. همین طور با اندازه گیری نسبت کمر به لگن (Ratio waist to hip) در مردان و تقسیم کردن شماره کمر به شماره لگن می توان آن را تعیین کرد. مثال: چنانچه اندازه کمر ۵۶ اینچ و اندازه لگن ۴۵ اینچ باشد، تقسیم ۵۶ به ۴۵ می شود ۲/۱. این رقم از شماره ۰۹۵ در مردان و از شماره ۰۸۵ در زنان بیشتر است که ممکن است ایجاد بیماری های قلبی و یا سایر بیماری ها را باعث شود. بطور کلی اندازه کمر بیش از ۴۰ اینچ در مردان و بیش از ۳۵ اینچ در زنان نشان دهنده تجمع چربی در بدن است که برای سلامتی فرد خطرناک می باشد.

چگونه چربی ها را کاهش دهیم: فعالیت های فیزیکی و ورزش به روش های گوناگون مانع تجمع چربی ها در بدن می شوند چون در اثر این فعالیت ها چربی سوخته شده و تولید انرژی می کنند. حتی میزان ۳۰ دقیقه حرکت فعال در روز موثر است. همراه ورزش رژیم غذایی گیاهی و کم کردن نان و برنج (Carbohydrate) و شیرینی ها به کم شدن چربی ها کمک می کنند. کم کردن غذاهای از قبل تهیه شده، یخ زده، ترک سیگار، خواب بیش از پنج ساعت در شب و دور کردن استرس، ثابت شده است که مانع تجمع چربی در بدن می شود.



بیماری چاقی (Belly Fat)

چاقی یا اضافه وزن یک بیماری پیچیده است که منجر به تجمع چربی در بدن افراد می شود. این بیماری می تواند باعث بروز بیماری های دیگر شود نظیر بیماری های قلبی، مرض قند، فشارخون بالا و حتی سرطان.

بنابراین دو مسئله افزایش فعالیت های فیزیکی و جسمی و رژیم غذایی سالم حائز اهمیت فراوان می باشد. بدن انسان دارای دو نوع چربی متفاوت می باشد که با توجه به محل تجمع در بدن طبقه بندی می شوند:

۱- چربی های زیر پوست که شامل ۹۰ درصد چربی بدن می باشد
۲- چربی های داخل شکم (visceral) که ۱۰ درصد بقیه را تشکیل می دهد و عمیق تر بوده و در بین اعضا بدن قرار می گیرد و فاصله بین ارگان ها را پر می کند. این نوع چربی به نام چربی داخل شکم (Intraabdominal) نیز نامیده می شود.

از زمان های قدیم معلوم شده بود که این چربی از چربی های زیر پوست برای سلامتی انسان خطرناک تر است چون از خود، مواد گوناگونی ترشح می کند. از قبل تصور بر این بود که چربی های داخل بدن انسان در سلول ها جمع شده و خطری ایجاد نکرده و آثار سوختن و تولید انرژی در فرد می باشند، ولی اکنون معلوم شده است که سلول های چربی (Fat Cells) از نظر بیولوژیکی فعال بوده و همانند غدد داخلی از خود هورمون و یا مواد شیمیایی دیگر ترشح می کنند. چربی های داخل شکم (Visceral) در بدن ایجاد التهاب کرده و ارتباطی با بیماری های متابولیک داشته و باعث بی اثر شدن هورمون انسولین (Insulin) می گردند که منجر به بیماری قند می شوند.



Ramin Karamveysi
Attorney at law in Iran



دفتر خدمات حقوقی ایران وکیل Vakil Legal Services

با مدیریت رامین کرم ویسی

وکیل سابق پایه یک دادگستری ایران، با بیش از ۲۰ سال تجربه

حل سریع و مطمئن مشکلات حقوقی شما در ایران

پاسخگوی موضوعات حقوقی مربوط به آمریکا نیستیم!

قرار ملاقات فقط با تعیین وقت قبلی امکان پذیر است

Office: (669) 295-8006

Cell: (408) 831-8057

Iranvakils.com

iranvakils@gmail.com

نیم ساعت مشاوره

حقوقی رایگان ارائه می شود

امکان پیگیری روند پرونده های دادگاه به صورت آنلاین وجود دارد

- ✓ قبول وکالت و پیگیری کلیه دعاوی حقوقی، خانوادگی، جزایی، ملکی و تجاری در دادگاه های ایران
- ✓ انجام کلیه خدمات مرتبط با سفارت ایران و اخذ ویزای آمریکا
- ✓ وصول مطالبات و رفع ممنوع الخروجی در ایران
- ✓ دریافت و برقراری حقوق بازنشستگان
- ✓ اخذ گذرنامه ایرانی، شناسنامه و کارت ملی
- ✓ انحصار وراثت و وصول سهم الارث
- ✓ خرید و فروش املاک در ایران
- ✓ تنظیم انواع وکالت نامه های قانونی و قراردادهای
- ✓ تنظیم مبیعه نامه، وصیت نامه و ثبت طلاق و ازدواج
- ✓ دعاوی مربوط به ازدواج، طلاق و مطالبه مهریه
- ✓ رفع تصرف و تخلیه املاک، مشاوره و تنظیمات ملکی و ثبتی

960 Saratoga Ave., Suite #209, San Jose, CA 95129



سهیلا رضایی

متخصص در امور خرید و فروش املاک در شهر ساکرامنتو، بی اریا و حومه

(916) 616-7395 ♦ (408) 455-2330



Soheila Rezae
Lic.: 01834116



تیم مجرب ما املاک شما را با دریافت کمترین کمیسیون و بالاترین قیمت ممکن به فروش می رساند

با پایین ترین قیمت، زیباترین منازل را در ساکرامنتو و حومه صاحب شوید!



Soheila.Realtor@gmail.com

9217 Sierra College Blvd #120, Roseville, CA

سلطیه شهری پر قر و فر و افاده ازدواج کرده است. به جای داشبوردها ساده پیکان، سمند پانل پر از نشان دهنده های گوناگون و سی دی پلیر و کلی اعلانات صوتی داشت که برایم مثل چوب اسکی برای کسی بود که تمام عمرش در بیابان و کویر زندگی کرده. اصلاً به این جور چیزها علاقه ای نداشتم.

مشکل اصلی از وقتی شروع شد که با سمندم شروع به کار کردم. من با پیکان احساس ایمنی می کردم. برای هر عیب و نقص آن کلی اطلاعات و وسایل یدکی داشتم. اصلاً برای هر دردش مکانیک خاصی را می شناختم که خبره این کار بودند و سه سوت همه چیز را ردیف می کردند. در مورد سمند هزینه نگهداری خیلی بالا بود. هر گاه روی صندلی راننده جا به جا می شدم احساس چندش آوری می کردم. به یاد صندلی های خودمانی و راحت پیکان می افتادم و در خلوت گریه می کردم. تمام وسایل یدکی هائی را که برای پیکان عزیزم جور کرده بودم مثل لباس ها و یادگارهای عزیزانم، به یکی از دوستان که هنوز مثل من اینقدر بدبخت نشده بود بخشیدم. ازش خواهش کردم که آنها را با دقت نگهداشته و به درستی استفاده کند. خرج و دخلم با سمند جور نمی شد. هنوز سه ماه از تحویل سمند نگذشته بود که قسط هایم عقب افتادند. نمی دانستم که رانندگان دیگر چطوری با این مشکل کنار آمده اند. چندین بار در قهوه خانه ای که پاتوق رانندگان تاکسی و مسافرش بود، خواسته بودم سر صحبت را با رانندگان دیگر بازکنم ولی هر بار خجالت کشیده بودم. همیشه می ترسیدم که به من بخندند و زود یک اسم نامناسبی، مثل اصغر بی عرضه و یا چیزی شبیه آن برایم جور کنند. گاهی دل را به دریا می زدم و آماده می شدم که با راننده ای که وضعیت مرتبی داشته و موفق جلوه می کند، سر صحبت را باز کنم ولی هر بار پشیمان می شدم. سرانجام تصمیم گرفتم با بهزاد که هر وقت می رفتم، در قهوه خانه پلاس و در حال خوردن بود، سؤال خود را مطرح کنم. چندین بار عمداً در میز مقابلش نشستم تا با قیافه من آشنا شده و به عنوان یک راننده مسافر کش به دیدنم عادت کند. سرانجام بعد از مدتها سر صحبت را با بهزاد باز کرده و از سختی زندگی و جور نشدن دخل و خرج شکایت کردم. اولش خیلی به من مشکوک بود و جواب بی سرو تهی به من داد و شعر از فردوسی را به اسم حافظ قالب کرده و در خصوص تلاش معاش حلال سخنرانی مفصلی را ایراد نمود. **دنباله مطلب در صفحه ۵۲**



دست بالای دست بسیار است!

سیروس مرادی

دیگر حال و حوصله ماشین تازه ام را ندارم. قبل از ازدواج، با یک پیکان مدل ۵۲ مسافر کشی می کردم، کار و بارم تعریفی نداشت ولی خرج و دخلم زورکی جور می شد. زنم مثل شیطان تو جلدم رفت که الا و لله باید ماشینت را عوض کنی و سمند بگیری. می گفت دیگر پیش در و همسایه خجالت می کشد. می گفت در محل دیگر کسی ما را به اسم اصلی نمی شناسند. به من می گفتند همان یارو جوان لاغر و دراز که پیکان مدل ۵۲ دارد و به زنم هم می گفتند این زن همانه که پیکان ۵۲ دارد. ماشین من در محل از کفر ابلیس هم معروف تر شده بود.

با وجود این که خیلی برایم سخت بود تا از پیکان مدل ۵۲ دست بکشم ولی بالاخره جنگ روانی بلند مدتی که خانواده زنم به راه انداخته بودند، کار خود را کرد و من صاحب یک دستگاه اتومبیل سمند شدم. البته کلی هم بدهی بالا آوردم. پیکان ۵۲ برایم عزیزترین وجود روزگار بود. جانی خوانده بودم که بین انسان و ماشین می تواند روابطه عاطفی ایجاد شود. بله من مصداق و تایید چنین نظریه ای بودم. پیش خودم احساس گناه و ندامت می کردم. پیکانم همیشه به من خدمت کرده و برایم یار وفاداری بود. احساس می کردم که به نزدیکترین یار زندگیم خیانت کرده ام. سرنوشت غم انگیزی در انتظار پیکان محبوبم بود. لابد زیر فشار پرس های قوی به شکل جعبه ای مکعبی جمع و جور می شد و سرانجام در کارخانه ذوب آهن، آب شده و سر از ناکجا آباد در می آورد.

سمندم تولید داخل بود و از نظر قدرت و امکانات اصلاً با پیکان قابل مقایسه نبود ولی نمی دانم چرا من اصلاً دوستش نداشتم. حالت عاشقی را داشتم که همسر روستائی ولی بی غل و غش خود را با نامردی و تحت فشار این و آن رها ساخته و با یک زن

SHAWN ANSARI PRESENTS

شان انصاری

(408) 529-4574

www.shawnansari.com ♦ Shawn.Ansari@Compass.com

Just Listed



Shawn Ansari, Realtor

MS, e-PRO, Certified SRES, SFR, Probate
DRE: 01088988



واقع در شهر معتبر و پر طرفدار کوپرتینو، این پروژه منحصر به فرد سال ۲۰۲۴ توسط یکی از برجسته ترین سازندگان سیلیکون ولی، شرکت Alan Enterprise LLC، ترکیبی کمیاب از لوکس بودن و آرامش را در دامنه های دیدنی منطقه Monta Vista ارائه می دهد. این مجموعه بوتیک، ترکیبی هماهنگ از معماری ظریف و زیبایی مدرن را به نمایش می گذارد که برای کسانی طراحی شده است که به دنبال سبک زندگی شیک در محیطی آرام و در عین حال مرکزی هستند.

هر واحد مسکونی با طراحی مدرن شهری، فضاهای باز، سقف های بلند، کف پوش های پرسلان و پنجره های بزرگ که نور طبیعی را به فضا هدایت می کنند، درخشش خاصی دارد. این پروژه با امکانات پیشرفته نظیر سیستم خورشیدی مالکیت دار، کنترل دمای چندمنطقه ای، و گاراژ دوماشین با خروجی شارژ خودروهای برقی، ترکیبی نادر از انحصار، راحتی و دسترسی به مدارس برتر کوپرتینو را فراهم می آورد.

COMPASS

شرکت مالیاتی و حسابداری توس

Tous Inc.



برنامه ریزی و اداره کارهای مالیاتی و حسابداری شما تخصص ماست

- Full Accounting and Tax services
- Accounting structure modifying
- Business formation and consulting
- کلیه امور حسابداری و مالیاتی
- اصلاح و ایجاد ساختارهای حسابداری
- مشاوره و ثبت انواع شرکت

All Personal Tax Returns Are Protected Against IRS Audit and Identity Thefts

Tax Professional | Reza Farshchi

email: Reza@tous.services cell: 650 720 0182

T 408 610 9440 F 408 645 5129 ✉ info@tous.services 🌐 www.tous.services

📍 21060 W Homestead Rd #208, Cupertino, California 95014



توران میرهادی

و در هفده سالگی، در سال ۱۳۲۵، به فرانسه رفت که تازه جنگ جهانی دوم را پشت سر گذاشته بود. خانم میرهادی می گوید: «وقتی رسیدم فرانسه، علوم طبیعی را کنار گذاشتم و آمدم به حوزه روان‌شناسی تعلیم و تربیت.» در دانشگاه سوربن روان‌شناسی و علوم تربیتی پیش‌دبستانی خواند و شاگرد هنری والون، و ژان پیازه، شد که استادان برجسته روان‌شناسی و شناخت‌شناسی کودک بودند. توران میرهادی شاهد اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط متفقین بود و می گوید: «وقتی برای تحصیل به فرانسه رفتم، این

کشور به تازگی از اشغال آلمان خارج شده بود. دیدن ویرانه‌های این کشور ذهن مرا به شدت آشفته کرد. همیشه از خودم می‌پرسیدم: چرا جنگ؟ این همه خرابی را چه کسی به بار آورده است؟ هیتلر چگونه آمد و چه کسانی او را به عنوان رهبری پذیرفتند؟ مادرم آلمانی بود اما او هم هیچ‌وقت تصور نمی‌کرد مردم آلمان به رهبری کسی به نام هیتلر، دنیا را به آتش بکشند.»

یک سال از تحصیلش در فرانسه نگذشته بود که به او خبر دادند برادر جوانش، فرهاد که هفده سال بیشتر نداشت، در تصادف رانندگی جان باخته است. او با شنیدن خبر مرگ برادرش بسیار غمگین و افسرده شد. خودش می گوید: «مرگ برادر تأثیر عمیقی بر روحم گذاشته بود و نمی‌دانستم چه کار کنم. مادرم به ما یاد داده بود که همیشه غم بزرگ را به کار بزرگ تبدیل کنیم. حرف مادر، من را دگرگون کرد و تصمیم گرفتم بعد از بازگشت به ایران کار مهمی انجام دهم.»

او در فرانسه ضمن درس خواندن به کارآموزی پرداخت و درس‌هایش را به کار عملی پیوند زد و در پروژه‌های بازسازی گروه‌های دانشجویی داوطلب شد. توران یک بار با هدف کمک، به بوسنی و یک بار نیز به کوه‌های تاترا چکسلواکی رفت و در بازسازی راه‌آهن آن منطقه کمک کرد. این سفرها و دیدن چهره جنگ‌زده اروپا توران جوان را در راهی که در زمینه آموزش و پرورش کودکان در پیش گرفته بود، مصمم‌تر کرد. نوش‌آفرین انصاری، یکی از دوستان توران، در این باره می گوید: «بزرگ‌ترین و اولین آرزوی توران میرهادی صلح و امنیت پایدار برای کودکان جهان بود.» همین آرزو بود که منجر به تولد کتابی شد به نام صلح را باید از کودکی آموخت.

بازگشت به ایران: توران در زمستان ۱۳۳۰، با پایان تحصیلاتش بنا بر قولی که به پدرش داده بود، به ایران بازگشت. خودش می گوید: «به محض ورودم به ایران در سرم گفتم آیا می‌شود این سیستم جبار آموزشی را تغییر داد؟ آیا می‌شود کاری کرد؟» توران در فروردین سال ۱۳۳۱ با جعفر وکیلی، یکی از افسران ارتش، ازدواج کرد. سرگرد وکیلی از افسران ارشد حزب توده بود و این امکان وجود داشت که او هر لحظه دستگیر شود. توران می‌نویسد: «این مسئله از ابتدا برای من روشن بود و جعفر همه چیز را برای من توضیح داده بود و من با علم به این شرایط حاضر به ازدواج با جعفر شدم. عشق من به جعفر آن قدر عمیق بود که هیچ چیز نمی‌توانست مانع ازدواج من با او شود.» شوهرش همراه با گروهی اعدام شد که مرتضی کیوان، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی، نیز از جمله آنان بود و نکته عجیب این که توران میرهادی، همسر جعفر وکیلی، و پوری سلطانی، همسر مرتضی کیوان، منشأ خدمات گسترده‌ای در زمینه کتاب و کتاب‌خوانی در ایران شدند. پوری سلطانی از پایه‌گذاران کتابداری در ایران است. حاصل این ازدواج پسری به نام پیروز بود که در ۵ اسفند ۱۳۳۲ به دنیا آمد ولی آقای وکیلی مدتی بعد، در سال ۱۳۳۳، اعدام شد. خانم میرهادی بعد از انقلاب، نامه‌های همسرش را با نام نامه‌های زندان منتشر کرد. محتوای نامه‌ها رویدادهای داخل زندان و شرح مقاومت زندانیان است. در آخرین نامه، سرگرد وکیلی از همسرش می‌خواهد که کار فرهنگی را ادامه دهد.

مدرسه فرهاد: توران میرهادی در سال‌های نخستین بازگشت به ایران به فعالیت در کودکانستان «بهار» و تدریس زبان فرانسه در مدرسه «نوربخش» پرداخت. اما این کارها برای آنچه وی در ذهن داشت، راضی‌کننده نبود، او دنبال فرصتی بود تا به قول خودش کار مهم‌تری انجام دهد. توران تعریف می‌کند: «یک روز پدر من را صدا کرد و گفت: «توران تو حیفی با این کارهایت.» گفتم: «چرا؟ مگر من چه کار دارم می‌کنم؟» گفت: «تو رفته‌ای درس خوانده‌ای، تجربه پیدا کرده‌ای و آمده‌ای شده‌ای یک معلم ساده توی یک دبستان؟»

توران میرهادی، از مدرسه فرهاد تا فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان

پرویز نیک‌نام

توران میرهادی معلمی پیشرو بود که زندگی‌اش را وقف آموزش کودکان ایران کرد. مدرسه فرهاد را ساخت که هیچکس نتوانست شبیه آن را بنا کند. شورای کتاب کودک را پایه گذاشت و خیل عظیمی را به همراهی واداشت. وقتی طرح تألیف فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را شروع کرد، همان علاقه‌مندان شورای کتاب و کودک و گروهی دیگر همراهش شدند و کاری بزرگ در عرصه کودکان و نوجوانان را پیش بردند که در عرصه فرهنگی ایران یگانه است. در طول چهار دهه بیشتر از بیست جلد فرهنگ‌نامه منتشر کرده و با انتشار شش جلد دیگر، کارش تمام می‌شود. او چنان روحی در این کار دمیده که در نبودش نیز گروهی مشغول روزآمد کردن مجله‌های چاپ‌شده و پایان کار فرهنگ‌نامه هستند.

مادر توران میرهادی، گرتا دیترایش، آلمانی بود و وقتی پدرش، فضل‌الله میرهادی، در سال ۱۲۹۵ به عنوان دانشجو به آلمان اعزام شد تا در رشته مهندسی مکانیک و راه و ساختمان درس بخواند، با وی آشنا شد. گرتا مجسمه‌سازی بود که در دانشگاه مونیخ درس می‌خواند. توران تعریف می‌کند که چطور مادرش برای آنها شعرها، ترانه‌ها و قصه‌های آلمانی تعریف می‌کرد، در عین حال که سفره فرهنگ ایرانی نیز در خانه‌شان پهن بود. مادرش بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۹ به همراه پدرش از طریق باکو به ایران آمد و در تهران در کنار خانواده پدری فضل‌الله در نزدیکی مسجد سپهسالار ساکن شد. توران چهارمین فرزند خانواده میرهادی بود که در چادری در شمال تهران به دنیا آمد و سه ماه دوران نوزادی را در این چادر گذراند. در آن زمان تهران آب لوله‌کشی نداشت و در تابستان‌های گرم، آب‌ها آلوده بود و بیماری‌های واگیردار شایع می‌شد. بسیاری از کودکان به دلیل بیماری جان می‌دادند. مادر توران برای محافظت از بچه‌ها و دور کردن شان از بیماری‌های احتمالی، آنها را به شمال شهر تهران برد و خانواده تابستان را در چادر گذراندند. خودش در کتاب مادر و خاطرات پنجاه سال زندگی در ایران می‌گوید: «من در بیلاق و در چادر به دنیا آمدم. پدرم می‌گفت: تو در باغی به دنیا آمدی که وسط خیابان پهلوی سابق (ولی عصر امروز) بود. محل تولد من باید جایی در حوالی باغ فردوس بوده باشد. در باغی که اجاره می‌کردیم، معمولاً سه چادر می‌زدیم. کف چادر هم گلیم یا قالی می‌انداختند. آب از چشمه می‌آمد. غذا روی اجاق‌های هیز می‌در فضای باز پخته می‌شد.»

توران میرهادی از کودکی چند زبان یاد گرفت. مادرش معتقد بود که هر زبانی را که یاد بگیرد، دنیای جدیدی پیش روی شما باز خواهد شد. برای همین، خودش معلم آلمانی بچه‌هایش بود. برای زبان فرانسه معلم داشت و زبان انگلیسی را هم در مدرسه «نوربخش» یاد گرفت. توران در سال ۱۳۱۷ به دبیرستان «نوربخش» رفت و در همان جا دیپلم گرفت. او می‌گوید: «مادرم اصرار داشت من باغبانی بخوانم و مرتب می‌گفت همه که نباید دکتر و مهندس بشوند، باغبان هم لازم داریم.»

اهل تعلیم و تربیت: خواهر و برادر توران در اتریش پزشکی می‌خواندند و توران میرهادی هم فکر می‌کرد در نهایت باید پزشک بشود، نه باغبان. باغبانی را دوست نداشت و به زیست‌شناسی علاقه‌مند بود. برای همین هم در سال ۱۳۲۴ بعد از اتمام دوره دبیرستان در رشته علوم طبیعی دانشگاه تهران قبول شد. در دوره دانشگاه، توران در کلاس‌های جبار باغچه‌بان، بنیان‌گذار اولین کودکانستان و دبستان ناشنویان در ایران، شرکت می‌کرد و در آنجا روش آموزش الفبا را یاد گرفت. به صورت داوطلبانه در کلاس دکتر محمدباقر هوشیار حاضر شد که علوم تربیتی و اصول آموزش و پرورش درس می‌داد.

توران میرهادی می‌گوید: «دکتر هوشیار و آقای جبار باغچه‌بان به من فهماندند که اهل تعلیم و تربیت هستیم. الان هم همین‌طور است. بچه‌ها در دبیرستان همه چیز می‌خوانند ولی فرصت این که بفهمند «ماهی کدام آب‌اند» را پیدا نمی‌کنند. بنابراین، شما خیلی‌ها را پیدا می‌کنید که در رشته‌ای تحصیل می‌کنند که دوستش ندارند. ولی من این شانس را داشته‌ام که بفهمم ماهی آب تعلیم و تربیت هستیم و بهتر است در این رشته تحصیل کنم.» این دو معلم مسیر زندگی او را تغییر دادند و توران در این دوره دریافت که علاقه‌ای به علوم طبیعی ندارد و روحیاتش با معلمی بیشتر جور در می‌آید و بهتر است برود دنبال همین کار. به همین خاطر، دانشگاه تهران را رها کرد

idents®

RS FOR SERIOUS INJURIES

CAMERON YADIDI

ATTORNEY AT LAW



No Fees

Until We Win Your Case!

ettlements & Verdicts



Powerfulinjurylawyers.com

urg & Brock, dose not warranty or guarantee the outcome of any legal matter.



ACC

POWERFUL LAWYER

دکتر کامران یدیدی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

نامی معتبر و شناخته شده در شرکت های بیمه



Over \$200,000,000 Collected in Settlements



Vehicle Accidents



Motorcycle Accident



Slip & Fall



Dog Bites

(888) 979-7979

Powerful Injury Lawyers are subsidiaries of Law Offices of Burg & Brock, Law Offices of B

مردهای «مریخی» و ساکنان «نوس»

نوشته: دکتر جان گری ترجمه: اشرف عدیلی (بخش هشتم)

هنر بهره برداری: برای یک زن، تعیین حد و مرز و بهره‌برداری از توانایی‌هایش کار ترسناکی است. او معمولاً از محتاج بودن بیش از حد می‌ترسد و از اینکه پس زده شود، مورد قضاوت قرار گیرد یا طرد شود، احساس ناراحتی و آزرده‌گی می‌کند. زیرا در عمق وجودش باور دارد که شایستگی دریافت محبت بیشتری را ندارد. این باور غلط در دوران کودکی او شکل گرفته و تقویت شده است، زمانی که مجبور بوده احساسات، نیازها و آرزوهایش را سرکوب کند.

زن با چنین اعتقاد منفی و نادرستی که شایستگی عشق را ندارد، بسیار آسیب‌پذیر می‌شود. اگر در کودکی شاهد بدرفتاری و تحقیر بوده یا مستقیماً مورد بی‌احترامی قرار گرفته باشد، این احساس بی‌ارزشی عمیق‌تر در او ریشه دوانده و باعث می‌شود که ارزش خود را تعیین نکند. در ضمیر ناخودآگاهش، این احساس بی‌ارزشی باعث ترس از نیاز به دیگران می‌شود. او همچنین تصور می‌کند که مورد حمایت قرار نخواهد گرفت، و به دلیل همین ترس از حمایت نشدن، به‌طور ناخودآگاه حمایتی را که نیاز دارد، پس می‌زند. وقتی مرد پیام بی‌اعتمادی زن به توانایی او برای برآورده کردن نیازهایش را دریافت می‌کند، احساس طردشدگی به او دست می‌دهد و اشتیاقش فروکش می‌کند. ناامیدی‌ها و بی‌اعتمادی‌های زن، نیازهای واقعی او را به حالتی از درماندگی و اظهار عجز تبدیل می‌کند. مرد نیز با دیدن این وضعیت، تصور می‌کند که زن به حمایت او اعتماد ندارد. برخلاف ظاهر ماجرا، مردها در ابتدا با احساس نیاز زن به خود انگیزه می‌گیرند، اما از اینکه کسی به آن‌ها «محتاج» باشد، دلسرد می‌شوند. زن ممکن است گمان کند نیازهایش مرد را دلزده کرده، درحالی‌که در واقع این ناامیدی و عدم اعتماد زن است که باعث چنین واکنشی در مرد می‌شود. برای زن‌ها، حتی در کوچک‌ترین مسائل، نه تنها نیاز به دیگران گیج‌کننده است، بلکه ناامیدی و طردشدن برایشان بسیار دردناک است. زن‌ها به راحتی نمی‌توانند به دیگران تکیه کنند و وقتی نادیده گرفته می‌شوند یا از آنها ناامید می‌شوند، احساس آسیب‌پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. این تجربیات ممکن است باورهای نادرستی را در ذهنشان تقویت کند که مستحق چنین رفتارهایی هستند.

نوس‌ها چگونه آموختند احساس شایستگی کنند؟: زن‌ها در طول قرن‌ها، برای جبران ترس از بی‌کفایتی، به مراقبت از دیگران و برآورده کردن نیازهای آنها روی آوردند. آنها دائماً از خودگذشتگی می‌کردند و در عین حال باور داشتند که شایستگی دریافت محبت را ندارند. امیدشان این بود که از طریق ایثار و فداکاری، شایستگی پیدا کنند. پس از قرن‌ها ایثار، آنها متوجه شدند که همیشه شایستگی دریافت عشق و حمایت را داشته‌اند. این روش آنها را وادار به خودشناسی کرد. از طریق مراقبت از دیگران، دریافتند که دیگران شایستگی عشق و محبت را دارند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که خودشان نیز لایق دریافت عشق و محبت هستند. برای یک دختر کوچک، وقتی رفتار مادرش را می‌بیند و عشق را در او مشاهده می‌کند، به‌طور ناخودآگاه احساس شایستگی و ارزشمندی می‌کند. اگر مادرش این توانایی را آموخته باشد که به وضوح و با آرامش از عشق بهره‌برداری کند، این کودک نیز این مهارت را یاد می‌گیرد.

زمانی که ونوسی آماده است، مریخی ظاهر خواهد شد: زمانی که زنی تشخیص می‌دهد شایسته دوست داشتن است، دریچه قلبش را به روی مردی که عشق را به او ارزانی دارد، باز می‌کند. اما وقتی پس از ده سال بذل و بخشش، متوجه می‌شود که در طول ازدواجش استحقاق او بیشتر از این بوده است، برخلاف آنچه که ممکن است به نظر برسد، احساس می‌کند که باید دریچه قلبش را به روی همسرش ببندد، بی‌آن‌که فرصت دیگری به او بدهد. ممکن است چنین احساسی کند: «من برای تو ارزش زیادی قائل شدم، اما تو مرا نادیده گرفتی. من به تو فرصت دادم، ولی من سزاوارتر بودم. دیگر نمی‌توانم به تو اعتماد کنم. خیلی خسته‌ام و دیگر چیزی برای گفتن ندارم. نمی‌گذارم بیشتر از این مرا بیازاری.»

در چنین موقعیتی، من به زن‌ها اطمینان می‌دهم که برای داشتن رابطه‌ای بهتر، نباید بیش از حد از خود مایه بگذارند. زمانی که زن کمتر خوش خدمتی کند، همسر او حتی ایثار بیشتری خواهد کرد. وقتی مرد نیازهای همسرش را نادیده گرفته است، مانند آن است که هر دوی آن‌ها به خواب رفته‌اند. زمانی که زن از خواب بیدار می‌شود و نیازهایش را به خاطر می‌آورد، همسرش نیز بیدار شده و می‌خواهد به



او بیشتر خدمت کند. چنان‌که پیش‌بینی می‌شود، همسرش از حالت بی‌توجهی و بی‌حالی خود بیرون آمده و واقعا تغییراتی را که همسرش درخواست کرده است، ایجاد خواهد کرد. وقتی زنی در درونش احساس شایستگی کند و دیگر مانند سابق از خود مایه نگذارد، مرد از درون غارش بیرون می‌آید و شروع به ساختن «سفینه‌های

فضایی» می‌کند تا او را خشنود کند. ممکن است مدتی طول بکشد تا او یاد بگیرد چگونه به همسرش عشق بورزد، اما مهم‌ترین قدم برداشته شده است. او از غفلت خود آگاه شده و می‌خواهد که تغییر روش دهد. این حالت در شرایط عکس نیز امکان‌پذیر است. معمولاً وقتی مردی احساس می‌کند که کسل است و عشق و عاطفه بیشتری در زندگی‌اش می‌خواهد، همسرش دوباره به او عشق و محبت می‌دهد. دیوارهای یخی رنجش و خشم شروع به آب شدن می‌کنند و عشق دوباره به زندگی‌شان بازمی‌گردد. اگر بی‌توجهی زیادی مطرح باشد، احتمالاً زمان بیشتری لازم است تا رنجش‌های انباشته‌شده بهبود یابند، اما این مسئله امکان‌پذیر است. اکثر اوقات، وقتی یکی از طرفین تغییر مثبتی می‌کند، طرف دیگر نیز تغییر خواهد کرد. این اتفاق پیش‌بینی‌شده یکی از نادر مسائل سحرآمیز زندگی است: زمانی که دانش‌آموز آماده یادگیری است، معلم حاضر می‌شود. زمانی که سؤالی مطرح می‌شود، جواب آن شنیده می‌شود. زمانی که ما واقعا آماده دریافت محبت هستیم، نیاز ما برآورده خواهد شد. وقتی ونوسی‌ها آماده پذیرش هستند، مریخی‌ها نیز برای ایثار آماده‌اند.

هنر بذل و بخشش (ایثار): عمیق‌ترین وحشت مرد این است که او به اندازه کافی خوب و شایسته نباشد. او با تمرکز بر افزایش قدرت و صلاحیت خود، این وحشت را جبران می‌کند. در زندگی او، دستیابی به اهداف و داشتن کفایت و کاردانی در اولویت قرار دارد. مریخی‌ها پیش از کشف ونوسی‌ها، چنان غرق در این افکار بودند که به هیچ چیز و هیچ‌کس دیگری اهمیت نمی‌دادند. مرد زمانی که می‌ترسد، معمولاً به شدت تظاهر به بی‌تفاوتی می‌کند. همان‌طور که زنان از پذیرفتن می‌ترسند، مردان نیز از بخشش هراس دارند. مرد، در حالی که ایثار خود را نسبت به دیگران توسعه می‌دهد، خطر مردود شدن، تویب و سرزنش شدن را می‌پذیرد، زیرا به اشتباه در ضمیر ناخودآگاه خود باور دارد که به اندازه کافی خوب و شایسته نیست. این باور در دوران کودکی او شکل گرفته و تقویت شده است؛ زمانی که او احساس می‌کرد همیشه از او انتظار می‌رود بهتر از این باشد. وقتی کارهایش نادیده گرفته می‌شد یا از او قدردانی نمی‌کردند، این باور غلط در ضمیر ناخودآگاهش قوت می‌گرفت که او به اندازه کافی شایسته نیست. مرد در برابر این باور غلط به‌طور ویژه آسیب‌پذیر می‌شود. این باور، ترس از شکست را در او به وجود می‌آورد. او می‌خواهد بخشش کند، اما از شکست می‌ترسد و بنابراین تلاش نمی‌کند. اگر بزرگ‌ترین وحشت مرد ناشی از عدم کفایت او باشد، طبیعتاً از هر نوع مخاطره غیر ضروری اجتناب خواهد کرد. برخلاف آنچه باید باشد، زمانی که مرد به کسی عمیقاً اهمیت می‌دهد، ترسش از شکست افزایش می‌یابد و کمتر ایثار می‌کند. برای اجتناب از شکست، از اهمیت دادن به افرادی که بیش از همه برایش مهم هستند، خودداری می‌کند. زمانی که مرد احساس ناامنی می‌کند، این ناامنی را با بی‌توجهی به دیگران و تمرکز بر خود جبران می‌کند. او برای دفاع از خود به‌طور ناخودآگاه چنین پاسخ می‌دهد: «مهم نیست». به همین دلیل است که مریخی‌ها به خودشان اجازه نمی‌دادند بیش از حد برای دیگران اهمیت قائل شوند. آنها نهایتاً از طریق موفقیت و قدرت به این نتیجه رسیدند که به اندازه کافی خوب بوده‌اند و می‌توانند در ایثار برای دیگران موفق شوند. آن وقت بود که ونوسی‌ها را کشف کردند. اگرچه آنها همیشه شایسته بودند، اما با تثبیت قدرت خود، برای هنر خودشناسی آماده شدند. پس از موفقیت و نگاهی به گذشته، متوجه شدند که هر شکست آنها ضروری بوده است تا بعدها بتوانند به موفقیت دست یابند. هر اشتباهی، درس مهم و لازم را به آنها آموخته بود که چگونه به اهداف خود دسترسی پیدا کنند. به این ترتیب، دریافتند که همیشه شایسته و توانمند بوده‌اند.

تشدید اختلافات جزئی: دخالت‌های خانواده‌ها معمولاً اختلافات کوچک را بزرگ جلوه داده و باعث افزایش تنش‌ها می‌شود.

ضعف در تصمیم‌گیری زوجین: وابستگی به نظرات خانواده‌ها، قدرت تصمیم‌گیری مستقل را در زن و شوهر تضعیف کرده و آنها را به افراد منفعل تبدیل می‌کند.

نقش کلیدی زن و شوهر در پیشگیری از دخالت‌ها

با وجود دلایل ذکر شده، مقصر اصلی در بروز این دخالت‌ها، خود زوجین هستند. زیرا این آنها هستند که اجازه ورود دیگران به حریم خصوصی‌شان را می‌دهند. بنابراین، مدیریت این مسئله نیازمند رفتار و تصمیمات آگاهانه زن و شوهر است: تعیین مرزهای مشخص: زن و شوهر باید مرزهای دخالت خانواده‌ها را به طور شفاف مشخص کنند و به آنها یادآوری کنند که مسائل زناشویی‌شان نیازمند حل و فصل درونی است.

گفت‌وگوی صریح با خانواده‌ها: بیان محترمانه و قاطعانه نظرات و محدودیت‌ها به خانواده‌ها می‌تواند از بسیاری از دخالت‌ها جلوگیری کند.

ایجاد اتحاد بین زن و شوهر: زوجین باید یک جبهه متحد و هماهنگ در برابر دخالت‌های بیرونی تشکیل دهند و از انتشار اختلافات کوچک به خارج از خانه پرهیز کنند.

اعتماد به یکدیگر: تقویت اعتماد بین زن و شوهر، خانواده‌ها را از دخالت بی‌مورد منصرف می‌کند. والدین زمانی احساس نیاز به دخالت می‌کنند که احساس کنند فرزندانشان توان مدیریت مسائل را ندارند.

مدیریت روابط با احترام: ایجاد تعادل بین احترام به خانواده‌ها و حفظ حریم خصوصی زندگی زناشویی، از بهترین راه‌حل‌هاست.

دخالت خانواده‌ها در زندگی زناشویی اگرچه ممکن است از روی خیرخواهی یا وابستگی باشد، اما پیامدهای منفی متعددی به همراه دارد. با این حال، مسئولیت اصلی مدیریت این چالش بر عهده زن و شوهر است. آنها باید با تعیین مرزها، تقویت اتحاد و گفت‌وگوی شفاف، زمینه دخالت را از بین ببرند. زندگی مشترک، سفری است که نیازمند استقلال و تلاش‌های مشترک است و دخالت دیگران، تنها زمانی امکان‌پذیر است که خود زوجین اجازه این ورود را بدهند.

دخالت خانواده‌ها در زندگی زناشویی: دلایل، پیامدها و راه‌حل‌ها

شیرین بهاروند

یکی از چالش‌های رایج در زندگی زناشویی، دخالت خانواده‌ها به ویژه پدر و مادرها در مسائل و تصمیم‌گیری‌های زوجین است. این پدیده، که گاهی به نیت خیرخواهی

و گاه از روی عادت یا وابستگی عاطفی رخ می‌دهد، می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر روابط زن و شوهر بگذارد و زمینه‌ساز اختلافات جدی شود. در این مطلب، به بررسی دلایل دخالت خانواده‌ها، پیامدهای آن و نقش کلیدی زن و شوهر در مدیریت این چالش می‌پردازیم.



دلایل دخالت خانواده‌ها

وابستگی عاطفی والدین به فرزندان: والدین معمولاً پس از ازدواج فرزندان، همچنان احساس می‌کنند که مسئولیت نظارت و راهنمایی آنها را بر عهده دارند. این حس وابستگی عاطفی ممکن است باعث شود در مسائل زناشویی فرزندان مداخله کنند. ناآگاهی از حدود دخالت: برخی والدین به دلیل ناآشنایی با مرزهای روابط زناشویی، بدون قصد آزار یا دخالت، وارد حوزه خصوصی زندگی فرزندان شان می‌شوند و این دخالت، اغلب به اختلافات منجر می‌شود.

اختلاف فرهنگی یا دیدگاه‌ها: گاهی خانواده‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی یا دیدگاه‌های سنتی، احساس می‌کنند باید در تصمیم‌گیری‌های فرزندان شان نقش ایفا کنند تا آنها به مسیر "درست" هدایت شوند.

اعتماد نداشتن به توانایی زوجین: برخی والدین به دلیل تصور ناکافی بودن تجربه یا دانش فرزندان شان در مدیریت زندگی زناشویی، خود را ملزم به دخالت می‌دانند.

پیامدهای دخالت خانواده‌ها

کاهش صمیمیت بین زن و شوهر: وقتی مسائل زندگی مشترک به خارج از خانه منتقل شود، حریم خصوصی زوجین نقض شده و صمیمیت و اعتماد متقابل تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

ایجاد اختلافات طولانی‌مدت: مداخلات مکرر می‌تواند به دلخوری‌ها و کدورت‌های عمیق منجر شود که گاه حتی پس از سال‌ها قابل جبران نیست.

Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی

برای بزرگسالان و نوجوانان

We Offer a Complete Course in Drivers' Education
& Training with Professional Instructors

- ♦ Driving
- ♦ Training
- ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education
- ♦ Seniors, Teens & Adults
- ♦ Free Home & School Pickup
- ♦ Hiring & Training Instructors

Safe Driving
Saves Lives



Safety is our most
important concern

Licensed & Bonded

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در
مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند.
این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408) 394-5249 ♦ (408) 370-9696

ماهنامه پژواک

نشریه برگزیده
ایرانیان شمال کالیفرنیا

www.pezhvak.com

(408) 221-8624



حل جدول در صفحه ۴۲

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

یک روز می آبی که من دیگر دچارت نیستم
از صبر لبریزم، ولی چشم انتظارت نیستم
یک روز می آبی که من نه عقل دارم نه جنون
نه شک به چیزی، نه یقین، مست و خمارت نیستم

عمودی

- ۱- از آثار جیمز هیلتون - گوشت آذری
- ۲- تصدیق فارسی - اجداد - بیدارمانده
- ۳- سبب بزرگ میوه - چراغ - چارقد
- ۴- پافشاری و اصرار - شهر ریشه - می
- ۵- علامت مفعولی - سر نیزه - کاهگل - حرف ندا
- ۶- شماره خودرو - کاخی در مدائن عراق - لال
- ۷- مغز استخوان - الوپسی - ثمره درخت
- ۸- روزانه - زمستان - از کوه های مهم کشور
- ۹- گودال - فیلم نامه - میدانی در تهران
- ۱۰- لباس اتاق عمل - قتل سیاسی - تحیت
- ۱۱- لحظه کوتاه - دودل - عضو بدن - مدافع فوتبال
- ۱۲- سفره چرمی - دانه خوشبو - قوه رشد و نمو
- ۱۳- خواندن شعر - قاضی - نگرستن
- ۱۴- ساده لوح - ظهور - جای بی هوا
- ۱۵- سازشاک - سردار نامی ایرانی

افقی

- ۱- غذای رشته ای - خیش
- ۲- از جزایر بزرگ جهان - از شهرهای خراسان - لوله تنفسی
- ۳- فراهم - عهد - پایه کارمند
- ۴- فیلسوف نامی انگلیس - پهلوان - درمان
- ۵- نفس خسته - پایتخت بحرین - نان خرد شده در آبگوشت
- ۶- ناامید - بازگشت صدا - خانقاه - زیرموس رایانه
- ۷- درخت انار - راضی - دندان آذری
- ۸- آحاد - کوچه سرپوشیده - راهنما
- ۹- تابه نان پزی - رموز - تخته بزرگ
- ۱۰- بدن خوب رویان - درخت تسبیح - شک و تردید
- ۱۱- پزشک ایرانی کاشف الککل - دواینده اسب - خواست عرب
- ۱۲- پیش نویس - صنم - برقرار
- ۱۳- دومین مهره گردن - چوب دستی پاسانان - گلی زیبا
- ۱۴- از شهرهای آذربایجان شرقی - پرده سینما - سخن بیمار
- ۱۵- کشتی جنگی یونان باستان - حداقل غذا برای یک تن

دلتنگی برای تو مثل آتشی است که خاموش نمی شود
شعله ای که در هر لحظه وجودم را گرم می کند
اما آرامشم را می گیرد.
شبها با خیال تو به خواب می روم و صبحها با حسرت دیدنت بیدار می شوم.
این دلتنگی چیزی بیش از یک احساس ساده است،
شبیبه نسیمی است که هر لحظه به یاد تو مرا نوازش می کند،
شبیبه موجی که آرام و بی صدا در ساحل قلبم می پیچد و نامت را زمزمه می کند.
کاش بدانی چقدر بی تاب دیدنت هستم،
کاش این فاصلهها روزی کوتاه شود و دلتنگی جایش را به آغوشی پر از آرامش بدهد.

دفاتر و کالت علی مقدمی

با همکاری جفری زیندر

وکالی سابق شرکت های بیمه با بیش از ۶۰ سال تجربه

With over 60 years of combined experience, including trials, mediations and arbitrations we strive to present your case in its strongest light and achieve the best possible results.



Ali Moghaddami

- ◆ Personal Injury
- ◆ Business Litigation
- ◆ Employment Law
- ◆ Criminal Defense
- ◆ Insurance Dispute



- ◆ کلیه جراحات و صدمات بدنی
- ◆ کلیه دعاوی تجاری
- ◆ کلیه امور کارمند و کارفرما
- ◆ کلیه امور جنایی در دادگاه های ایالتی و یا فدرال
- ◆ حل اختلافات بیمه گر با شرکت های بیمه

315 Arden Ave., #10
Glendale, CA 91203

Free Consultation
Tel: (818) 640-3131

84 W. Santa Clara St. #700
San Jose, CA 95113

اتفاقات عجیب و نادر در جهان

طاعون رقصنده (قرن ۱۴ و ۱۶): این بیماری روان‌شناختی باعث می‌شد افراد بدون توقف برقصند تا جایی که خسته شده یا بمیرند.

بارش خون در هند (۲۰۰۱): بارانی به رنگ قرمز در ایالت کرالای هند گزارش شد. دانشمندان دلیل آن را وجود اسپورهای جلبک در آب باران دانستند.

مرد یخی اوتزی (۱۹۹۱): در کوه‌های آلپ جسد یک مرد متعلق به ۵۳۰۰ سال پیش کشف شد که به‌طور شگفت‌آوری به‌خوبی حفظ شده بود.

نورهای اسرارآمیز در دره هسدلن، نروژ: این نورها که از دهه ۱۹۳۰ مشاهده شده‌اند، هنوز توضیح دقیقی ندارند.

اتصال ذهنی دوقلوها: گزارش‌های متعددی از دوقلوهایی وجود دارد که بدون صحبت کردن می‌توانند از احساسات یا افکار یکدیگر آگاه شوند.

تسلا و زلزله نیویورک (۱۸۹۸): ادعا می‌شود که نیکولا تسلا دستگاهی اختراع کرد که باعث لرزش ساختمان‌های نیویورک شد.

رودخانه آتشین کاوا ایجن، اندونزی: رودی که به دلیل گوگرد مایع، شب‌ها مانند آتش می‌درخشد.

بارش ستاره‌ای در کامچاتکا (۱۹۰۸): رویداد تونگوسکا، انفجار بزرگی که جنگلی در سیبری را نابود کرد و هیچ دهانه‌ای از آن باقی نماند.

مثلت برمودا: ناپدید شدن هواپیماها و کشتی‌ها در این منطقه، همچنان یکی از مرموزترین پدیده‌های جهان است.

شکاف‌های مرموز در قطب جنوب: حفره‌های عظیم که به‌طور غیرمنتظره در یخ‌های قطب جنوب ایجاد می‌شوند.

در طول تاریخ، وقایع عجیب و نادری در دنیا رخ داده است که توجه جهانیان را به خود جلب کرده‌اند. در اینجا ۳۰ مورد از این رویدادها را بررسی می‌کنیم:

باران حیوانات: در مواردی، حیواناتی مانند قورباغه‌ها و ماهی‌ها از آسمان باریده‌اند. این پدیده احتمالاً به دلیل طوفان‌های قوی است که این موجودات را از منابع آبی بلند کرده و در نقاط دیگر می‌ریزند.

آتش‌سوزی بزرگ لندن (۱۶۶۶): این آتش‌سوزی در طی چهار روز تقریباً کل شهر لندن را نابود کرد، اما تعداد کشته‌ها بسیار کم بود.

پدیدار شدن ابرهای عجیب در آسمان: پدیده‌هایی مانند ابرهای lenticular یا ابرهای شب‌تاب باعث حیرت بسیاری شده‌اند. این ابرها ظاهری شبیه به بشقاب پرنده دارند.

رقص مرگبار (۱۵۱۸): در شهر استراسبورگ، فرانسه، ده‌ها نفر بدون دلیل به‌طور مرموزی شروع به رقصیدن کردند و برخی به دلیل خستگی یا سکنه، جان خود را از دست دادند.

شهاب‌سنگ کیلوا (۱۹۵۴): این شهاب‌سنگ در آمریکا به یک زن برخورد کرد و او را زخمی کرد. این تنها مورد ثبت‌شده از برخورد مستقیم شهاب‌سنگ با انسان است.

مرگ‌های اسرارآمیز در گذرگاه دیاتلوف (۱۹۵۹): گروهی از کوهنوردان روسیه در شرایطی عجیب در کوه‌های اورال جان باختند و علت مرگ آنها هنوز مشخص نشده است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

فال سنارگان

دای	مهر	تیر	شروچین
ارتباط محکم‌تر و صمیمانه‌تری با دوستانان برقرار کنید و قدر دوستان قدیمی خود را بدانید. بیشتر بر وسوسه‌های درونی خود برای خرید وسایلی که نیاز ندارید، غلبه کنید و با سرمایه‌گذاری پول‌هایتان، آینده خود را تضمین کنید. سعی کنید با شنیدن حرف‌های همسران او را بیشتر از قبل درک کنید. در محافل اجتماعی حضور پررنگی داشته باشید و اجتماعی‌تر رفتار کنید.	برای آنکه بتوانید در شغل خود پیشرفت داشته باشید، باید دقت خود را چندین برابر کنید تا بتوانید سطح کیفیت کاری خود را بهبود ببخشید. به فرزندان خود اجازه دهید که بتوانند به راحتی نظراتشان را بیان کنند، زیرا این کار می‌تواند در آینده آنها تأثیر مثبتی بگذارد. قبل از هر چیزی وظایف کاری خود را به انجام برسانید و بعد به دنبال سرگرمی و استراحت بروید.	همان‌طور که دوست دارید زندگی کنید و خودتان را برای دیگران تغییر ندهید و دست از اثبات خود به دیگران بردارید. اگر می‌خواهید در زندگی‌تان آرامش بیشتری داشته باشید، باید سعی کنید خاطرات تلخ گذشته را فراموش و در حال زندگی کنید. اگر قصد انجام یک فعالیت جدید دارید، بهتر است آن را به کمی تأخیر بیندازید تا بتوانید بیشتر درباره آن موضوع تحقیق کنید.	باید برای رسیدگی به تمام کارهایتان برنامه‌ریزی کنید و طبق اولویت‌بندی‌های ذهنی خود برای هر فعالیت زمان مشخصی تعیین کنید. اجازه ندهید که مشکلات بر شما غلبه کند و به زندگی‌تان ادامه دهید. سعی کنید به جای غصه خوردن، به دنبال یک راه‌حل مناسب برای برطرف شدن چالش‌های پیش‌رویتان باشید.
بهمن	آبان	مرداد	اردیبهشت
این ماه، زمان مناسبی است که یک هدف تازه برای خودتان تعیین کنید و برای رسیدن به آن تلاش نمایید. این روزها باید بیشتر از جسم خود مراقبت کنید، بنابراین یک رژیم غذایی سالم برای خودتان تهیه کنید و حتماً در طول هفته به ورزش بپردازید. در صورت پیشنهاد قراردادی به شما بدون تحقیق آن را قبول نکنید و قبل از هر کاری با افراد دارای صلاحیت مشورت کنید.	به دنبال انجام کاری باشید که به آن علاقه کافی دارید و باعث می‌شود احساس خوبی داشته باشید. نظرات و احساسات واقعی خود را از دیگران پنهان نکنید، اما مراقب باشید که صحبتی بر زبان نیاورید که به بی‌ادبانه بودن رفتار شما تلقی شود. مطمئن باشید که همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت، فقط باید تحمل ریسک‌های کوچک را داشته باشید و کمی از هزینه‌های زندگی خود بکاهید.	مدیتیشن و یوگای می‌تواند به آشفتگی‌های ذهنی شما سروسامان دهد، پس حتماً آن را در برنامه‌ریزی‌های خود جای دهید. باید مراقب مواد غذایی که مصرف می‌کنید، باشید تا سلامتی‌تان به خطر نیفتد. اگر می‌خواهید در شغل خود پیشرفت چشمگیری داشته باشید، باید مهارت خود را به روز کنید و اطلاعاتتان را افزایش دهید.	بیش از اندازه به گذشته فکر نکنید و خودتان را بابت اشتباهاتی که در گذشته کرده‌اید، سرزنش نکنید و تمام انرژی و تمرکز خود را برای داشتن آینده‌ای بهتر به کار بگیرید. اگر می‌خواهید روابط دوستانه خود را گسترش دهید، ابتدا برای خودتان چهارچوب‌هایی در نظر بگیرید و به دوستانتان اجازه ندهید که از آنها عبور کنند.
اسفند	آذر	شهریور	فرورد
از طرف همکارانتان تحت فشار قرار گرفته‌اید، اما باید مراقب باشید تا با حفظ خونسردی خود و آرامش‌تان ایده‌ها و نظرات را به اشتراک بگذارید. اجازه ندهید که میان شما و همسران حرف ناگفته‌ای باقی بماند و مراقب باشید تا تنش‌های گذشته کهنه نشوند و هرچه سریع‌تر به فکر رفع کدورت‌ها باشید.	امروز باید بر احساسات و عواطف خود کنترل داشته باشید و خشم و عصبانیت درونی خود را مهار کنید. اگر مشکلات کوچکی در مسیر زندگی شما برایتان رخ داد، فقط کافی است که با آرامش کافی آنها را حل‌وفصل کنید و در صورت نیاز از نزدیکانتان کمک بگیرید. ب‌خاطر حرف دیگران زندگی خود را به هم نریزید و تغییری در آن ایجاد نکنید.	اگر می‌خواهید در زندگی‌تان با شکست مواجه نشوید، باید کمی منطق خود را افزایش دهید و برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی‌تان کمتر از احساسات خود پیروی کنید. بهتر است برای رسیدن به اهدافتان تنبلی را کنار بگذارید و با تمام توان تلاش کنید. اگر مجرد هستید با فردی مواجه می‌شوید که می‌توانید روی آینده خود، روی او حساب باز کنید.	اگر احساس افسردگی می‌کنید، هر چه زودتر پیش یک مشاور بروید و از او درخواست کمک کنید. یک خبر خوش می‌شنوید که باعث شادابی روحیه شما خواهد شد. در محل کارتان مسئولیت‌پذیری خود را افزایش دهید، زیرا این کار می‌تواند باعث ارتقای شغلی شما شود. ورزش کردن می‌تواند به سلامت جسمانی و روحی شما کمک بسیاری کند.



از راست: هرمز حکمت، حسین ضیایی، رضا قطبی
و ایرج پارسی نژاد - مریلند، ژانویه ۲۰۰۰

به ایران بود. نه فقط ایران در راه تجدد و پیشرفت، بلکه هر کوه و تپه و دشت و روستا و روستایی ایران را دوست می داشت. وقتی ازدواج کرد و با هم خویشاوند یا به گویش خراسانی اش همزلف شدیم تازه عروسش را برای ماه عسل به دیار فرنگ نبرد که زیبایی های رم و پاریس یا لندن را به او نشان بدهد، بلکه با هم به سفر دور ایران رفتند تا همسرش را به تخت سلیمان، به قلعه بم و به کوهسارها و صحراها و رودها و روستاهایی که دوست داشت و می شناخت آشنا کند.^(۳)

در همین یادداشت است که او چنان از وابستگی فکری و ذوقی و عاطفی حسین ضیایی به فکر و فرهنگ ایرانی یاد می کند که گویی خود را در او می بیند: «در درون این انسان منطقی متفکر و معتقد به برتری اندیشه و استدلال یک هنرمند نهفته بود. در انتهای هر استدلالی یکی دو بیت شعر در تأیید عمق آن استدلال می آورد که هم درک منطقی و هم تفاهم ذوقی را تحکیم کند. به خردمندی شاعرانه بزرگان ادب فارسی اعتقاد داشت. نه فقط از سعدی و حافظ و مولوی بلکه از شاعران معاصر هم کمک می گرفت و گاهی هم به زبان اصلی شعرهای انگلیسی، فرانسه و یا آلمانی را به تأیید می خواست. نقاشی های او متأثر از خط و تذهیب کاری سنتی ایران بود. در نقاشی های دیگرش هم حتی نقاشی های دوران دوری از ایران خاطره هایش را در مناظر کوه و دشت می دیدیم.»^(۴)

در باره خصوصیات اخلاقی دوست از دست رفته می نویسد: «حسین در برابر سختی ها بردبار بود و واکنش خشم آلود نداشت، جز در برابر دروغ و بیداد. از دروغ بیزار بود. حتی نمی توانست بفهمد چرا مردم دروغ می گویند. در دید آرمانی اش از ایران و ایرانی دروغ نمی گنجید. از این رو تزویر و ریا و دروغ هموطنانش واکنشی سخت در او به وجود می آورد. بر می آشت، ولی در پایان رنجور و آشفته و مأیوس می ماند.»^(۵) به راستی که رضا قطبی نیز خود چنین بود. من می دیدم که در کار اداره رادیو تلویزیون در برابر سخت گیری ها و فشارهایی که به بهانه «حفظ امنیت و مصالح ملی» بر او وارد می آوردند تا چه حد ایستادگی می کرد و می کوشید تسلیم تبلیغ و تظاهر نشود.

من سال ها پیش، در یادها و دیدارها از پیوند قطبی با ایران و فرهنگ و هنر ایران به تکرار و تأکید یاد کردم: «رضا قطبی ایران دوستی شریف و پاکدامن است. در زمانی که کار اداره رادیو تلویزیون را بر عهده اش گذاشتند دانایی و توانایی و شایستگی بسیار نشان داد و خدمت بسیار کرد. گذشته از گسترش شبکه سراسری تلویزیون در ایران، نهادهای وابسته به آن مانند مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و کارگاه نمایش را بنیاد کرد و مرکز فرهنگ عامه ایران را به سرپرستی انجوی شیرازی پدید آورد و در برگزاری جشن هنر شیراز در عرضه هنرهای ایران به جهانیان و جشنواره توس در شناساندن هر چه بیشتر فردوسی و شاهکار او اهتمام کرد.

... وقتی از تهران شماره های مخصوص از مجله بخارا در بزرگداشت محمدجعفر محبوب و پرویز ناتل خانلری را برای او فرستادم، نامه هایی فرستاد که نشان دهنده فهم درست و باریک بینی اش در مطالب آن مجله بود درباره شماره بزرگداشت محبوب از حضور خود در درس آن استاد در پاریس یاد کرده بود. و در نامه ای دیگر درباره شماره خانلری، با اشاره به فضل و دانش آن دولتمرد خدمتگزار، یادآور شده بود که «اگر خانلری مقام دولتی را قبول کرد برای آن بود که در آن مقام به ایران خدمت کند. او عقیده داشت که می شود و باید نظام را از درون درست کند.»^(۶)

درباره نیکان و پاکانی مانند حسین ضیایی و رضا قطبی، این روشن اندیشان روشنگر زمانه ما و آرمان آنها در سربلندی و آبرومندی ایران در جهان بیش از این می توان گفت. همچنان که از درگذشتگانی چون خانلری، محبوب، شایگان و مسکوب و فضل و بزرگمردی ایشان بسیار میتوان گفت و نوشت. می دانم که آیندگان چنین خواهند کرد.

- ۱) رضا قطبی، «به یاد برادرم حسین»، ایران، نامه، سال ۲۶، شماره ۳-۴، ص ۲۲۱.
- ۲) ایرج پارسی نژاد، یادها و دیدارها، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۴۰۰، ص ۳۰۱-۳۰۲.
- ۳) رضا قطبی، «به یاد برادرم حسین»، ایران نامه، ص ۲۲۱ (۴) همان، ص ۲۲۲.
- ۵) همان جا، ۶) یادها و دیدارها، ص ۳۰۴.

با یاد نیکان و پاکان

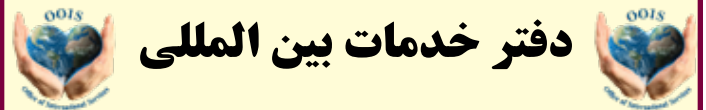
ایرج پارسی نژاد

رضا قطبی در یادداشت کوتاهی در مرگ خودخواسته حسین ضیایی مرثیه دردمندانه اش را چنین پایان داده بود: «اما، برادر، ما را تنها گذاشتی». همین حرف ساده و پر تأثیر او در رثای دوست خویشاوند گواهی است بر فکر و فرهنگ و نجابت و اخلاق و وفاداری و فضل و کمال انسانی خود او.

... از آخرین فرضیه های فیزیک آگاه بود و از نتایج آن صحبت می کرد. اگر چه در فلسفه دوران اسلامی تحصیل می کرد، فلسفه غرب را خوب می شناخت. از اسکولاستیک ها، از فلوطین و توماس آکویناس نقل می کرد و به راحتی و با بیانی ساده کانت و هایدگر و فوکو و دریدا را توضیح می داد و از تحول فکری ویتگنشتاین از زمان نگارش تراکتاتوس تا تکامل بررسی های فلسفی سخن می گفت. ولی توصیه اصلی اش به متفکران فرهنگ ایرانی- اسلامی بود: فارابی، ابن سینا، ملاصدرا و مقایسه او با دکارت و بیش از همه سهروردی، که او را تبلور فرهنگ و تفکر ایرانی در فلسفه دوران اسلامی می دانست. به نظرم می آمد که علاقه او به شیخ شهید، جدا از اهمیت عقاید فلسفی اش، از خصوصیت ایرانی اندیشه هایش بود.^(۱)

«خصوصیت ایرانی اندیشه ها، این همان خصلتی است که من خود طی سال ها همکاری در خود رضا قطبی یافتم و در کتاب یادها و دیدارها هم آوردم: «قطبی را آدمی یافتم تشنه دانستن و آموختن بیشتر، یک ایرانی متمدن و متجدد که اقامت در فرنگ موجب نشده بود ارزش های فرهنگ ایرانی را از یاد ببرد. ضمن آن که موسیقی کلاسیک غربی را به خوبی می شناخت، از موسیقی سنتی ایرانی نیز لذت می برد. با آن که آثار ادبی اروپایی را از کلاسیک تا مدرن خوانده بود، با شاهکارهای شعر و نثر ایران از گذشته آشنا تا به امروز بود. به اصول لیبرالیسم و دموکراسی باور داشت و در برنامه های اخبار سیاسی و اجتماعی رادیو تلویزیون، با وجود اعمال همه محدودیت ها و هشدارها و اختارها، به اصول مورد عقیده اش پای بند بود.»^(۲)

و قطبی در همان یادداشت خود درباره ضیایی می نویسد: «حسین همان قدر که به عقل و اندیشه احترام می گذاشت، به فرهنگ ایرانی و ایران زمین عشق می ورزید. در واقع آنچه بیش از همه جلب توجه می کرد این عشق بی دریغ بلاقید و شرط او



دفتر خدمات بین المللی

Office of International Services

انجام امور مربوط به دفتر حفاظت منافع:

- ♦ ثبت نام در سایت میخک ♦ تنظیم انواع متن و کالتنامه ♦ درخواست تمدید پاسپورت ♦ درخواست تعویض شناسنامه ♦ درخواست تعویض کارت ملی ♦ گرفتن وقت حضوری یا غیر حضوری از سفارت

انجام کلیه امور حقوقی، کیفری، ملکی، تجاری، ثبتی، خانواده و ...
در دادگاه های ایران زیر نظر وکلای با تجربه و پایه یک دادگستری

۴۳۸۳-۸۷۷ (۶۶۹)



جهت مشاوره و حل
کلیه مسائل حقوقی خود
با دفتر خدمات بین المللی
تماس بگیرید!

آمریکا

بخش چهاردهم
عباس پناهی

به محض رسیدن به ایستگاه، به صاحب هتلی که تلفنش را گرفته بودم زنگ زدم. او گفت: «همانجا در کنار دکه روزنامه فروشی بایست تا من خودم را برسانم.» پانزده دقیقه بیشتر معطل نشدم. یک واکسال آبی رنگ داشت که چندان نو و سالم نبود. سوار شدم و گفتم: «اول پول سه شب را پیش می گیرم و اگر خواستی بیشتر بمانی پس از انقضای سه شب، خودم به آنجا می آیم و حساب خواهیم کرد.» جلوی ساختمانی پیاده ام کرد و مرا به یکی از اتاقها راهنمایی نمود و ضمن گفتن این که دستشویی و حمام کجاست، از آنجا رفت. کف هال و کف اتاق، قالی های کهنه و رنگ و رو رفته ای پهن شده بود و روی زمین، اینجا و آنجا شکسته های مهر نماز به چشم می خورد. حتی یک چوب لباسی نبود که لباسم را بیاویزم. اما ورقهای قرآن، مفاتیح الجنان و نهج البلاغه در هر کدام از کسوهای درب و داغان و کمدی که درش با صدای در زندانها هم آهنگی داشت، فراوان بود. تنها ملحفه ها تمیز بودند. روتختی قهوه ای رنگ بود و کتیفی را در خود پنهان می داشت. اگر با کفش یا دم پایبی به فرش ضربه ای می زدم، از آن خاک به هوا بر می خاست. قیمتش نسبت به آن هتل خیلی ارزان بود. شبی پانزده دلار پرداخته بودم. رو تختی را کنار زدم و روی آن دراز کشیدم. بعد از ظهر با نقشه ای از لندن که از روزنامه فروش خریده بودم محل های دیدنی لندن را شناسایی و علامت گذاری کردم. برای آن شب دو جا کافی بود. «آوودی توربوم» - موزه مادام توسو.

با قطار به محل نمایشگاه رفتم. اودیتوریوم، آن اندازه که تعریفش را شنیده بودم، جالب نبود اما موزه مادام توسو بسیار دیدنی بود. مجسمه های بیشتر اشخاص سر شناس جهان را آنجا می شد دید. در وسط سالن، مجسمه مومی شاه نیز بود که با لباس رسمی نظامی سفید رنگ ایستاده بود، اما در آن هم از خبثت انگلیسی دریغ نکرده بودند و نگاه شاه را طوری ساخته بودند که انگار اکنون می خواهد بیننده را با ضرب خنجر از پا در بیاورد. اگر اعتراض هم می کردی می گفتند این از دیدگاه هنرمند ساخته شده و صرفا یک اثر هنریست و جنبه سیاسی ندارد. اما این هنرمند نگاه حتی هیتلر را مانند ساعتی از زندگی اش که با اعضای خانواده می گذراند ساخته بود. در همه جا می شد به خوبی این خبثت را علیه شاه دید.

شام خوردم و به اتاقم برگشتم. چند بار تصمیم گرفتم به جایی دیگر بروم ولی پشیمان شدم، چون فکر کردم من که اینجا نمی خواهم بمانم و برای خواب هم ملحفه ها تمیز هستند. تصمیم گرفتم فردا اولین جا به کاخ بوکینگ هام بروم و پس از آن به فرودگاه رفته وسایل را برداشته، به یکی از شرکت های هوایی ببرم و به تهران بفرستم که دیگر از این کشور به آن کشور نبرم تا بتوانم به راحتی به همه موزه ها و پارک ها و محل های معروف لندن سری بزنم.

صبح که از خواب برخاستم برای نظافت به دستشویی مشترک رفتم. در قفل بود، اما صدای (ا ه ن) ای از داخل دستشویی شنیده شد. بر گشتم به اتاق خودم و باز پس از مدتی آمدم که ببینم خالی شده یا نه؟ دیدم درب دستشویی باز شد و جوانی که موی سر و سیل را تراشیده بود اما ریشش بلند بود با پیراهن سفید بلندی که یقه حلقه اش دکمه شده بود بیرون آمد، نگاهی از سر دوستی به من انداخت و گفت: «سلامون علیکم و رحمت الله و برکاته. و صَبَحَکُمُ اللهُ بِلِ خَيْرٍ وَالسُّرُورُ وَ لَعَفِیْهِ،» برایم حیرت انگیز بود، طلبه ای را به جای قم، در لندن می دیدم. جواب سلامش را دادم و پرسیدم «اینجا به سلامتی مشغول هستید؟» با غلظت تمام گفت: «انشأ الله تعالی، گر خداوند تبارک و تعالی قبول کند.» او خیال می کرد، که من هم برای درس طلبگی آمده ام. برای آن که به سؤالهایش پاسخ ندهم، دستگیره در را گرفتم و گفتم: «با اجازه.» خدا حافظی کرد و رفت. با دیدن حمام و توالت خشکم زد. بقدری کثیف بود که رغبت نکردم استفاده کنم. به اتلقم برگشتم و به سرعت لباس هایم را پوشیدم و به راه افتادم تا از دستشویی ایستگاه راه آهن استفاده کنم. تازه ریشتراش های با بطری شارژ شونده ساخته شده بود و من یکی خریده بودم و با خود داشتم. ریشم را تراشیدم و از اتاق بیرون آمدم و سریع به ایستگاه رفتم و سر و صورتی صفا دادم و بعد به طرف کاخ بوکینگ هام به راه افتادم که سر راه چیزهای عجیبی دیدم. بر روی دیوارهای شهر با خط فارسی در همه جا نوشته بودند مرگ بر طاغوت و مرگ بر قاتلین علی شریعتی. تا آن موقع من نه طاغوت شنیده بودم و نه کسی به نام شریعتی می شناختم. اما اینطور که معلوم بود این چیزها در ام القرای اسلام و مدافع بزرگ امت عزیز و شریف اسلام یعنی لندن، این حرف ها و نام ها برای همه آشنا بود. شهرداری لندن اصلا ناراحت نبود که عده ای بچه مسلمان و جوجه کمونیست، در و دیوارهای شهرش را زشت و بد قیافه کنند و صد البته صدها خیابان تمیز، فدای سر این بچه ها که دارند برای منافعش جانفشانی می کنند و بزودی همین ها هستند که باید قرار دادهای نفتی و منابع زیرزمینی و خریدها را با دولت فخمه ببندند، پس باید چون میهمانانی عزیز تر از جان از ایشان پذیرایی شوند.

برای دوره ایمنی پرواز آمده بودیم آمریکا و در پایگاه فورت راکر در ایالت آلاباما دوره را به پایان رساندیم و عازم برگشت به ایران شدیم و برای آن که سر راه بتوانیم ایالات دیگر و کشورهای دیگر را هم بگردیم، از سفارت ایران در واشنگتن تقاضای مرخصی کردیم و سفارت هم به سرعت پاسخ ما را کتبا فرستاد که با چهل روز مرخصی موافقت کرده بود. سه نفر ایرانی در کلاس بودیم که یکی با همسرش به کانادا رفت و ما دو نفر به نیویورک رفتیم. قبل از آنکه در فورت راکر بودیم، کلاه سبزه های نیویورک برای نمایش چتربازی و سقوط آزاد به آنجا آمده بودند و در باشگاه افسران به طور اتفاقی با هم دوست شده بودیم و من را به نیویورک دعوت کرده بودند، ولی وقتی به آنجا رسیدم آنها به کره رفته بودند. چند روزی در نیویورک ماندم و بعد به لندن رفتم. چمدان هایم را در صندوق امانات فرودگاه لندن گذاشتم و با یک تاکسی به شهر روانه شدم. تاکسی مرا به یک هتل نسبتا خوب برد. تزئینات داخلی هتل آدم را به یاد داستان های چارلز دیکنز می انداخت، پر از خرت و پرت های غارت شده از هند بود. اکثر چیزهایی که همه در و دیوار و کناره های راهرو و پذیرایی را اشغال کرده بودند قهوه ای و از جنس چوب بودند که نقش های فیل و انگور و برگ مو داشتند. در آمریکا، در هتل های خوب، اتاق کاملا مجهز با دو تختخواب دو نفره (کینگ سایز) و با حمام و سرویس خوب را می شد زیر بیست دلار برای یک شب گرفت، اما این هتل که شبیه به مهمانخانه های خودمان در خیابان های سپه و ناصر خسرو بود، شبی پنجاه دلار می گرفت و تازه با این قیمت گران، از شیر دستشویی اش آبی به باریکی لوله سُرُم می آمد که به دست بیمار تزریق می کنند. هر چه منتظر ماندم که حمامش وضع بهتری پیدا کند که دوشی بگیرم، نشد و فقط توانستم با خیس کردن حوله و کشیدن به تن و بدنم، قدری گرد را از تن پاک کنم.

شماره تلفن استاد سابقم را که بازنشسته شده بود و برای تحصیل بچه هایش به انگلیس آمده و در کانتربری کنت زندگی می کرد را داشتم. از هتل به او زنگ زدم و او ضمن اظهار خوشحالی زیاد، اصرار کرد که به کنت و به نزد آنان بروم. روز بعد با قطار به کنت رفتم و پسرش که دیگر مرد جوان رشیدی شده بود به استقبال آمد و با هم راهی شدیم. تا دیر وقت با استاد و خانواده اش صحبت می کردیم. بچه ها، دختر و پسر بزرگی شده بودند. وقتی در ایتالیا بودیم، گاهی به خانه استادم می رفتم که در ضمن خوردن غذاهای خوش طعم دست پخت خانم ایشان، به دخترش نیز نقاشی یاد می دادم. او بچه بسیار باهوشی بود و از همه بهتر ایتالیایی صحبت می کرد. قبل از خواب، استادم از من پرسید: «آیا دلت می خواهد فردا به بلژیک برویم تا من یک ماشین بنز را که سفارش داده ام، تحویل بگیریم و گشتی بزیم و برگردیم؟» گفتم: «با کمال میل.» روز بعد به بندر «دو-ور» و با کشتی به بلژیک رفتیم. وقتی کشتی در بندر پهلو گرفت و مسافران برای پیاده شدن، راه افتادند، در محل اتصال کشتی به ساحل، ماموران دولتی ایستاده بودند و گذرنامه ها را بر رسی می کردند. متوجه شدم بعضی مسافران را نگه می دارند و اجازه خروج نمی دهند. برایم عجیب بود و نمی دانستم چرا. وقتی گذرنامه ما را گرفتند، سؤال کردند که چه مدت قصد ماندن داریم. جواب دادیم حد اکثر چهار روز. مأمور سه ماه ویزا صادر کرد. استادم پانسیون را می شناخت که بانویی خوش اخلاق صاحب آن بود و به گرمی پذیرایی می کرد. اتاقمان را آماده کرده بود. پس از صرف ناهار به شهر (بروکسل) رفتیم و کارهای ماشین انجام شد. گشتی در شهر زدیم و به پانسیون برگشتیم. صاحب پانسیون منتظرمان بود و شام خوبی پخته بود و به خوبی پذیرایی کرد. دو روز آنجا بودیم و با یک جوان ایرانی آشنا شدیم که کارش جواهر بود و دائما به کشورهای دنیا، مانند، برزیل، آرژانتین، شیلی، هند، ترکیه و غیره سفر می کرد و از هر کشوری سنگ هایش را می خرید و به کشور دیگری می فروخت. پسر خوبی بود اما از آن دسته بچه مذهبی ها بود که اروپا پاتق شان بود. صحبت از هتلی که من در لندن گرفته بودم شد. او تلفن محلی را داد که متعلق به یک ایرانی بود و گفت مردیست که به ایستگاه راه آهن می آید و تو را به مهمان خانه اش می برد.

به خانه استاد که برگشتیم، باز تا روز بعد میهمان شان بودم. روز بعد اجازه مرخصی خواستم تا به لندن برگردم. خدا حافظی کردیم و من با قطار به لندن برگشتم و

اجاره نشین، خوش نشین

ابوالقاسم حالت



نشین، خوش نشین است، از جایی که نشسته هر وقت دلش خواست بلند می شود، ولی اگر دلش نخواست به ضرب توپ هم نمی توان تکانش داد. پیرمردی که در طبقه اول یک خانه زندگی می کند و طبقه دوم را اجاره داده،

از دست مستاجرین خود می نالید و می گفت: «این ها هنوز همان کرابه را به ما می دهند که پنج سال پیش می دادند. هر چه هم در این خصوص گوشه کنایه زده ام، به روی مبارک خود نیاورده اند. بر عکس با ما چپ افتاده و مرتب اذیت می کنند و گوئی از عذاب دادن ما لذت می برند. هر شب درست همان وقت که می خواهیم بخوابیم ناگهان عمدا صدای رادیو را بلند می کنند، یا گوشت و لفل و زرد چوبه در هاون می کوبند، آن هم به شدتی که تمام طاق به لرزه در می آید و خواب را از سرما می پراند. هر وقت می بیند ما در ایوان پائین رخت پهن می کنیم، به بهانه شستن ایوان بالا شلنگ را باز می کنند که آب روی رختهای ما بریزد و آنها را کثیف کند. باز یک روز صحبت موضوع اجاره را پیش کشیدیم و به شوخی گفتیم: «شما ماشاء الله اصلا نم پس نمی دهید». روز بعد آنقدر شیر آب حمام را باز گذاشتند که آب در کف حمام نفوذ کرد و طاق نم برداشت. وقتی گفتیم: «چرا اینطور می کنید؟» جواب دادند: «مگر نمی گفتی ما نم پس نمی دهیم؟ حالا نم پس دادن ما را هم ببین». من پیرمرد هفتاد ساله هر روز به پسر هیجده ساله آنها از ترسم تعظیم و سلام می کنم، ولی او حتی جواب سلامم را هم نمی دهد. شب دیر به خانه نمی روم چون می ترسم کوچه خلوت شود و اگر آنها کتکم بزنند هیچکس به دادم نرسد. اگر جوان بودم به فکر تدبیرهای دفاعی می افتادم. مثلا می رفتم کاراته و جودو یاد می گرفتم ولی حالا دیگر این کارها از سن و سالم گذشته است.»

آقای دیگری می گفت: «برای پسرم سه سال پیش آپارتمانی با ماهی هزار و پانصد تومان اجاره کردم که امروز نظیرش را سه هزار تومان هم نمی دهند، و حال آن که پزشک بازنشسته ای ده سال قبل آپارتمانی از من با ماهی چهارصد تومان اجاره کرد و هرچه از او خواستم که آن را برای سکونت پسرم تخلیه کند گوش نداد. آخر به دادگستری شکایت کردم ولی در دادگاه به جای تخلیه فقط دویست تومان به اجاره آن اضافه کردند. این پزشک که ده سال قبل، از هر بیمار پنج تومان می گرفت و حالا چهار تومان می گیرد، به هیچ وجه حاضر نبود چیزی بر اجاره سابق اضافه کند. حالا هم اگر از ترس دادگستری نباشد به پرداخت همین دویست تومان اضافه هم حاضر نیست.»

خانمی یک خانه کوچک در دورترین نقطه فرح آباد ژاله داشت و آن را به مردی اجاره داد که بعدا معلوم شد شیره ای است. خانم از شوهر خود چند سال قبل طلاق گرفت و پیش مستاجر رفت و به زبان خوش وضع خود را شرح داد و خواهش کرد که آن را خالی کند چون برای سکونت خود می خواهد. مستاجر با خوشروئی جواب داد: «خانم، الان اول مهر است. من تازه بچه ها را به مدرسه گذاشته ام. این سال تحصیلی را به من مهلت بدهید تا هم من در این مدت خانه ای پیدا کنم، هم تحصیل بچه ها بهم نخورد.» خانم هم با این درخواست موافقت کرد به خیال این که او سر قول خواهد ایستاد و پس از پایان سال تحصیلی خانه را خالی خواهد کرد. ولی سال گذشت و او بلند نشد و گفت: «برو هر کار که دلت خواست بکن». کار به دادگستری کشید و یک سال هم به بهانه های مختلف محاکمه را عقب انداخت و از حضور در دادگاه طفره رفت و سرانجام در دادگاه حاضر شد باز همان موضوع تحصیل بچه ها را بهانه قرار داد و از قاضی خواهش کرد سال تحصیلی جاری را به او مهلت دهد که از آن محله نقل مکان نکند تا به تحصیل بچه هایش لطمه نخورد. پس از چهار سال وقت گذراندن و سر دواندن بالاخره آنجا را تخلیه کرد و خانه ای تحویل صاحبش داد که از زور کثافت به زباله دان بیشتر شباهت داشت. دیوارهای دو اطاق آن مثل کوره یا مطبخ های قدیمی به کلی سیاه بود. خانمی که مالک خانه بود مبلغی خرج گچکاری و رنگ کاری خانه کرد و با بچه های خود در آنجا نشست. شب سوم، ساعت ده شنید سنگی در حیاط افتاد. ابتدا اعتنائی نکرد ولی چند لحظه بعد سنگ دیگری افتاد. سنگ را که انداختند خانم ناراحت شد و دم در رفت که ببیند این مردم آزار کیست! همین که در را باز کرد سه چهار مرد بیگانه با ظاهر کثیف و قیافه های مشکوک و صدای گرفته سلامی کردند و وارد خانه شدند.

خیال می کنم مسئله کشمکش مالک و مستاجر هم مثل دعوی عروس و مادر شوهر تا ابد لاینحل خواهد ماند. مالک و مستاجر هم به نظر من بر دو نوع هستند: یک دسته مالکان ثروتمند که مستاجران ثروتمند هم دارند. من باب مثال بازرگان گردن کلفتی حساب کرده که اگر خانه ای را به ماهی ده هزار تومان اجاره کند با صرفه تر از آن است که دو میلیون تومان از سرمایه خود را راکد بگذارد و به پای خرید همان خانه یا خانه ای نظیر آن خانه بدهد. این قبیل مالکان و مستاجران چون سر و ته یک کرباس هستند و زبان یکدیگر را می فهمند، خیلی کم کلاهشان توی هم می رود. اگر هم اختلافی داشته باشند، به آن صورت نیست که سوژه داغ و آش دهن سوزی برای روزنامه ها شود. اما دسته دوم مالکان و مستاجران را مالک بی چیز، و مستاجر بینوا تشکیل می دهند. مالکی که تنها محل درآمدش اجاره مختصر یک خانه خرابه یا دویاب دکان است و مستاجری هم گیرش افتاده که یا پولی ندارد و یا دارد و نمی خواهد از مال الاجاره مقرر چیزی زیادتر بدهد. بنده نه مالک و نه مستاجر، ولی از نامه هایی که می رسد و تلفن هایی که می شود حدس می زوم که میان این دسته دوم به مالک ستم دیده بیش از مستاجر ستم رسیده بر می خوریم.

جوانی را می شناسم که کارمند ذوب آهن است و چون در اصفهان کار می کرد خانه ای را که در تهران داشت اجاره داد. وقتی می خواست به تهران منتقل شود به مستاجر خود نوشت که خانه را شخصا برای سکونت خود لازم دارد. ولی مستاجر بنای گربه رقصانی را گذاشت. کار به شکایت و دادگاه کشید و بالاخره پس از سه سال دوندگی در دادگستری، مستاجر به حکم دادگاه مجبور به تخلیه خانه شد. او هم خانه را خالی کرد، در حالی که عمدا تمام دیوارها را خراش انداخته و یک کاغذ دیواری سالم باقی نگذاشته بود. سر پیچ های لامپ را کنده و موکت کف اطاق ها را مثل پارچه بید زده سوراخ سوراخ کرده بود. هیچ یک از پنجره ها شیشه نداشت. وقتی صاحبخانه به شیشه بر رجوع کرد که مجددا آنها را شیشه بیندازد، شیشه بر به او گفت: «ولی مستاجر قبلی شما هر روز یک شیشه با عکس یک هنرپیشه پیش من می آورد که برایش قاب کنم.» و بعد با خنده اضافه کرد: «خوب عیبی ندارد. هم شیشه های خانه شما نو می شود، هم من به نانی می رسم، هم او صاحب یک کلکسیون قاب عکس گوگوش و مهستی و هایده و حمیرا شده است.» جوانی که مالک این خانه است، در پایان درد دل خود گفت: «همین خانه، مدت کوتاهی هم در اجاره یک نفر خارجی بود، و وقتی خانه را خالی کرد و از ایران می خواست برود، خانه را به همان خوبی و تمیزی تحویل داد که روز اول تحویل گرفته بود. آن یک مستاجر بود، این هم یک مستاجر! بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! آنوقت مالک را ملامت می کنند که چرا مستاجر خارجی را ترجیح می دهد.»

خانمی صبح به منزل ما تلفن کرده بود و مرا می خواست. چون من در خانه نبودم همسرم به او گفته بود عصر تلفن کند. جواب داده بود: «عصرها از ترس مستاجر خود نمی توانم تلفن کنم. من و شوهرم یک عمر از تمام مخارج گردش و سینما و تفریح خود زدیم و یک خانه دو طبقه خریدیم. چند سال است که شوهرم مرده و من طبقه بالا را اجاره داده ام که یک لقمه نان بخورم. ولی مستاجر من بدتر از آن مرا آجر کرده است. هر روز هم یک جور اذیت می کند. به تمام تلفن های من گوش می دهد. این است که از تمام اقوام و آشنایان خواهش کرده ام فقط صبح ها به من تلفن کنند. خودم هم فقط صبح به اشخاص تلفن می کنم، نه عصر که مستاجر در خانه است. مستاجر من آنقدر اذیت کرده که اعصابم خرد شده، مریض شده ام و کار به جایی رسیده که هر چه از او می گیرم باید مبلغی هم رویش بگذارم و پول دکتر بدهم. چند سال است که نرخ همه چیز بالا رفته، اما، مستاجر حتی یک ریال به مال - الاجاره اضافه نکرده، و به التماس های من هم گوشش بدهکار نیست و ککش هم نمی گزد چون می داند که من بیوه زن بی پناه هستم و قدرت دوندگی در عدلیه را ندارم. تازه اگر حوصله این کار را هم داشتم مگر از شکایت به دادگستری نتیجه ای می گرفتم. هیچ پیوندی مهمتر و مستحکم تر از پیوند زناشویی نیست، چون اگر از هم بگسلد شیرازه زندگی خانواده ای نیز از هم گسسته خواهد شد. ممکن است بچه هایی بی سر پرست بمانند و دچار سرنوشت ناگواری شوند. معذک زن و شوهری که با هم اختلاف دارند، خیلی آسان تر می توانند از هم جدا شوند تا مالک و مستاجری که نمی توانند با هم بسازند. زور در اینجا بیشتر به دست مستاجر است. مستاجری که در حقش گفته اند: «اجاره

خاطراتی از هنرمندان

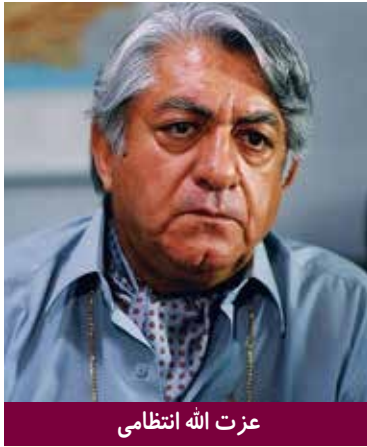
پرویز خطیبی (بخش بیست و سوم)

اخراج عزت الله انتظامی از حزب توده

در سال ۱۳۲۳ وقتی عبدالحسین نوشین و همکارانش، خیرخواه و خاشع، به همراه لرتا، ایرن و توران مهرزاد در تئاتر فرهنگ، نمایشنامه معروف ولین را به روی صحنه بردند، گروهی از افراد جوان و مستعد به کار بازیگری علاقمند شدند که یکی از آنان «محمد علی جعفری» شاگرد دوره دوم هنرستان هنرپیشگی و دیگری «عزت الله انتظامی» شاگرد دوره سوم بود.

انتظامی که در هنرستان صنعتی درس می خواند تصمیم داشت پس از دریافت دیپلم به آلمان برود و دوره عالی قالب سازی را بگذراند. در آن زمان با جثه ضعیف و سن و سال کم نتوانسته بود توجه کارگردان ها را جلب کند، حتی عضویت او در حزب توده و توصیه گاه و بیگاه هم فکراش به نوشین که جزو سران حزب محسوب می شد مؤثر واقع نشده بود. انتظامی سعی داشت به طریقی استعداد ذاتی خودش را بروز بدهد ولی میدانی وجود نداشت، تا سرانجام در یک تئاتر تابستانی به نام «کشور» نقش کوچکی به او واگذار کردند و من که شب ها به این تئاتر می رفتم، یک روز پای درد دلش نشستم.

دلش می خواست حالا که روی صحنه جایی ندارد، کارش را از پیش پرده خوانی شروع کند، مثل مجید محسنی، جمشید شبیانی و حمید قنبری که در این رشته پیشرفت شایانی کرده و شهرت فراوانی به دست آورده بودند و مثل دوستش «مرتضی احمدی» که تازه دست به این کار زده بود قصد داشت هنرش را به هر قیمتی که شده عرضه کند. به قدری در گفتارش صداقت داشت و آن قدر در اشتیاق بازیگری می سوخت که بالاخره تصمیم گرفتم او را برای خواندن یک ترانه فکاهی به رادیو ببرم. متأسفانه ارکستری که با ما همکاری می کرد فرصت زیادی برای تمرین نداشت. شعر یکی دو ساعت قبل از اجراء ساخته می شد و ارکستر و خواننده فقط می توانستند یکی دو بار آن را مرور کنند. در چنین شرایطی همه پیش بینی می کردند که این جوان بی تجربه یعنی انتظامی در برنامه قطعات فکاهی آن روز دسته گلی به آب خواهد داد، ولی خوشبختانه این طور نشد و انتظامی با تمام قوا سعی کرد تا گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. در همین گیرودار که انتظامی می رفت تا به شهرت برسد، تئاتر فرهنگ به علت عدم سازش با صاحب ملک و کارشکنی های دولت وقت تعطیل شد و علی جعفری به اتفاق «حبیبی» که از نزدیکان مالک بود تئاتر پارس را پایه گذاری کرد. در تئاتر پارس هنرمندانی چون فضل الله بایگان، تفکری چهره آزاد، مهین دیهیم و توران مهرزاد فعالیت داشتند و کارگردانی به نام «استپانیان» نمایشنامه هائی را که از فرانسه به فارسی برگردانده بود روی صحنه می برد. با گل کردن تفکری در نمایش «دختر شکلات فروش»، اولین نمایشنامه کمدی ایرانی به نام تعداد «اولتیماتوم» که نوشته من بود، به معرض تماشا گذاشته شد و تفکری و تهرانچی و خانم پررخیده در این نمایش به راستی درخشیدند. صاحبان تئاتر حالا دیگر به من اطمینان داشتند و می خواستند که آثار دیگر خود را هم در اختیارشان بگذارم و من با استفاده از فرصت، آنها را قانع کردم که انتظامی می تواند با خواندن پیش پرده های من بر تعداد مشتریان تئاتر بیفزاید. از قضا اولین پیش پرده کمدی- انتقادی من «مصدر سرهنگ» چنان شهرتی به دست آورد که تئاتر پارس اجرای پرده را هم جزو برنامه های همیشگی خود قرار داد. در حوادث آذربایجان که دولت مرکزی پیشه وری و غلام یحیی را به تهران دعوت کرد، حزب توده با حزب دمکرات آذربایجان ائتلاف کرد و در واقع بر قدرت و اهمیت تشکیلاتش افزود، اما کمی بعد که ارتش ایران به سمت آذربایجان حرکت کرد و سران فرقه دمکرات به داخل خاک شوروی عقب نشینی کردند، حزب توده رابطه مستقیم خود را با پیشه وری و حزب دمکرات انکار کرد و روزنامه «رهبر» ارگان مرکزی حزب توده جایش را به مردم داد و همین مسئله سبب شد تا گروهی از اعضای جوان و فعال حزب نسبت به اعمال سران مشکوک شوند و از سازمان کناره گیری کنند، گر چه انتظامی همراه با انشعاییون از حزب خارج نشده بود ولی از این که می دید کمیته مرکزی برای فریب اعضای متوسل به دروغ گوئی شده است، سخت عصبانی و ناراحت به نظر می رسید. از طرف دیگر برای من که نسبت به حزب سمپاتی



عزت الله انتظامی

داشتم و اکثر دوستانم مثل خیرخواه و خاشع و مشکین و اسکویی و تقی فداکار و مهندس محمدی عضو حزب توده بودند، قابل قبول نبود که سران فرقه با پشتیبانی روس ها شبانه از آذربایجان فرار کنند و کسانی مثل فریدون ابراهیمی، دادستان کل فرقه دمکرات را که جوانی تحصیل کرده و وطن پرست بود، تنها بگذارند و دولت مرکزی آنها را اعدام کند. روی این اصل و با خاطره تلخی که از ماجرای کافتارادزه و تقاضای امتیاز نفت شمال از جانب روس ها داشتم دو تصنیف کمدی به نام «پیشه

وری» و «غلام یحیی قصاب آذربایجان» ساختم که اولی را انتظامی و دومی را مرتضی احمدی اجراء کرد. این دو پیش پرده بیش از شش ماه روی صحنه تئاتر فرهنگ بود و استقبال شدید مردم از آن سبب شد تا حزب توده انتظامی را اخراج کند. انتظامی که حالا به اوج رسیده بود، مدتها با گروه خیرخواه همراه مهرزاد، مهین دیهیم، اکبر مشکین، نصرت کریمی و عده ای دیگر به شهرستان های مختلف ایران مسافرت کرد و در این سفرها با اجرای نقش های کوچک و بزرگ تقریباً آب دیده شد.

در سال ۱۳۲۷ که حزب توده منحل اعلام شد و خیرخواه و خاشع به خارج از مملکت گریختند، من برای اولین بار انتظامی را در فیلم «وارثه بهاری» محصول پارس فیلم شرکت دادم. خود انتظامی در رابطه با این موضوع اخیراً ضمن مصاحبه ای با یکی از خبرنگاران در تهران گفته است: «پرویز خطیبی سازنده این فیلم در آن زمان شعر پیش پرده ها را برای ما می نوشت. یک روز مرا به باغ بزرگی دعوت کرد که در آن جا فیلم برداری داشتند و نقش کوچکی را هم به من دادند. در مورد شروع همکاری اش با رادیو، عزت الله انتظامی به خبرنگار چنین می گوید: «قدیم ها فرستنده رادیو در جاده قدیم واقع شده بود. از طریق پرویز خطیبی به رادیو راه پیدا کردم. جانی بود به نام کافه لاله زار در خیابان لاله زار، جنب گراند هتل که پاتوق هنرمندان بود. خطیبی همانجا برای نمایشهای رادیویی اش بازیگر انتخاب می کرد. حتی یک بار هم یکی از تصنیف های خطیبی را در رادیو به صورت زنده همراه ارکستر اجرا کردم».

فیلم «گاو» ساخته «داریوش مهرجویی» در حقیقت آغاز جهش بلندی بود که انتظامی را به اوج شهرت و معروفیت رساند. اگر چه داستان گاو اثر «غلامحسین ساعدی» و پرداخت سینمایی آن جالب بود، ولی تماشاگران اغلب مجذوب بازی انتظامی می شدند. در فیلم «آقای هالو» انتظامی نقش صاحب کافه سرزند را به عهده داشت. بازی طبیعی و گیرای او که سعی داشت شخصیت مردم دار و سود جوی صاحب کافه را نشان بدهد، تماشاگران را مسحور کرده بود. او همیشه برای رفتن در قالب کاراکترها زحمت می کشید، شاید به همین دلیل بود که مدتها حدود شش ماه یا بیشتر رو به روی سینی گردو فروش سر پامانر نشست تا بتواند حرکات و گفتار او را عیناً در صحنه تئاتر پیاده کند. انتظامی که به علت خواندن پیش پرده «مصدر سرهنگ» یک شب روی صحنه تئاتر پارس بازداشت شد و به زندان رفت، سه روز بعد که آزاد شد از رفتار مسئول اداره آگاهی سروان سقاچی، داستانه می گفت. انتظامی با مرتضی احمدی دوستی دیرینه دارد. در سال های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ ما سه نفر، احمدی، انتظامی و من با هم محشور بودیم. انتظامی به شوخی احمدی را احمد قصاب خطاب می کرد. احمد قصاب لقبی بود که مردم ایران به سپهبد احمدی در جنگ های کردستان و لرستان داده بودند. وقتی «صادق پور» سینما تئاتر «گیتی» را اول لاله زار افتتاح کرد، سوژه ای به دست من و انتظامی افتاد تا درباره او که شغل قبلی اش کفاشی بود جوک های زیادی بسازیم. یکی از جوک ها این بود که صادق پور به جوانی که داوطلب هنرپیشگی است می گوید: «هفته ای سی تومان دستمزد برایت مقرر کرده ام» و چون استیکاف جوان را می بیند، اضافه می کند که: «بسیار خوب، ماهی یک نیم تخت هم مجاناً به کف کفشت میزنم». یا این که: صادق پور را برای پرداخت مالیات بر درآمد به وزارت دارائی احضار می کنند و او که بارها روی صحنه نقش نادر شاه افشار را بازی کرده بود، لباس مخصوص نادر به تن می کند و تبریزین بر می دارد و به وزارت دارائی می رود و با صدای دو رگه فریاد می کشد و تبریزین را به روی میز رئیس اداره مالیات بر درآمد می کوبد که «مرد حسابی من همانم که از هندوستان باج و خراج گرفتم. آن وقت تو می خواهی از من مالیات بگیری؟ و بالاخره: صدای دو رگه صادق پور به این دلیل دو رگه است که سابقاً «قره نی» می زده و یک روز اشتباهاً سر قره نی را فوراً داده است.



در باغ، صدای پای آب می آید
اینجا همیشه دیر است
اینجا، همیشه ساعت‌ها خیس‌اند
اینجا، همیشه فاصله‌ها کمند
و من میان این همه‌ی حزن و نور
چشم به راه واژه‌های بارانی
خواب کبوتران کوچک خیالم را
به شاخه‌های تر آویخته‌ام
ای باد بی‌قراری، بیا که گم شده‌ام
سهراب سپهری

کسی می آید
کسی که نور را می‌فهمد
کسی که خواب آبی چشمانش
به روزهای گمشده، دست خواهد زد
کسی که قلبش در گوشه‌ای از این ظلمت
چراغی خواهد شد
و من، هنوز در انتظار آمدنش
میان سایه‌ها و خستگی‌ها
می‌خوانم: بیا، بیا ای آغاز روشنایی‌ها
فروغ فرخزاد

شب آمده و کوچه‌ها ساکت‌اند
تو را در میان این سکوت می‌جویم
کجایی که این دل بی‌قرار
بی‌تو شکسته، ای ماه‌تاب خیال؟
من هر ستاره را در شب‌های بی‌تو
چراغی می‌دانم که نشان تو را دارد
بیا که این چشم‌های منتظر
جز رد پای تو، چیزی نمی‌خواهد
فریدون مشیری

بی‌قرار توام و در دل تنگم گله‌هاست
آه، بی‌تاب شدن عادت کم حوصله‌هاست
مثل عکس رخ مهتاب که افتاده در آب
در دلم هستی و بین من و تو فاصله‌هاست
من که حیران شده‌ام در شب گیسوی تو باز
چشم از این شب نکم، ماه من، امشب مال تو باز
هر که دل بردن تو دید، به دل داد سپاس
تو به دلدار که دل داری و دلدار سپاس
فاضل نظری

ای دل به کوی عشق گذاری نمی‌کنی
اسباب جمع داری و کاری نمی‌کنی
چون بید بر سر خود، لرزانی از غرور
جز با خدای خویش، قراری نمی‌کنی
روزی ما چو دانه گندم به مور داد
ما را به هیچ گونه شماری نمی‌کنی
این قصه‌خوان پریشانی از کجا؟
با ما چرا حکایت زاری نمی‌کنی؟
پروین اعتصامی

قوهای سپید خوابیدند
در ساحل دوردست این غم شبانه
من، تک درخت گمشده‌ام
با هر ترانه، باد، غم را مرور می‌کند
بر لوح این تیره‌شب، نقشی زده‌اند
که هرچه چشم بسته، آن نمی‌رود از یاد
ماه از پس ابرها می‌خواند
که آه، آه، زنجیر شب دراز است
نیما یوشیج

دوباره می‌سوزم از این نگاه خاموش
دوباره می‌گیرم از غم سکوت
ای آفتاب مهر، تویی تمام رویای من
اما چرا در سایه‌ات، من این‌چنین خاموشم؟
هر شب در آغوش یاد تو می‌میرم
و باز با روشنای عشقت زنده می‌شوم
به من بگو: چرا نمی‌خوانی؟
چرا نمی‌باری بر این دل آفت‌زده؟
هوشنگ ابتهاج

دوباره می‌سازمت وطن
اگر چه با خشت جان خویش
ستون به سقف تو می‌زنم
اگر چه با استخوان خویش
دوباره می‌بویم از تو گل
به میل نسل جوان تو
دوباره می‌شویم از تو خون
به سیل اشک روان خویش
اگر چه صد ساله مرده‌ام
به گور خود خواهم ایستاد
که برکنم قلب اهرم
ز نعره‌ی آنچنان خویش
سیمین بهبهانی

بخوان به نام ایران، به نام عشق دیرین
که هر نفس به یادش، شکوفه‌ای بی‌بارد
دل از امید خالی، مباد و همچنان باش
که باغ عشق ایران، همیشه می‌نگارد
حمید سبزواری

چه روزگار خوشی بود در کنار تو بودن
صدای گرم تو را ای عزیز رفته شنیدن
ز خاطرات زمان‌های دور گفتن و گفتن
غم زمانه زدودن، دری به نور گشودن
شراب معرفت از جام محضر تو چشیدن
چکامه‌ای، غزلی با درایت تو سرودن
ز شعر حافظ شیرین سخن به یمن حضورت
رها ز درد شدن، نکبت خرافه زدودن
قرار ما نه چنین بود رخ ز دوست نهفتن
دل از حیات بریدن به خاک تیره غنودن
نگر کنون همه مائیم در فراق تو گریان
خوشا تو زانکه رهائی زقید بود و نبودن
خوشا به حال تو ز آنروکه جستی از قفس تن
رها ز رنج تعلق اسیر حادثه بودن
چو عاجز است زبان از بیان درد جدائی
چه سود زین همه گفتن به سوگ دوست زودن
نمی‌روی تو ز یادم به راستی نتوانم
محاسن تو شمردن، معارف تو ستودن
به حکم عقل بگفتی که معدلت زک خواهی
که کار طبع بود کشتن و به طیره درودن
محمدجواد دلیلی

زمستان است
آری، زمستان است
زمین خشکیده و خاموش، راه‌ها بسته
این دست‌ها که می‌لرزند، چشم‌ها خسته
دریغا، چه سنگین گذر است
برف می‌بارد و دل‌های بی‌قرار
چه غریبند این قدم‌ها در برف
و تو ای رهگذر شب، بیا که دیگر
نه چراغی است، نه آتشی بر کوهسار
مهدی اخوان ثالث

من از میان کوچه‌های تاریکی می‌آیم
دست‌های سرد سکوت
بر شانه‌هایم سنگینی می‌کند
تو، ای که روشنایی را در قلبت داری
به من بگو، آیا این راه بی‌انتها
پایانی خواهد داشت؟
چرا سکوت سنگین شب
به صدای ما گوش نمی‌دهد؟
احمد شاملو

دلم گرفته ای دوست! هوای گریه با من
گریز از این بیابان، شبی پناه ما کن
بین که سایه‌ای نیست ز سرو نازنینم
به غیر داغ هجران، دگر چه در زمینم؟
ز کوچه‌های خلوت، در این سکوت دیرین
بیا و بار دیگر، مرا به آسمان برین
بیا که دل سپارم به هر نگاه جانان
چگونه وصف خوانم ز مهر بی‌پایان؟
قیصر امین‌پور

آیا دموکراسی شکست خورده است؟

سمیرا صادقی



دموکراسی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظام‌های حکومتی در جهان، همواره به عنوان الگویی برای مدیریت جوامع انسانی و تحقق حقوق بشر معرفی شده است.

با این حال، در دهه‌های اخیر، این سیستم با چالش‌های جدی مواجه شده و اعتبار آن در بسیاری از کشورها زیر سؤال رفته است. دلایل این تردیدها متعدد و پیچیده هستند و در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و حتی فرهنگی

ریشه دارند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین عوامل پرداخته می‌شود که موجب شده مردم نسبت به دموکراسی تردید کنند:

افزایش نابرابری اقتصادی: یکی از اصول بنیادی دموکراسی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهروندان است. اما در بسیاری از کشورها، نابرابری اقتصادی به شدت افزایش یافته است. ثروت و قدرت به طور فزاینده‌ای در دستان اقلیت کوچکی متمرکز شده، در حالی که بخش عمده‌ای از مردم با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود شهروندان احساس کنند دموکراسی به نفع نخبگان اقتصادی عمل می‌کند و منافع عمومی را در نظر نمی‌گیرد.

فساد در سیستم‌های دموکراتیک: فساد سیاسی و سوءاستفاده از قدرت در بسیاری از کشورها به یکی از چالش‌های اساسی دموکراسی تبدیل شده است. در برخی موارد، سیاستمداران به جای نمایندگی مردم، به دنبال تأمین منافع شخصی یا گروهی خود هستند. این وضعیت باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت‌ها و نهادهای دموکراتیک شده است.

ظهور پوپولیسم: پوپولیسم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای دموکراسی مدرن شناخته می‌شود. رهبران پوپولیست با استفاده از احساسات و نگرانی‌های مردم، وعده‌های غیرواقعی می‌دهند و اغلب نهادهای دموکراتیک را تضعیف می‌کنند. این روند در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایالات متحده، برزیل، مجارستان، و فیلیپین، مشاهده شده است.

تضعیف رسانه‌های مستقل: رسانه‌های آزاد یکی از ارکان اساسی دموکراسی هستند که نقش نظارت بر قدرت را ایفا می‌کنند. با این حال، در بسیاری از کشورها، رسانه‌ها تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفته‌اند یا به ابزار تبلیغاتی دولت‌ها و گروه‌های قدرتمند تبدیل شده‌اند. گسترش اطلاعات نادرست و اخبار جعلی نیز به کاهش اعتماد عمومی به رسانه‌ها و نهادهای دموکراتیک منجر شده است.

چالش‌های فناوری و شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی که در ابتدا به عنوان ابزارهایی برای تقویت آزادی بیان شناخته می‌شدند، به بستری برای انتشار اخبار جعلی، نفرت‌پراکنی، و دوقطبی‌سازی جامعه تبدیل شده‌اند. این مسائل می‌تواند باعث ایجاد بی‌ثباتی در نظام‌های دموکراتیک شود و مردم را نسبت به توانایی این سیستم‌ها در مدیریت مشکلات مدرن بی‌اعتماد کند.

کاهش مشارکت شهروندان: در بسیاری از جوامع دموکراتیک، شاهد کاهش نرخ مشارکت در انتخابات و فعالیت‌های مدنی هستیم. این کاهش می‌تواند نشان‌دهنده احساس ناتوانی مردم در تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها باشد. عواملی مانند احساس بی‌اعتمادی به سیاستمداران، پیچیدگی سیستم‌های دموکراتیک، و عدم پاسخگویی دولت‌ها به نیازهای مردم، به این وضعیت دامن زده‌اند.

بحران‌های جهانی و تأثیر آن بر دموکراسی: بحران‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های گسترده، و همه‌گیری‌ها (مانند کووید-۱۹) نشان داده‌اند که نظام‌های دموکراتیک در مواجهه با بحران‌های پیچیده، اغلب ناکارآمد عمل می‌کنند. این ناکارآمدی‌ها، برخی از مردم را به سوی حمایت از نظام‌های اقتدارگرا سوق داده است که ممکن است در کوتاه‌مدت پاسخ‌های سریع‌تری ارائه دهند.

نقش قدرت‌های اقتدارگرا در تضعیف دموکراسی: کشورهایی مانند چین و روسیه که نظام‌های اقتدارگرا را اداره می‌کنند، به شدت به دنبال گسترش نفوذ خود و تضعیف دموکراسی‌های غربی هستند. از طریق ابزارهایی مانند تبلیغات، جنگ‌های

چرا دموکراسی در آمریکا زیر سؤال رفته است؟

نفوذ پول در سیاست: یکی از مهم‌ترین عواملی که دموکراسی آمریکا را با تردید مواجه کرده، نفوذ بی‌حد و حصر پول در سیاست است. تصویب قوانین و تصمیمات قضایی مانند پرونده Citizens United v. FEC در سال ۲۰۱۰ باعث شد شرکت‌ها و میلیاردرها بتوانند به طور نامحدود به کمپین‌های انتخاباتی کمک کنند. این مسئله منجر به این شده که بسیاری از مردم احساس کنند سیاستمداران به جای نمایندگی منافع عمومی، نماینده منافع ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ هستند.

قطب‌بندی سیاسی و اجتماعی: اختلافات عمیق میان دو حزب اصلی (دموکرات و جمهوری‌خواه) به حدی رسیده که بسیاری از سیاست‌های کلیدی به جای مصالح ملی، بر اساس منافع حزبی شکل می‌گیرد. این قطب‌بندی موجب شده همکاری میان دو حزب تقریباً ناممکن شود و نظام دموکراتیک ناکارآمد به نظر برسد.

نابرابری اقتصادی: در حالی که ثروت در آمریکا طی چند دهه اخیر افزایش یافته، شکاف میان فقرا و ثروتمندان نیز عمیق‌تر شده است. این نابرابری نه تنها حس بی‌عدالتی را در میان طبقات پایین و متوسط تشدید کرده، بلکه باعث شده بسیاری از مردم احساس کنند نظام دموکراتیک در توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها شکست خورده است.

نقش نژادپرستی در تضعیف دموکراسی آمریکا

ریشه‌های تاریخی نژادپرستی: نژادپرستی در آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد که از دوران استعمار و برده‌داری آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. پس از لغو برده‌داری، قوانینی مانند Jim Crow و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دیگر، به مدت بیش از یک قرن بر حقوق و فرصت‌های آفریقایی‌آمریکایی‌ها محدودیت‌هایی جدی اعمال کردند.

ظهور مجدد ملی‌گرایی سفیدپوستان: در دهه‌های اخیر، ملی‌گرایی سفیدپوستان در آمریکا احیا شده است. گروه‌های افراطی مانند کو کلاکس کلان (KKK) و جنبش‌های مشابه در سایه گسترش رسانه‌های اجتماعی و سیاست‌های پوپولیستی قدرت بیشتری پیدا کرده‌اند. برخی سیاستمداران نیز از این احساسات نژادپرستانه بهره‌برداری کرده‌اند تا حمایت گروه‌های خاصی را جلب کنند.

نژادپرستی نهادی و پیامدهای آن: نژادپرستی در آمریکا تنها به رفتارهای فردی محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از نهادها و ساختارهای اجتماعی ریشه دوانده است. نابرابری در نظام آموزش، مسکن، بازار کار و عدالت کیفری، همگی نشان‌دهنده وجود تبعیض‌های ساختاری است.

تأثیر نژادپرستی بر انسجام اجتماعی: نژادپرستی باعث شکاف عمیق میان جوامع مختلف در آمریکا شده است. آفریقایی‌آمریکایی‌ها، لاتین‌تبارها و دیگر اقلیت‌های نژادی اغلب احساس می‌کنند در یک نظام ناعادلانه زندگی می‌کنند که فرصت‌های برابر را برای همه فراهم نمی‌کند.

سایبری، و حمایت از رهبران ضددموکراتیک، این کشورها تلاش کرده‌اند تصویر دموکراسی را به چالش بکشند.

دموکراسی به عنوان سیستمی برای تأمین آزادی‌ها و عدالت اجتماعی هنوز هم بهترین راهکار برای اداره جوامع انسانی محسوب می‌شود. با این حال، چالش‌های یادشده نشان می‌دهند که این نظام نیازمند اصلاحات جدی است. بازنگری در ساختارهای اقتصادی، افزایش شفافیت در حکومت‌ها، حمایت از رسانه‌های مستقل، و ارتقای سواد سیاسی شهروندان می‌تواند به تقویت دموکراسی کمک کند و اعتماد عمومی را بازسازی کند. دموکراسی، اگرچه امروز زیر سؤال رفته، اما همچنان امید اصلی برای تحقق آینده‌ای بهتر است، آینده‌ای که در آن حقوق بشر، آزادی، و عدالت اجتماعی بیش از پیش محقق شود.

دموکراسی در آمریکا: بحران اعتماد و تأثیر نژادپرستی بر انسجام اجتماعی

دموکراسی در ایالات متحده، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نظام‌های دموکراتیک مدرن، همواره به عنوان الگویی برای آزادی، برابری و حاکمیت مردم در جهان معرفی شده است. اما طی دهه‌های اخیر، این نظام با چالش‌هایی اساسی مواجه شده که باعث شده اعتماد عمومی به دموکراسی کاهش یابد و پرسش‌هایی جدی درباره کارآمدی آن مطرح شود. از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی گرفته تا نفوذ پول در سیاست و گسترش شکاف‌های نژادی، این مسائل به صورت زنجیره‌وار در تضعیف دموکراسی آمریکایی نقش داشته‌اند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

قسمت و تقدیر: باورها، تأثیرات و تحلیلها

کامران ایرانی

زندگی، شغل مناسبی پیدا نمی‌کند. اگر این فرد معتقد باشد که این وضعیت نتیجه قسمت اوست، ممکن است دست از تلاش بردارد و شرایط را بپذیرد. از سوی دیگر، اگر باور داشته باشد که تلاش و اختیار او می‌تواند سرنوشت را تغییر دهد، برای یافتن فرصت‌های جدید تلاش بیشتری خواهد کرد.

نقش قسمت و تقدیر در زندگی روزمره

تصمیم‌گیری: باور به قسمت می‌تواند افراد را در مواجهه با شکست‌ها آرام‌تر کند و به آنها انگیزه دهد که شرایط را بپذیرند.

روابط انسانی: در بسیاری از فرهنگ‌ها، ازدواج و روابط به قسمت مرتبط می‌شوند و این باور وجود دارد که «هر کسی جفت خود را در زمان مناسب پیدا خواهد کرد». **پیشرفت و تلاش:** تأکید بر تقدیر می‌تواند باعث شود افراد به نیروهای فراتر اعتماد کنند، اما این باور اگر با تلاش ترکیب نشود، ممکن است به انفعال منجر شود.

قسمت و تقدیر: جبر یا اختیار؟

یکی از بحث‌های اساسی پیرامون قسمت و تقدیر، مسئله جبر و اختیار است. آیا انسان کاملاً تحت تأثیر نیروهای خارجی است یا این که می‌تواند سرنوشت خود را تغییر دهد؟ **جبرگرایان:** این گروه معتقدند که همه‌چیز از پیش تعیین شده و انسان کنترلی بر آن ندارد.

اختیارگرایان: این دیدگاه باور دارد که انسان می‌تواند با تصمیمات و تلاش‌های خود آینده‌اش را بسازد.

قسمت و تقدیر مفاهیمی پیچیده و چندلایه هستند که بر اساس فرهنگ، دین و تجربه‌های شخصی معناهای متفاوتی پیدا می‌کنند. درک این مفاهیم می‌تواند به انسان کمک کند تا تعادلی میان پذیرش شرایط و تلاش برای بهبود آن پیدا کند. به عبارت دیگر، باور به قسمت نباید بهانه‌ای برای انفعال باشد، بلکه باید به عنوان فرصتی برای آرامش در کنار تلاش مستمر برای رشد و پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند به انسان‌ها کمک کند تا در مواجهه با چالش‌ها، هم امید به نیروهای فراتر را حفظ کنند و هم مسئولیت تصمیمات و اعمال خود را بپذیرند.

است، بخشی از قیمتی که برای رسیدن به آینده‌ای بهتر پرداخت می‌کنی. اما آیا می‌شود دلتنگی برای آغوشی که دیگر نیست، یا خاکی که دور شده، از بین برود؟ شاید نه. اما در مهاجرت یاد می‌گیری قوی باشی. یاد می‌گیری که دلتنگی را مثل دوستی قدیمی بپذیری. دلتنگی برای عزیزانی که فاصله‌ای دور آن‌ها را از تو جدا کرده، یا برای وطنی که شاید هرگز به آن برنگردی.

مهاجرت، امید به ساختن آینده‌ای بهتر است، اما هرگز بدون هزینه نیست. هزینه‌اش دلتنگی است، غربت است، و گاهی اوقات اشک‌هایی که کسی جز دیوارها نمی‌بیند. با این حال، هر بار که به جایی می‌رسی، هر موفقیتی که به دست می‌آوری، حس می‌کنی بخشی از این مسیر دشوار ارزشش را داشت. وطن شاید از تو دور باشد، اما همیشه در قلب تو ردپای وطن خواهد ماند. هر جا که باشی، با هر زبانی که صحبت کنی، خاطرات وطن مثل گنجینه‌ای در وجودت باقی می‌ماند.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ن	ه	ا	و	ا	گ	ی	ر	و	ن	ی	ا	ک	ا	م
ا	ی	ن	ا	ن	ا	ن	و	ج	ا	ن	ا	ی	ا	ر
ت	ی	ا	ر	ب	ی	م	ا	ن	ا	ش	ل	ا	ی	ت
ن	ا	ر	ا	س	ل	ی	ل	م	د	ا	و	ا	ن	ا
ه	ن	م	ا	م	ه	ت	ر	ی	د	ر	ا	ی	ن	ا
ا	ی	س	ا	ک	و	س	ر	د	م	ب	د	ا	ی	ن
ی	ن	ا	ر	ب	ن	خ	ش	ن	و	د	د	ی	ش	ا
ا	ی	ک	ا	ن	ک	و	ت	ا	ر	ا	ه	ا	د	ی
س	ا	ج	ا	س	ا	ر	ا	ر	ا	ل	و	ا	ر	ا
ت	ن	ب	ر	ر	ه	ی	س	ر	ر	ی	ب	ا	ی	ن
ی	ا	ر	ا	ز	ی	ج	و	ل	ا	ن	ا	ش	ا	ی
م	س	و	د	ه	ب	غ	ا	ب	ا	د	ب	ا	ی	ن
ا	س	ا	س	ا	ب	ا	ت	و	م	م	ی	خ	ک	ا
ا	ه	ر	ا	ک	ر	ا	ن	ب	ی	د	ل	ا	ی	ن
ت	ا	ر	ی	ر	ی	م	ی	ک	ت	ک	ه	ن	ا	ن

مسئله قسمت و تقدیر از دیرباز یکی از موضوعات اساسی در تفکر و اعتقادات بشری بوده است. انسان‌ها همواره به دنبال فهم ارتباط میان تلاش‌های فردی، انتخاب‌های شخصی، و نیرویی فراتر که سرنوشت آنها را شکل می‌دهد، بوده‌اند. این مفاهیم نه تنها در باورهای مذهبی و فلسفی بلکه در زندگی روزمره و فرهنگ عامه نیز جایگاه ویژه‌ای دارند.

تعریف قسمت و تقدیر

قسمت: در باورهای عمومی، قسمت به معنای بخشی از سرنوشت انسان است که از پیش تعیین شده و به نوعی به انسان تعلق دارد. این مفهوم بیشتر جنبه شخصی و منحصر به فرد دارد.

تقدیر: به‌طور کلی، تقدیر به معنای سرنوشت کلی و برنامه‌ای است که برای زندگی و جهان از پیش نوشته شده است. این مفهوم معمولاً گسترده‌تر و شامل قوانین کیهانی می‌شود.

قسمت و تقدیر در فلسفه

فلسفه یونان باستان: فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو به نقش نیروهای خارجی و انتخاب‌های انسانی در سرنوشت اشاره کرده‌اند. افلاطون معتقد بود که روح انسان پیش از تولد سرنوشت خود را انتخاب می‌کند.

فلسفه شرقی: در فلسفه‌های هندی و بودایی، تقدیر به قانون کارما مرتبط است. اعمال گذشته، حال و آینده انسان را شکل می‌دهد و سرنوشت او را تعیین می‌کند. **نمونه‌ای از تأثیر باور به قسمت و تقدیر:** فرض کنید فردی به دلیل شرایط دشوار

مهاجرت و دلتنگی

گلنار

مهاجرت سفری است که با هر قدم، بخشی از قلبت را در خانه جا می‌گذاری. داستانی است از رفتن‌ها و ماندن‌ها، از خداحافظی‌هایی که نه پایان دارند و نه آغاز مشخصی. رفتن از جایی که روزگاری خانه‌ات بوده، و ماندن در جایی که هنوز آن را "وطن" نمی‌نامی. مهاجرت یعنی بستن چمدانی از خاطرات، بوی آشنا، و صداهایی که در آن خانه قدیمی پیچیده بود. یعنی دل‌کندن از آغوش گرم خانواده و قدم‌زدن در خیابان‌هایی که دیگر صدای تو را نمی‌شنوند. زمانی که برای اولین بار قدم از خانه بیرون می‌گذاری، حس می‌کنی زندگی دو پاره شده است: قسمتی که در گذشته باقی مانده و قسمتی که هنوز نمی‌دانی چه شکلی خواهد بود.

دلتنگی، همسفر همیشگی مهاجرت است. شب‌های غربت، پر از دلتنگی‌هایی است که حتی کلمات نمی‌توانند آن را توصیف کنند. دلتنگی برای لحظه‌هایی که بی‌دغدغه در کنار خانواده می‌نشستی و دنیا را با خنده‌هایشان روشن‌تر می‌دید. برای کوچه‌ای که هر گوشه‌اش پر از یادگاری‌هاست. حالا در این غربت، سکوت شب‌های طولانی، جای آن خنده‌ها را گرفته است. در این سرزمین جدید، همه چیز رنگ دیگری دارد. زبان، آداب، و حتی نور خورشید انگار غریب‌اند.

وطن، چیزی فراتر از یک خاک یا مرز است. وطن، همان لبخندهایی است که تو را به یاد کودکی می‌اندازد، همان غذایی است که بوی آن زخم دلتنگی‌ها را التیام می‌بخشد، و همان آهنگی است که تو را به هزار خاطره می‌برد. وطن همان کوچه‌ای است که عطر نان تازه‌اش بیدارت می‌کرد. همان خیابانی است که بارها از آن گذشتی و حالا جای خالی تو را حس می‌کند. بوی باران بر خاک خشک، و آسمانی که ستاره‌هایش انگار مهربان‌تر می‌درخشیدند.

مهاجرت، غریب بودن است در میان آدم‌هایی که زبانشان آشنا نیست، لبخندهایشان غریبه‌اند، و فرهنگشان مثل سایه‌ای دور از دسترس است. حتی وقتی زبانشان را یاد می‌گیری و خنده‌هایشان را می‌فهمی، باز هم در عمق وجودت، حس می‌کنی بخشی از تو برای همیشه جا مانده است.

در این غربت، یاد گرفته‌ای که قوی باشی. یاد گرفته‌ای که دلتنگی بخشی از سفر

باعث شده‌اند که رنگ آبی به یکی از پرکاربردترین رنگ‌ها در هنر، طراحی و دکوراسیون داخلی تبدیل شود.

روانشناسی رنگ آبی: رنگ آبی اغلب با آرامش، اعتماد و تفکر مرتبط است، این رنگ آرامش‌بخش و خنک می‌تواند ضربان قلب را کاهش دهد و استرس را کم کند. آبی در فضاهایی که نیاز به تمرکز و آرامش دارند، مانند اتاق مطالعه یا دفتر کار، بسیار مؤثر است. همچنین، بسته به تناژ رنگ آبی، تأثیرات آن در فضا و بر روی افراد متفاوت است. آبی‌های روشن می‌توانند حس طراوت و نشاط را القا کنند، در حالی که آبی‌های



تیره‌تر حس رسمیت و عمق تفکر را ایجاد می‌کنند. قرار گرفتن در محیط‌های آبی می‌تواند تمایل به تفکر و تمرکز را افزایش دهد. آبی همچنین حس امنیت و اعتماد را منتقل می‌کند، به همین دلیل در محیط‌های رسمی یا مکان‌های عمومی مانند بانک‌ها به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود.

ویژگی‌های شخصیتی افرادی که به رنگ آبی علاقه دارند: افرادی که به رنگ آبی علاقه‌مند هستند، اغلب شخصیتی آرام و متفکر دارند. آبی رنگی است که با آرامش، اعتماد و ثبات ارتباط دارد، و کسانی که آن را می‌پسندند، معمولاً به ایجاد هماهنگی در روابط و محیط اطراف خود اهمیت می‌دهند.

برخی دیگر از ویژگی‌های رایج علاقه‌مندان به رنگ آبی

آرام و صلح‌جو: افرادی که به آبی علاقه دارند، معمولاً آرامش‌طلب هستند و محیط‌های



آرام را ترجیح می‌دهند. آنها اغلب از نظر عاطفی متعادل بوده و از درگیری‌های بی‌مورد دوری می‌کنند. قابل اعتماد و صادق: علاقه‌مندان به آبی به دلیل صداقت و قابل اعتماد بودن شناخته می‌شوند. دیگران به راحتی به آنها اعتماد کرده و رازهای خود را با آنها در میان می‌گذارند.

همدل و دلسوز: این افراد معمولاً با احساسات دیگران همدلی کرده و به آنها اهمیت می‌دهند. آنها

تمایل دارند به دیگران کمک کنند و روابط انسانی را تقویت کنند. متفکر و تأمل‌گرا: دوستداران آبی اغلب درون‌گرا و متفکر هستند. آنها از گفتگوهای عمیق لذت می‌برند و وقت خود را به بررسی احساسات و تصمیماتشان اختصاص می‌دهند. منظم و ساختارمند: حس نظم و ترتیب مرتبط با رنگ آبی معمولاً در شخصیت این افراد نیز منعکس می‌شود. آنها از برنامه‌ریزی، نظم و ثبات در زندگی خود استقبال می‌کنند. خلاقیت: با این که آبی نماد آرامش است، اما الهام‌بخش خلاقیت نیز می‌باشد. بسیاری از کسانی که به این رنگ علاقه دارند، به‌طور طبیعی به هنر یا ایده‌های نوآورانه گرایش دارند.

در مجموع، افرادی که رنگ آبی را می‌پسندند، معمولاً دلسوز، قابل اعتماد و متفکر هستند، آنها به نظم و امنیت اهمیت می‌دهند. در روابط شخصی و حرفه‌ای وفادار و همراهان خوبی محسوب می‌شوند. رنگ آبی با طیف‌های مختلف خود، تأثیرات متفاوتی بر فضا و احساسات افراد دارد و در طراحی داخلی کاربردهای زیادی دارد. آبی با ویژگی‌هایی چون آرامش، اعتماد و تمرکز، برای فضاهای نیازمند به تفکر و آرامش ایده‌آل است. همچنین، این رنگ نماد صداقت، همدلی و خلاقیت است و در ایجاد فضاهای هماهنگ و متعادل مؤثر است. با من همراه باشید تا در مقاله بعد درباره کاربردهای رنگ آبی در فضاهای مختلف و نکات استفاده از آن در طراحی داخلی بیشتر صحبت کنیم.



ساخت و اجرای طراحی دکوراسیون



هستی موسوی
طراح دکوراسیون داخلی

hastidesign99@gmail.com

رنگ آبی در طراحی داخلی: طیف‌ها، کاربردها و روانشناسی

رنگ آبی به دلیل طیف‌های مختلف و تأثیرات روانشناسی اش، یکی از پرطرفدارترین رنگ‌ها در طراحی داخلی است و جایگاه ویژه‌ای در بین طراحان داخلی برای ایجاد فضاهای زیبا و دلنشین دارد. این رنگ نمادی از آرامش، اعتماد، و ثبات است و بسته به طیف مورد استفاده، می‌تواند حس‌های مختلفی در فضا ایجاد کند. در این مقاله، به بررسی طیف‌های رنگ آبی، ویژگی‌های روانشناسی این رنگ، شخصیت افرادی که به این رنگ علاقه دارند، خواهیم پرداخت.



طیف‌های مختلف رنگ آبی و کاربرد آنها: رنگ آبی طیف گسترده‌ای دارد که از رنگ‌های روشن و ملایم پاستلی گرفته تا تن‌های عمیق و دراماتیک که هر کدام ویژگی‌ها و احساسات متفاوتی را به فضا و به شخص منتقل می‌کنند.

آبی‌های روشن: رنگ‌هایی مانند آبی یخی و آبی آسمانی حس آرامش و تازگی را القا می‌کنند و فضا را بزرگ‌تر و بازتر نشان می‌دهند. این رنگ‌ها برای اتاق خواب، فضاهای کوچک یا محیط‌هایی که نیاز به نور بیشتر دارند، عالی هستند. ترکیب این رنگ‌ها با رنگ‌های ملایم دیگر، مانند سفید، فضایی روشن و دلنشین می‌سازد.

آبی‌های متمایل به سبز: رنگ‌هایی مثل آبی فیروزه‌ای و آبی فیلی حس طراوت و تازگی دارند و فضای شاد و آرامش‌بخشی ایجاد می‌کنند.

این رنگ‌ها برای فضاهای مانند حمام یا اتاق‌های نشیمن مناسب هستند. این رنگ‌ها وقتی با رنگ‌های روشن ترکیب شوند، فضایی دلپذیری به وجود می‌آورند.

آبی‌های تیره: رنگ‌هایی مانند سورمه‌ای و آبی سلطنتی

حس وقار و رسمی بودن ایجاد می‌کنند و فضای رسمی و شیک به محیط می‌دهند. این رنگ‌ها معمولاً برای فضاهایی که نیاز به جذابیت و قدرت دارند، مانند اتاق‌های کار یا پذیرایی مناسب هستند. ترکیب این رنگ‌ها با رنگ‌های روشن مانند سفید یا کرم می‌تواند تعادلی جذاب و چشم‌نواز ایجاد کند و فضا را از یکنواختی دریاورد.

آبی‌های متمایل به خاکستری: این طیف که رنگ‌هایی مثل آبی طوسی را شامل می‌شود، حس آرامش و ظرافت ایجاد می‌کنند. این رنگ‌ها برای فضاهای مدرن، اتاق‌های نشیمن و محیط‌های کاری با دکوراسیون ساده و مینیمالیستی مناسب هستند. آبی‌های متمایل به خاکستری در کنار رنگ‌های خنثی دیگر مانند خاکستری روشن یا بژ، فضایی هماهنگ و متعادل را ایجاد می‌کنند.

آبی‌های پررنگ: مانند آبی کبالت و یاقوتی حس قدرت و شکوه ایجاد می‌کنند و فضای لوکس و خاصی به محیط می‌بخشند. این رنگ‌ها برای اتاق نشیمن، اتاق خواب و دفتر کار مناسب هستند و ترکیب این رنگ‌ها با رنگ‌های روشن مانند سفید یا عناصر طبیعی مانند چوب، تعادلی زیبا و دلنشین در فضا ایجاد می‌کند.

هر یک از طیف‌های آبی ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارند. همین ویژگی‌ها

برده‌داری در آمریکا: از تاریخ تا تأثیرات معاصر

وحید سیروس

برده‌داری یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ بشریت است که در ایالات متحده



به شکلی نظام‌مند و گسترده اجرا شد. این پدیده نه تنها به معنای بهره‌کشی از انسان‌ها برای سود اقتصادی بود، بلکه تأثیری عمیق بر ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آمریکا گذاشت. با وجود لغو رسمی

برده‌داری در قرن نوزدهم، ردپای آن همچنان در نژادپرستی ساختاری و رفتارهای تبعیض‌آمیز امروز مشاهده می‌شود.

تاریخچه برده‌داری در آمریکا: برده‌داری در آمریکا از اوایل قرن هفدهم آغاز شد، زمانی که اولین آفریقایی‌ها به عنوان برده به مستعمره ویرجینیا آورده شدند. این نظام به سرعت رشد کرد و به یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشاورزی جنوب تبدیل شد. مزارع وسیع تولید پنبه، تنباکو و شکر به نیروی کار ارزان و بی‌حقوق نیاز داشتند، و برده‌داری پاسخ به این نیاز بود. قانونی شدن تجارت برده‌ها در اقیانوس اطلس به معنای انتقال میلیون‌ها انسان آفریقایی به آمریکا بود. این انسان‌ها در شرایط وحشتناکی به کشتی‌ها منتقل می‌شدند و بسیاری از آنها در طول سفر جان خود را از دست می‌دادند. پس از رسیدن به آمریکا، زندگی بردگان با کار سخت، خشونت، و از دست دادن هرگونه حق انسانی تعریف می‌شد. برده‌داری در سال ۱۸۶۵ و با تصویب اصلاحیه سیزدهم قانون اساسی آمریکا لغو شد.

دنیاله مطلب در صفحه ۵۶

در سیستم قضایی و اقتصادی آمریکاست.

پیامدهای اخلاقی: منتقدان این سیستم معتقدند که استفاده از کار زندانیان در شرایطی که حقوق و مزایای منصفانه‌ای به آنها ارائه نمی‌شود، شکلی از برده‌داری مدرن است.

استفاده از نیروی کار زندانیان، اگرچه به عنوان ابزاری برای بازپروری و کاهش هزینه‌ها معرفی می‌شود، اما در واقع سیستمی است که بهره‌کشی و بی‌عدالتی را تقویت می‌کند. برای اصلاح این وضعیت، نیاز به تغییرات عمیق در قوانین، سیاست‌ها، و نگرش عمومی وجود دارد. تنها از طریق ایجاد شفافیت و ارائه حقوق عادلانه به زندانیان می‌توان از سوءاستفاده در این سیستم جلوگیری کرد و به سوی جامعه‌ای منصفانه‌تر حرکت کرد.

برخی از شرکت‌های بزرگ که به‌صورت مستقیم یا از طریق پیمانکاران خود از نیروی کار زندانی استفاده می‌کنند عبارتند از:

والمارت: برخی از تأمین‌کنندگان این شرکت از نیروی کار زندانی برای بسته‌بندی کالاها و پاک‌سازی بارکد محصولات بازگشتی استفاده می‌کنند. این فعالیت‌ها معمولاً به‌صورت داوطلبانه و در قالب برنامه‌های توان‌بخشی زندانیان انجام می‌شود.

مک‌دونالدز و ون‌دیز: گزارش‌ها نشان داده‌اند که از نیروی کار زندانی برای فرآوری گوشت گاو و سایر محصولات غذایی این رستوران‌های زنجیره‌ای استفاده شده است. این کارها معمولاً از طریق پیمانکاران انجام می‌شود.

استارباکس: این شرکت در گذشته از نیروی کار زندانی برای بسته‌بندی قهوه، به‌ویژه در فصل‌های پر فروش، استفاده کرده است.

شرکت‌های مخابراتی مانند Verizon و Sprint: این شرکت‌ها از زندانیان برای ارائه خدمات مشتریان در مراکز تماس استفاده کرده‌اند.

Whole Foods: در گذشته از نیروی کار زندانی برای تأمین ماهی و پنیر استفاده می‌کرد، اما این شرکت پس از انتقادات عمومی، این عمل را متوقف کرده است.

این اقدامات معمولاً به عنوان راهی برای کاهش هزینه‌ها و ارائه مهارت‌های شغلی به زندانیان توجیه می‌شوند، اما همچنان بحث‌هایی در مورد شفافیت و عدالت در این فرآیندها وجود دارد. برای اطلاعات بیشتر، می‌توانید منابع مرتبط مانند PolitiFact و Market Realist را بررسی کنید.

بیزینس‌هایی که از نیروی کار زندانیان استفاده می‌کنند:

تاریخچه، سیستم و پیامدها

سولماز مولوی

استفاده از نیروی کار زندانیان در ایالات متحده موضوعی بحث‌برانگیز است که ریشه‌های عمیقی در تاریخ این کشور دارد. بسیاری از شرکت‌های بزرگ از نیروی

کار زندانیان بهره می‌برند، که هزینه‌ای بسیار کمتر از نیروی کار آزاد برای آنها دارد. اگرچه این سیستم اغلب به عنوان فرصتی برای بازپروری زندانیان توجیه می‌شود، اما منتقدان معتقدند که این نوع کار اجباری شکلی از برده‌داری مدرن است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی گسترده‌ای دارد.



ریشه‌های تاریخی استفاده از نیروی کار زندانیان: پس از لغو رسمی برده‌داری در سال ۱۸۶۵، سیستم "قرارداد کار زندانیان" (Convict Leasing) در جنوب ایالات متحده به عنوان جایگزینی برای برده‌داری آغاز شد. ایالت‌ها زندانیان را به شرکت‌ها یا مزارع خصوصی اجاره می‌دادند، و این زندانیان تحت شرایط وحشتناکی کار می‌کردند. این سیستم به‌طور خاص علیه سیاه‌پوستان طراحی شده بود و بسیاری از آنها به دلایل واهی دستگیر می‌شدند تا به این چرخه وارد شوند. با گذشت زمان، سیستم زندان در آمریکا به یک صنعت بزرگ تبدیل شد، که نه تنها هدف آن اصلاح زندانیان بود، بلکه منافع اقتصادی عظیمی نیز برای دولت و شرکت‌ها فراهم می‌کرد.

بیزینس‌های بزرگ و مشارکت در کار زندانیان: امروزه، بسیاری از شرکت‌های بزرگ در ایالات متحده از نیروی کار زندانیان استفاده می‌کنند. این زندانیان در صنایع مختلفی از جمله تولید، بسته‌بندی، کشاورزی، و حتی فناوری به کار گرفته می‌شوند. برخی از این شرکت‌ها عبارتند از:

شرکت‌های تولیدی و خرده‌فروشی: زندانیان اغلب در تولید محصولات برای برندهای معروف، بسته‌بندی کالا، و مونتاژ قطعات الکترونیکی شرکت می‌کنند. هزینه پرداختی به این زندانیان معمولاً بین ۰.۲۵ تا ۲ دلار در ساعت است، که در مقایسه با حداقل دستمزد قانونی، بسیار پایین‌تر است.

بخش کشاورزی: در برخی ایالت‌ها، زندانیان در مزارع برای برداشت محصولات کشاورزی به کار گرفته می‌شوند. این نوع کار اغلب با شرایط سخت و بدون حمایت‌های قانونی انجام می‌شود.

شرکت‌های فناوری: برخی شرکت‌های فناوری از زندانیان برای بازیافت وسایل الکترونیکی استفاده می‌کنند. این کار نه تنها هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه به شرکت‌ها کمک می‌کند تا ظاهر "دوستدار محیط‌زیست" به خود بگیرند.

نقش دولت در این سیستم: سیستم زندان‌های آمریکا به گونه‌ای طراحی شده است که اقتصاد آن به نیروی کار زندانیان وابسته باشد. زندانیان نه تنها در کارهای صنعتی و تولیدی شرکت می‌کنند، بلکه بسیاری از خدمات عمومی مانند تعمیر جاده‌ها، جمع‌آوری زباله، و حتی مقابله با آتش‌سوزی‌های جنگلی نیز توسط آنها انجام می‌شود. یکی از عوامل کلیدی که این سیستم را تقویت می‌کند، قانون اصلاحیه سیزدهم است. اگرچه این اصلاحیه برده‌داری را ممنوع کرد، اما کار اجباری زندانیان را به عنوان یک استثنا مجاز دانست. این خلأ قانونی باعث شده است که زندانیان به‌عنوان منبعی ارزان و بی‌حقوق برای نیروی کار مورد استفاده قرار گیرند.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

استفاده از نیروی کار زندانیان تأثیرات گسترده‌ای دارد:

پیامدهای اقتصادی: شرکت‌ها با استفاده از نیروی کار زندانیان، هزینه‌های تولید را به شدت کاهش می‌دهند، که به نفع سودآوری آنهاست. اما این موضوع به ضرر نیروی کار آزاد است، زیرا فرصت‌های شغلی و دستمزدهای منصفانه را کاهش می‌دهد.

پیامدهای اجتماعی: این سیستم به تقویت چرخه فقر و تبعیض کمک می‌کند. بسیاری از زندانیان از اقلیت‌های قومی هستند، و این نشان‌دهنده ادامه نژادپرستی ساختاری

MINDFUL YOGA
Group



Maryam Salari

مریم سالاری

مربی «یوگا و مدیتیشن»

بدن تان را حرکت دهید و افکار تان را گسترش!

بگذارید با حرکات یوگا و نفس های عمیق انرژی شما بدرخشد و قدرت درونی خود را پیدا کنید.

مدیتیشن را بیاموزید و زندگی خود را متحول کرده و آرامش را تجربه کنید.

با شرکت در کلاس های آنلاین «یوگا و مدیتیشن» از طریق زوم (ZOOM)،

با هر میزان تجربه و توانایی فیزیکی موارد بالا را تجربه کنید.

برای اطلاعات بیشتر از نحوه مشارکت در این کلاس و سایر کلاس ها، با شماره تلفن و یا از طریق وب سایت تماس بگیرید!

(408) 802-8882

<http://www.mindfullyogagroup.com>



حسن لشگری

Pine Press Printing and Copying

با مدیریت ایرانی به همراه کادری مجرب و با داشتن پیشرفته ترین دستگاه های چاپ و ارائه بهترین سرویس در کلیه امور چاپی برای هموطنان عزیز

- ◆ Self & Full Service Copying
- ◆ Perfect Binding
- ◆ Tape Binding
- ◆ Laminating
- ◆ GBC Binding
- ◆ Wire-O-Binding
- ◆ Saddle Sticking
- ◆ Graphics Services
- ◆ Fold, Perf & Scoring



- ◆ Manuals
- ◆ Data Sheets
- ◆ General Printing
- ◆ Newsletters
- ◆ Catalogs
- ◆ Invoices
- ◆ Business Cards
- ◆ Letterhead
- ◆ Presentation

Tel: **(408) 730-2552**

info@pinepress.com

Fax: **(408) 773-1000**

www.pinepress.com

Serving our clients since 1985

با بیش از ۳۳ سال تجربه

1330 S. Mary Ave., Sunnyvale, CA 94087

تاریخچه انار و خواص آن

کیانو پرویزی

تاریخچه انار: انار یکی از قدیمی ترین میوه‌های کشت شده توسط انسان است و قدمتی بیش از ۴۰۰۰ سال دارد. این میوه بومی مناطق خاورمیانه، ایران و شمال هند است و از دیرباز به دلیل ظاهر زیبا و خواص درمانی‌اش در فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف جایگاه



ویژه‌ای داشته است. در اساطیر یونان، انار نماد عشق، باروری و زندگی بود. در ایران باستان، انار به‌عنوان نمادی از جاودانگی و برکت شناخته می‌شد و اغلب در جشن‌های سنتی مانند شب یلدا به کار می‌رفت. نقوش انار در هنر معماری و صنایع دستی ایران نیز بسیار دیده می‌شود، به‌ویژه در فرش‌ها و کاشی‌کاری‌های سنتی. انار از طریق جاده ابریشم به نقاط مختلف جهان از جمله چین و اروپا منتقل شد و در بسیاری از فرهنگ‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در ایتالیا به نماد ثروت و در اسپانیا به نام شهر «گرانادا» شناخته می‌شود.

خواص انار

سرشار از آنتی‌اکسیدان‌ها: انار حاوی پلی‌فنول‌ها و فلاونوئیدها است که از سلول‌ها در برابر آسیب رادیکال‌های آزاد محافظت می‌کنند و باعث کاهش التهاب در بدن می‌شوند.

کمک به سلامت قلب و عروق: مصرف منظم آب انار به کاهش فشار خون و کلسترول بد (LDL) کمک می‌کند. همچنین، آنتی‌اکسیدان‌های موجود در انار باعث جلوگیری از تشکیل پلاک‌های چربی در شریان‌ها می‌شوند.

تقویت سیستم ایمنی: انار سرشار از ویتامین C است که باعث تقویت سیستم ایمنی بدن و مقابله با بیماری‌ها می‌شود.

خاصیت ضدسرطانی: مطالعات نشان داده‌اند که ترکیبات موجود در انار می‌توانند رشد سلول‌های سرطانی به‌ویژه در سرطان پروستات و سینه را مهار کنند.

سلامت پوست: انار به دلیل داشتن ویتامین‌های A، E و C به ترمیم و جوان‌سازی پوست کمک می‌کند. روغن هسته انار نیز برای کاهش چین‌وچروک و حفظ رطوبت پوست مؤثر است.

کمک به هضم غذا: دانه‌ها و آب انار حاوی فیبر هستند که به بهبود عملکرد دستگاه گوارش و جلوگیری از یبوست کمک می‌کنند.

تنظیم قند خون: مصرف انار می‌تواند حساسیت به انسولین را افزایش داده و قند خون را در سطح متعادل نگه دارد.

سلامت مفاصل: ترکیبات ضدالتهابی موجود در انار می‌توانند به کاهش درد و التهاب ناشی از آرتریت کمک کنند.

تقویت حافظه: مطالعات نشان داده‌اند که مصرف انار می‌تواند به بهبود حافظه و کاهش خطر ابتلا به بیماری آلزایمر کمک کند.

شیوه‌های مصرف انار

♦ مصرف تازه به‌صورت دانه‌های انار

♦ آب انار

♦ افزودن به سالاد یا غذاهای مختلف

♦ تهیه رب انار برای استفاده در غذاهایی مانند فسنجان

انار نه تنها یک میوه زیبا و خوش طعم است، بلکه به دلیل خواص بی‌شمارش برای سلامت بدن، از گذشته تاکنون جایگاه مهمی در تغذیه و درمان داشته است. مصرف این میوه نه تنها بدن را تقویت می‌کند، بلکه به پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها کمک می‌کند.

بلوبری: دارای خواص آنتی‌اکسیدانی بسیار قوی است. بلوبری به بهبود حافظه و سلامت مغز کمک می‌کند.

سیب‌زمینی شیرین: منبع خوبی از ویتامین A و فیبر است. سیب‌زمینی شیرین به بهبود قند خون و سلامت قلب کمک می‌کند.

لیچی: غنی از ویتامین C و آنتی‌اکسیدان‌ها است. لیچی به تقویت سیستم ایمنی و بهبود سلامت پوست کمک می‌کند.

نارنج: منبع غنی از ویتامین C و فیبر است. مصرف نارنج به بهبود هضم و تقویت سیستم ایمنی کمک می‌کند.

۳۰ میوه و خواص شگفت‌انگیز آن‌ها

کیانو پرویزی

سیب: سرشار از فیبر و ویتامین C است. مصرف سیب می‌تواند به بهبود سلامت قلب کمک کند.

موز: منبع عالی پتاسیم و ویتامین B۶ است. موز به کاهش استرس و افزایش انرژی کمک می‌کند.

توت فرنگی: غنی از آنتی‌اکسیدان‌ها و ویتامین C است. مصرف توت‌فرنگی می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کند.

انار: دارای خواص ضد التهابی و آنتی‌اکسیدانی است. مصرف انار می‌تواند به سلامت قلب و عروق کمک کند.

پرتقال: منبع غنی ویتامین C و فیبر است. مصرف پرتقال به بهبود جذب آهن و تقویت سیستم ایمنی کمک می‌کند.

کیوی: سرشار از ویتامین C و E است. کیوی به بهبود هضم و سلامت پوست کمک می‌کند.

آووکادو: منبع خوبی از چربی‌های سالم و ویتامین K است. آووکادو به بهبود سلامت قلب و کاهش التهاب کمک می‌کند.

توت: غنی از ویتامین C و فیبر است. توت‌ها به بهبود حافظه و سلامت مغز کمک می‌کنند.

هندوانه: دارای آب و الکترولیت‌های زیاد است. هندوانه به هیدراته نگه داشتن بدن و کاهش التهاب کمک می‌کند.

انگور: سرشار از آنتی‌اکسیدان‌ها و ویتامین K است. مصرف انگور می‌تواند به بهبود سلامت قلب و کاهش خطر بیماری‌ها کمک کند.

چای سبز: غنی از آنتی‌اکسیدان‌ها است. می‌تواند به کاهش وزن و بهبود متابولیسم کمک کند.

لیمو: منبع عالی ویتامین C و آنتی‌اکسیدان است. مصرف لیمو به بهبود هضم و سم‌زدایی بدن کمک می‌کند.

گریپ‌فروت: دارای خواص ضد التهابی و غنی از ویتامین C است. مصرف گریپ‌فروت می‌تواند به کاهش وزن و بهبود سطح کلسترول کمک کند.

شلیل: منبع خوبی از ویتامین A و C است. شلیل به بهبود سلامت پوست و بینایی کمک می‌کند.

خرمالو: غنی از ویتامین A و فیبر است. خرمالو به بهبود سلامت گوارش و بینایی کمک می‌کند.

گلابی: سرشار از فیبر و ویتامین C است. مصرف گلابی به بهبود هضم و سلامت قلب کمک می‌کند.

آلبالو: دارای خواص ضد التهابی و غنی از آنتی‌اکسیدان‌ها است. آلبالو به بهبود خواب و کاهش استرس کمک می‌کند.

زردآلو: منبع خوبی از ویتامین A و C است. زردآلو به بهبود سلامت پوست و بینایی کمک می‌کند.

انجیر: سرشار از فیبر و مواد معدنی است. مصرف انجیر به بهبود سلامت گوارش و کنترل قند خون کمک می‌کند.

پاپایا: غنی از ویتامین C و آنزیم‌های هضمی است. پاپایا به بهبود هضم و سلامت پوست کمک می‌کند.

خریزه: سرشار از آب و ویتامین C است. خربزه به هیدراته نگه داشتن بدن و بهبود پوست کمک می‌کند.

توت سیاه: غنی از ویتامین C و آنتی‌اکسیدان‌ها است. توت سیاه به تقویت سیستم ایمنی و بهبود سلامت قلب کمک می‌کند.

پسته: منبع خوبی از پروتئین و چربی‌های سالم است. مصرف پسته به بهبود سلامت مغز و کاهش وزن کمک می‌کند.

نارگیل: غنی از چربی‌های سالم و فیبر است. نارگیل به بهبود هضم و سلامت قلب کمک می‌کند.

کدو حلوايي: منبع خوبی از ویتامین A و فیبر است. کدو حلوايي به بهبود بینایی و سلامت گوارش کمک می‌کند.

گلابی: سرشار از فیبر و ویتامین C است. مصرف گلابی به بهبود هضم و سلامت قلب کمک می‌کند.

چرا نباید دیگران، به ویژه فرزندانمان، را با یکدیگر مقایسه کنیم؟

سهند وکیلی



فاصله می‌تواند به کاهش اعتماد و صمیمیت بین والدین و فرزند منجر شود و روابط خانوادگی را تضعیف کند.

عدم درک منحصر به فرد بودن افراد: هر فرد دارای ویژگی‌ها و استعدادها خاص خود است. مقایسه کردن کودکان باعث می‌شود که والدین به جای تمرکز بر نقاط قوت و قابلیت‌های خاص فرزند خود، تنها بر ضعف‌ها یا کمبودهای او تمرکز کنند. این رفتار مانع از رشد و پیشرفت طبیعی کودک می‌شود.

تأثیرات مخرب بر سلامت روانی: مطالعات نشان داده‌اند که مقایسه‌های مکرر می‌توانند منجر به مشکلات روانی نظیر اضطراب، استرس، افسردگی، و کاهش خودباوری شوند. کودکانی که دائماً با دیگران مقایسه می‌شوند، بیشتر در معرض مشکلات روانی قرار دارند.

کاهش انگیزه و اشتیاق به پیشرفت: در حالی که برخی والدین تصور می‌کنند که مقایسه می‌تواند انگیزه‌بخش باشد، در واقع این رفتار اغلب نتیجه معکوس دارد. کودکان ممکن است به دلیل حس ناکافی بودن، علاقه خود را به تلاش و پیشرفت از دست بدهند و به جای آن دچار انفعال یا بی‌تفاوتی شوند.

تضعیف روابط اجتماعی: کودکانی که مقایسه می‌شوند، ممکن است به دلیل حسادت یا رقابت ناسالم با دیگران، روابط دوستانه یا اجتماعی خوبی نداشته باشند. آنها ممکن است از دیگران فاصله بگیرند یا به دلیل احساس کینه و نابرابری، نتوانند ارتباطات سالمی برقرار کنند.

راهکارهایی برای اجتناب از مقایسه

تمرکز بر نقاط قوت فردی: به جای مقایسه، بر نقاط قوت و توانایی‌های منحصر به فرد کودک خود تمرکز کنید و او را برای تلاش‌هایش تشویق کنید.

پذیرش تفاوت‌ها: درک کنید که هر انسان متفاوت است و این تفاوت‌ها ارزشمند هستند. مقایسه کردن افراد شبیه به این است که سیب و پرتقال را مقایسه کنیم، هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند.

ایجاد فضای امن: به کودکان اجازه دهید که احساسات و نظرات خود را بدون ترس از قضاوت بیان کنند. این کار به تقویت اعتماد به نفس و رشد سالم شخصیت آنها کمک می‌کند.

الگوی مثبت باشید: والدین باید خود نیز از مقایسه کردن با دیگران اجتناب کنند. اگر والدین به جای رقابت با دیگران بر رشد و پیشرفت خود تمرکز کنند، این رفتار به فرزندان نیز منتقل می‌شود.

تمرین قدردانی: به کودکان یاد بدهید که قدردان ویژگی‌ها و موفقیت‌های خود باشند و دیگران را به خاطر تفاوت‌هایشان تحسین کنند.

مقایسه کردن افراد، به ویژه کودکان، رفتاری مخرب است که می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر روان، شخصیت، و روابط آنها بگذارد. والدین و اطرافیان باید با درک اهمیت منحصر به فرد بودن هر فرد و پرهیز از مقایسه‌های غیرمنصفانه، محیطی امن و حمایت‌کننده برای رشد و شکوفایی فرزندان فراهم کنند. به یاد داشته باشیم که هر کودک گوهری یکتا است که با درخشش خاص خود می‌تواند جهان را زیباتر کند.

مقایسه کردن افراد با یکدیگر، به ویژه کودکان، یکی از رفتارهایی است که متأسفانه در بسیاری از جوامع و خانواده‌ها رواج دارد. این عمل که گاهی از سر ناآگاهی یا با نیت تشویق انجام می‌شود، در واقع پیامدهای منفی بسیاری بر شخصیت، اعتماد به نفس، و روابط اجتماعی فرد دارد. در این مطلب، به بررسی علل مخرب بودن مقایسه و اثرات آن بر کودکان و دیگر افراد می‌پردازیم و توضیح می‌دهیم چرا باید از این رفتار اجتناب کرد.

مقایسه، اعتماد به نفس را نابود می‌کند: هر انسان منحصر به فرد است و ویژگی‌ها، استعدادها، و نقاط قوت خاص خود را دارد. وقتی کودکان با یکدیگر مقایسه می‌شوند، این پیام به آنها منتقل می‌شود که آن‌طور که هستند کافی نیستند و باید شبیه فرد دیگری باشند. این موضوع می‌تواند اعتماد به نفس آنها را به شدت کاهش دهد و باعث شود که خود را بی‌ارزش یا ناکارآمد احساس کنند.

ایجاد حس رقابت ناسالم: مقایسه باعث می‌شود کودک حس کند که همیشه باید بهتر از دیگران باشد تا مورد پذیرش یا توجه قرار گیرد. این رفتار به جای تقویت انگیزه، منجر به ایجاد رقابت ناسالم و حسادت می‌شود و روابط دوستانه یا خانوادگی او را خدشه‌دار می‌کند.

تقویت احساس گناه یا ناکامی: وقتی کودکی به خاطر عملکرد یا ویژگی‌هایش با دیگران مقایسه می‌شود، ممکن است دچار حس گناه یا ناکامی شود. او ممکن است احساس کند که به اندازه کافی خوب نیست یا نمی‌تواند انتظارات والدین را برآورده کند. این احساس می‌تواند به مرور زمان به افسردگی یا اضطراب منجر شود.

کاهش ارتباط سالم والدین و کودک: مقایسه‌های مکرر باعث می‌شود که کودک از والدین فاصله بگیرد و احساس کند که آنها او را نمی‌فهمند یا نمی‌پذیرند. این

Pouyan's music
Teaches piano & keyboard
Children & adults
Dj Pouyan
Live music
For all occasions
(925) 963-7982

با درج آگهی در نشریه پژواک،

پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408) 221-8624

پژواک، نشریه برگزیده شمال کالیفرنیا

آیا یک فرد افسرده می‌داند که افسرده است؟

اردلان یوسفی

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی در جهان است و تأثیرات عمیقی بر احساسات، افکار و رفتارهای فرد می‌گذارد. اما پرسش مهم این است: آیا فردی که از افسردگی رنج می‌برد، از این موضوع آگاه است؟ پاسخ به این پرسش به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله شدت افسردگی، آگاهی فرد از سلامت روان، و سطح حمایت اطرافیان.

درک علائم افسردگی: بسیاری از افراد افسرده ممکن است علائم خود را بشناسند، اما لزوماً آنها را به عنوان نشانه‌های افسردگی درک نکنند. این علائم شامل موارد زیر است:

- ◆ احساس غم یا ناامیدی مداوم
- ◆ کاهش انرژی و خستگی مفرط
- ◆ تغییرات در خواب (بی‌خوابی یا خواب بیش از حد)
- ◆ کاهش علاقه به فعالیت‌های لذت‌بخش
- ◆ کاهش تمرکز
- ◆ احساس بی‌ارزشی یا گناه شدید
- ◆ افکار خودکشی

گاهی این علائم می‌توانند با مشکلات روزمره یا استرس اشتباه گرفته شوند، به خصوص اگر فرد از سلامت روان و علائم اختلالات روانی آگاهی نداشته باشد.

افسردگی پنهان: وقتی فرد از وضعیت خود بی‌خبر است: برخی افراد ممکن است از افسردگی خود آگاه نباشند. این حالت به‌ویژه در موارد زیر شایع است:

عادی شدن علائم: اگر فرد برای مدت طولانی افسرده باشد، ممکن است علائم را به عنوان بخشی از شخصیت یا وضعیت طبیعی زندگی خود بپذیرد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

توسعه مهارت‌های حل مسئله: افراد باید یاد بگیرند که به جای تمرکز بر مشکلات، بر راه‌حل‌ها تمرکز کنند. پرورش این نگرش می‌تواند به کاهش شکایت و افزایش امیدواری منجر شود.

تقویت اعتمادبه‌نفس: ایجاد حس ارزشمندی و اعتمادبه‌نفس از طریق دستاوردهای کوچک، تعریف از خود، و قبول اشتباهات می‌تواند فرد را از نقش قربانی خارج کند. **درمان حرفه‌ای:** اگر این روحیه ریشه‌های عمیق روانی یا عاطفی دارد، مراجعه به یک روان‌شناس یا مشاور می‌تواند کمک‌کننده باشد. درمان شناختی-رفتاری (CBT) یکی از روش‌های مؤثر برای تغییر الگوهای فکری منفی است.

دوری از افراد منفی‌باف: افراد باید آگاهانه از کسانی که روحیه منفی را تقویت می‌کنند، فاصله بگیرند و به جای آن با افرادی ارتباط برقرار کنند که دیدگاه مثبت و حمایتی دارند.

زندگی در سایه نگرش منفی و شکایت مداوم، نه تنها بر کیفیت زندگی خود فرد، بلکه بر محیط و اطرافیان او نیز تأثیر منفی می‌گذارد. با این حال، هر فردی می‌تواند با تغییر نگرش، پذیرفتن مسئولیت و تمرکز بر راه‌حل‌ها، از این چرخه منفی خارج شود و زندگی شادتری را تجربه کند. در نهایت، انتخاب میان قربانی بودن یا قهرمان زندگی خود شدن، تصمیمی است که هر فرد باید بگیرد.

زندگی در سایه روحیه منفی و قربانی‌پنداری

یاشار خسروی

برخی از افراد، با دیدگاهی منفی به زندگی، روزهای خود را در چرخه‌ای از شکایت، سرزنش، و احساس قربانی بودن سپری می‌کنند. این افراد معمولاً خود را در مقابل دنیا و شرایط، بی‌دفاع و درمانده می‌پندارند و گمان می‌کنند همه چیز علیه آنان است. این نوع نگرش نه تنها بر زندگی شخصی این افراد تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه روابط آنان با دیگران را نیز به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این مقاله، به دلایل، پیامدها و راهکارهای مقابله با چنین روحیه‌ای خواهیم پرداخت.

دلایل بروز روحیه منفی و قربانی‌پنداری

تجربیات گذشته: افرادی که در زندگی با چالش‌های جدی مانند شکست‌های مکرر، بی‌عدالتی، یا رنج‌های شدید مواجه بوده‌اند، ممکن است دچار نوعی الگوی ذهنی شوند که خود را قربانی دائمی شرایط بدانند. این دیدگاه از تجربیات گذشته نشأت گرفته و ریشه در آسیب‌های عاطفی یا روانی دارد.

کمبود اعتمادبه‌نفس: افرادی که احساس ارزشمندی کمی نسبت به خود دارند، معمولاً تمایل به سرزنش دیگران یا شرایط دارند. این افراد خود را ناتوان از تغییر شرایط می‌بینند و به همین دلیل، دنیا را مقصر می‌دانند.

شرایط محیطی و اجتماعی: محیط اطراف نیز می‌تواند در شکل‌گیری این نگرش مؤثر باشد. افرادی که در خانواده یا اجتماعی بزرگ شده‌اند که در آن ناله و شکایت، الگوی رفتاری معمول بوده، بیشتر مستعد پذیرش این روحیه هستند.

ترس از تغییر: برای برخی، شکایت کردن و بازی نقش قربانی راهی برای اجتناب از تلاش و تغییر است. آنها ترجیح می‌دهند با گلایه کردن، دیگران را مقصر بدانند تا اینکه مسئولیت زندگی خود را بپذیرند.

پیامدهای روحیه منفی و قربانی‌پنداری

تأثیر بر سلامت روان: نگرش منفی و مداوم به زندگی می‌تواند فرد را درگیر اضطراب، افسردگی و خشم کند. این افراد اغلب در چرخه‌ای از افکار منفی گرفتار شده و توان لذت بردن از زندگی را از دست می‌دهند.

آسیب به روابط اجتماعی: کسانی که دائماً در حال شکایت و کشمکش هستند، ممکن است دوستان و نزدیکان خود را از دست بدهند. ارتباط با این افراد معمولاً خسته‌کننده و ناامیدکننده است، زیرا انرژی منفی آنها به دیگران نیز منتقل می‌شود. از دست دادن فرصت‌ها: افرادی که به جای تلاش برای بهبود شرایط، دائماً خود را قربانی می‌دانند، فرصت‌های رشد و موفقیت را از دست می‌دهند. آنها به ندرت اقدام به تغییر می‌کنند و در نتیجه در همان وضعیت باقی می‌مانند.

راهکارهایی برای مقابله با روحیه منفی

پذیرش مسئولیت: اولین قدم برای تغییر، پذیرفتن مسئولیت زندگی و شرایط است. افراد باید درک کنند که تغییر از درون خودشان آغاز می‌شود و سرزنش دیگران یا شرایط کمکی به بهبود وضعیت نخواهد کرد.

تمرین شکرگزاری: تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی و قدردانی از چیزهایی که دارند، می‌تواند به تغییر نگرش این افراد کمک کند. شکرگزاری روزانه برای حتی کوچک‌ترین نعمت‌ها می‌تواند تأثیر چشمگیری داشته باشد.

انجمن فردوسی

دومین و چهارمین جمعه هر ماه
از ساعت ۷ عصر الی ۹ در ZOOM
اطلاعات برای وارد شدن به ZOOM

Code: 97091203116

Password: 987654

گروه همایش دوستان

هر چهارشنبه از ساعت ۷ عصر الی ۹:۳۰
در ZOOM با برنامه‌های متنوع

اطلاعات برای وارد شدن به ZOOM

Code: 448 947 9662 Password: 426754

(408) 221-8624

پذیرش مرگ عزیزان و بازسازی زندگی پس از آن

رویا یزدی

به دلیل بیماری یا کهولت سن قابل پیش‌بینی باشد. تغییر در زندگی: مرگ عزیزان معمولاً به معنای تغییرات جدی در زندگی روزمره، نقش‌ها، و مسئولیت‌هاست. وابستگی عاطفی: برخی افراد به شدت به عزیزانشان وابسته هستند و نبود آنها می‌تواند احساس بی‌پناهی و بی‌هدفی ایجاد کند.

چگونه با این فقدان کنار بیاییم؟

پذیرش سوگواری: سوگواری فرآیندی طبیعی است و نباید آن را انکار یا سرکوب کرد. گریه، صحبت درباره احساسات، و بیان دردها به تسکین کمک می‌کند. دریافت حمایت از دیگران: تنهایی و انزوا می‌تواند درد سوگواری را تشدید کند. حمایت دوستان، خانواده، یا حتی گروه‌های حمایتی می‌تواند به کاهش احساس تنهایی کمک کند.

مراقبت از سلامت جسمی: غم و اندوه می‌تواند به سلامت جسمی آسیب برساند. مراقبت از تغذیه، خواب، و ورزش در این دوران اهمیت بسیاری دارد. **یادآوری خاطرات خوب:** به جای تمرکز بر فقدان، می‌توان به خاطرات خوب با عزیز از دست‌رفته فکر کرد. این کار باعث می‌شود ارتباط عاطفی حفظ شود و درد کاهش یابد. **مراجعه به مشاور یا روان‌شناس:** اگر احساس می‌کنید که نمی‌توانید با این درد کنار بیایید، مشاوره گرفتن از یک روان‌شناس می‌تواند بسیار مفید باشد.

ایجاد مراسم یادبود: برگزاری مراسمی به یاد عزیز از دست‌رفته نه تنها فرصتی برای یادآوری خاطرات است، بلکه به شما و دیگران کمک می‌کند تا این فقدان را بهتر بپذیرید.

توجه به معنویت: برای بسیاری از افراد، معنویت یا مذهب منبعی از آرامش است. دعا، مراقبه، یا حضور در جمع‌های معنوی می‌تواند تسکین‌دهنده باشد.

نکاتی برای عبور از این دوران

صبور باشید: زمان، نقش مهمی در تسکین درد دارد. هیچ عجله‌ای در فرآیند سوگواری وجود ندارد.

با خود مهربان باشید: خود را بابت احساسات تان سرزنش نکنید. همه افراد به شیوه‌ای متفاوت سوگواری می‌کنند.

به دیگران کمک کنید: کمک به دیگران یا انجام کارهای خیریه به یاد عزیزتان می‌تواند حس مثبتی ایجاد کند.

مرگ عزیزان تجربه‌ای بسیار سخت است، اما با پذیرش واقعیت، دریافت حمایت، و مراقبت از خود می‌توان به تدریج با این درد کنار آمد و به زندگی بازگشت.

از دست دادن یک عزیز یکی از بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین تجربیات زندگی انسان

است که بسیاری را با بحران‌های عاطفی، روانی، و حتی جسمی روبه‌رو می‌کند. مرگ عزیزان برای هر فرد به شیوه‌ای متفاوت تأثیرگذار است، اما معمولاً فرآیند سوگواری شامل چند مرحله و احساسات مشترک



می‌شود. در این مطلب به توضیح مفصل در مورد سختی‌های این تجربه و راهکارهای مدیریت آن می‌پردازیم.

سختی‌های از دست دادن یک عزیز

شوک و انکار: وقتی کسی را از دست می‌دهیم، اولین واکنش معمولاً شوک است. باور کردن این اتفاق سخت است و فرد ممکن است در ابتدا آن را انکار کند. این واکنش طبیعی است زیرا ذهن برای محافظت از خود نمی‌تواند بلافاصله این واقعیت را بپذیرد.

غم و اندوه عمیق: غم ناشی از مرگ عزیز می‌تواند فرد را کاملاً در بر گیرد. ممکن است افراد احساس کنند که چیزی از وجودشان کم شده است یا دنیا دیگر مانند قبل نخواهد بود. این غم می‌تواند همراه با گریه‌های طولانی، احساس پوچی، و ناتوانی در انجام کارهای روزمره باشد.

احساس گناه: بسیاری از افراد ممکن است احساس کنند که می‌توانستند کاری برای جلوگیری از مرگ عزیزشان انجام دهند. یا ممکن است از این که به اندازه کافی وقت با او نگذرانده‌اند، احساس گناه کنند. این احساسات، گرچه ناعادلانه است، اما طبیعی محسوب می‌شود.

خشم و سرگردانی: گاهی از دست دادن عزیز می‌تواند باعث ایجاد احساس خشم شود، خشم به سرنوشت، به خود، یا حتی به فردی که فوت کرده است. این احساسات معمولاً از درد عمیق ناشی می‌شود و باید با صبر و پذیرش مدیریت شود. **تنهایی و انزوا:** مرگ عزیز می‌تواند حس تنهایی عمیقی ایجاد کند، به ویژه اگر آن فرد نقش مهمی در زندگی فرد داشته باشد. افرادی که عزیزانشان را از دست می‌دهند، ممکن است احساس کنند که دیگران نمی‌توانند آنها را درک کنند و از دیگران دوری کنند.

چرا این تجربه سخت است؟

پیوند عاطفی: مرگ یک عزیز به معنای از دست دادن کسی است که ارتباط عمیق عاطفی با او داشته‌ایم. این پیوند، زمانی که قطع می‌شود، خلأ بزرگی ایجاد می‌کند. **عدم آمادگی:** بسیاری از افراد برای مرگ عزیزان آماده نیستند، حتی اگر این مرگ

کیت‌رینگ بانو

دل‌تان برای طعم غذاهای اصیل ایرانی تنگ شده و یا حوصله و وقت آشپزی ندارید؟

بسپارید به **کیت‌رینگ بانو**

با بهترین عطر و طعم در خدمت شما عزیزان هستیم!



باقالی پلو با گوشت ۱۸.۵۰ دلار

باقالی پلو با ماهیچه ۱۷.۵۰ دلار

باقالی پلو با مرغ ۱۴.۵۰ دلار

لوییا پلو با گوشت ۱۲.۵۰ دلار

زرشک پلو با مرغ ۱۶.۵۰ دلار

چلو خورش قزوه سبزی ۱۴.۵۰ دلار

چلو خورش قیمه سبب زمینی ۱۳.۵۰ دلار

چلو خورش قیمه بادمجان ۱۴.۵۰ دلار



طعم واقعی انواع غذاها را با **کیت‌رینگ بانو** تجربه کنید!

Serving San Jose & Surrounding Cities

(408) 680-4032

نوشتن بر سنگ قبر به فارسی و انگلیسی

با خط نستعلیق

بدون هزینه

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)



ماهنامه پژواک

آینده اکتشافات فضایی و آرزوهای انسان برای زندگی در جهان‌های دیگر

عاطفه کاظمی

انسان همواره در جستجوی پاسخ به پرسش‌هایی اساسی بوده است: «آیا ما در این جهان



تنها هستیم؟» و «آیا می‌توانیم فراتر از زمین زندگی کنیم؟» اکتشافات فضایی به عنوان یکی از هیجان‌انگیزترین عرصه‌های علم، به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌ها است. در این مطلب، نگاهی جامع به پیشرفت‌های اخیر در اکتشافات فضایی، آرزوهای انسان برای مهاجرت به سیارات دیگر، و چالش‌های پیش‌روی این مسیر می‌اندازیم.

اکتشافات فضایی در گذشته و حال

آغاز ماجراجویی فضایی:

♦ سفر انسان به فضا با پرتاب ماهواره اسپوتنیک توسط شوروی در سال ۱۹۵۷ آغاز شد.

♦ در سال ۱۹۶۹، نیل آرمسترانگ به‌عنوان اولین انسان بر سطح ماه قدم گذاشت، که نقطه عطفی بزرگ در تاریخ بشر بود.

پیشرفت‌های اخیر:

برنامه آرتمیس ناسا: هدف آن بازگشت انسان به ماه و ایجاد پایگاه دائمی است. اکتشافات مریخی: مریخ‌نوردهایی مانند «پرسورنس» به دنبال نشانه‌های حیات در گذشته مریخ هستند.

تلسکوپ جیمز وب: این تلسکوپ جدید، در حال ارائه تصاویری بی‌نظیر از کهکشان‌ها و ستاره‌های دور است.

رؤیای زندگی در سیارات دیگر

چرا مهاجرت به فضا؟

نجات از بحران‌های زمینی: تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت، و تهدیدهای جهانی مانند برخورد سیارک‌ها، انسان را به دنبال مکان‌های امن‌تر می‌کشاند. کنجکاوای برای کشف ناشناخته‌ها: اشتیاق به کشف حیات در دیگر نقاط جهان، انگیزه‌ای قوی برای سفرهای فضایی است.

گزینه‌های احتمالی برای سکونت در فضا:

ماه: به‌عنوان یک ایستگاه بین‌راهی برای مأموریت‌های فضایی.

مریخ: با وجود شرایط سخت، یکی از بهترین گزینه‌ها برای سکونت به شمار می‌رود.

تأثیر بر اقتصاد جهانی: افزایش تولید و کاهش هزینه‌ها می‌تواند رشد اقتصادی را تسریع کند. با این حال، نابرابری درآمدی ممکن است به دلیل عدم دسترسی برابر به فناوری افزایش یابد.

تغییرات در روابط انسانی: تعامل با ماشین‌ها ممکن است روابط انسانی را کاهش دهد. نیاز به حفظ ارتباطات انسانی در عصر دیجیتال بیش از پیش احساس می‌شود.

نیاز به مدیریت و تنظیم قوانین

برای بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی و کاهش خطرات آن، نیاز به تدوین قوانین و مقررات شفاف داریم.

شفافیت الگوریتم‌ها: مردم باید بدانند که هوش مصنوعی چگونه تصمیم‌گیری می‌کند. آموزش و آگاهی: افزایش سواد دیجیتال برای مقابله با چالش‌های جدید ضروری است. همکاری بین‌المللی: کشورهای جهان باید برای تنظیم قوانین و استانداردهای مشترک همکاری کنند.

هوش مصنوعی، در عین حال که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر است، می‌تواند با خطرات جدی همراه باشد. برای ساخت آینده‌ای که در آن فناوری در خدمت انسان باشد، لازم است که با دقت و مسئولیت‌پذیری به توسعه و استفاده از این فناوری بپردازیم. آیا انسان می‌تواند هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت و نه تهدیدی برای بقای خود مدیریت کند؟ پاسخ این پرسش، مسیر آینده ما را تعیین خواهد کرد.

انقلاب هوش مصنوعی، مزایا، خطرات، و تأثیر آن بر آینده بشر

کاوہ سیروس

هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی

از انقلابی‌ترین فناوری‌های عصر ما است. از پیشرفت در علم پزشکی تا تغییر نحوه کار و زندگی، هوش مصنوعی پتانسیل زیادی برای دگرگونی جهان دارد. با این حال، این فناوری قدرتمند چالش‌ها و خطراتی نیز به همراه دارد که باید به‌دقت بررسی شوند. در این مطلب، به بررسی جامع مزایا، خطرات، و تأثیر هوش مصنوعی بر آینده بشر خواهیم پرداخت.



تعریف و انواع هوش مصنوعی

تعریف هوش مصنوعی: هوش مصنوعی شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که هدف آن توسعه سیستم‌هایی است که می‌توانند مانند انسان فکر کنند، یاد بگیرند، و تصمیم بگیرند.

انواع هوش مصنوعی

هوش مصنوعی محدود (Narrow AI): سیستم‌هایی که برای انجام وظایف خاص طراحی شده‌اند (مانند دستیارهای مجازی یا ترجمه متون).

هوش مصنوعی عمومی (General AI): سیستم‌هایی که توانایی‌های مشابه با انسان دارند و قادر به انجام وظایف مختلف هستند (هنوز در مرحله تحقیق).

هوش مصنوعی فوق‌العاده (Super AI): سیستمی که فراتر از هوش انسانی عمل می‌کند و ممکن است در آینده به واقعیت تبدیل شود.

مزایای هوش مصنوعی

پیشرفت در علم و پزشکی:

♦ توسعه الگوریتم‌هایی برای تشخیص زود هنگام بیماری‌ها مانند سرطان.

♦ ساخت داروهای جدید با سرعت بیشتر و هزینه کمتر.

♦ کمک به جراحی‌های دقیق و بدون خطا.

بهبود کارایی و بهره‌وری

♦ اتوماسیون فرآیندهای صنعتی و کاهش هزینه‌های تولید.

♦ مدیریت داده‌های بزرگ و تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر و دقیق‌تر.

خدمات هوشمند و شخصی‌سازی شده

♦ دستیارهای هوشمند مانند Siri و Alexa که زندگی روزمره را آسان‌تر می‌کنند.

♦ پیشنهادهای شخصی‌سازی شده در خرید آنلاین، موسیقی، و فیلم.

خطرات و چالش‌های هوش مصنوعی

از دست رفتن شغل‌ها:

♦ اتوماسیون می‌تواند شغل‌های سنتی را حذف کند و موجب بیکاری گسترده شود.

♦ نیاز به بازآموزی نیروی کار برای مشاغل جدید مرتبط با فناوری.

خطرات امنیتی و اخلاقی:

♦ سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای ساخت ابزارهای جنگی یا حملات سایبری.

♦ ایجاد تبعیض در سیستم‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر الگوریتم‌ها (مانند سیستم‌های استخدام یا اعطای وام).

از دست رفتن کنترل:

♦ نگرانی درباره ایجاد هوش مصنوعی فوق‌العاده که ممکن است از کنترل انسان خارج شود.

♦ احتمال جایگزینی تصمیم‌های انسانی با تصمیم‌های ماشین، که می‌تواند پیامدهای غیرمنتظره داشته باشد.

تأثیر هوش مصنوعی بر آینده بشر

تحول در زندگی روزمره: هوش مصنوعی می‌تواند بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره را آسان‌تر و کارآمدتر کند، از حمل‌ونقل خودران گرفته تا مدیریت خانه‌های هوشمند.

قدرت طبیعت در تغییر زندگی انسانها

ساناز عابدی

طبیعت همواره به عنوان نیرویی بزرگ و تأثیرگذار در زندگی انسانها شناخته



شده است. این قدرت، هم جنبه‌های مثبت و زیبایی مانند الهام‌بخشی، آرامش و شکوفایی دارد و هم در مواقع بحران با فجایعی چون زلزله، طوفان یا سیل همراه است. از تأثیرات محیط طبیعی در شکل‌دهی شخصیت و فرهنگ انسانها گرفته تا نقش آن در تغییرات بزرگ زندگی، طبیعت قدرتی بی‌پایان دارد که نیازمند احترام و فهم عمیق است.

تأثیرات طبیعت بر روان و ذهن انسان: زندگی در میان طبیعت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روان انسان داشته باشد. مطالعات نشان داده است که تماس با طبیعت اضطراب و افسردگی را کاهش می‌دهد، خلاقیت را افزایش می‌دهد و حس ارتباط و همدلی با دیگران را تقویت می‌کند. پیاده‌روی در جنگل، شنیدن صدای امواج یا حتی نگاه کردن به آسمان پر ستاره، همگی ابزارهایی طبیعی برای بازسازی روحیه هستند. **بلاایای طبیعی، چالشی برای بشریت:** در کنار زیبایی‌ها، طبیعت گاهی با نیروی غیرقابل کنترل خود، زندگی‌ها را زیر و رو می‌کند. حوادثی چون زلزله، سیل، آتش‌سوزی‌های جنگلی و طوفان نه‌تنها باعث خسارت‌های مالی و جانی می‌شوند، بلکه آثار روانی عمیقی بر بازماندگان بر جای می‌گذارند. با این حال، انسان‌ها در بسیاری از مواقع با الهام از همین سختی‌ها، داستان‌های امید و بازسازی خلق می‌کنند که نشان‌دهنده قدرت روحی آن‌ها است.

الهام از طبیعت برای تحول: در طول تاریخ، انسان‌ها از طبیعت برای خلق ایده‌ها و پیشرفت‌های بزرگ استفاده کرده‌اند. از معماری و طراحی گرفته تا تکنولوژی، بسیاری از اختراعات با الهام از طبیعت شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال، طراحی هواپیما بر اساس پرواز پرندگان یا سیستم‌های تهویه الهام گرفته از جریان‌های طبیعی باد، همگی نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین طبیعت و زندگی انسان هستند.

حفظ و احترام به طبیعت: اگر چه طبیعت تأثیر عمیقی بر زندگی انسان‌ها دارد، فعالیت‌های مخرب بشر در دهه‌های اخیر تعادل این رابطه را به هم زده است. تغییرات اقلیمی، نابودی زیستگاه‌های طبیعی و آلودگی محیط زیست همگی تهدیداتی جدی برای نسل‌های آینده هستند. احترام به طبیعت نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی بلکه ضرورتی برای بقای خود انسان است.

قدرت طبیعت در تغییر زندگی انسان‌ها، چه در قالب زیبایی‌ها و چه در قالب چالش‌ها، غیرقابل انکار است. این رابطه دو طرفه، بستگی به انتخاب ما دارد: آیا به قدرت طبیعت احترام می‌گذاریم و آن را به عنوان منبعی الهام‌بخش و حیاتی می‌شناسیم، یا با رفتارهای مخرب خود این نیروی شگفت‌انگیز را از بین می‌بریم؟

به گوش جهانیان رسیده است.

اخبار جعلی و گمراه‌کننده: در عین حال، انتشار اطلاعات غلط می‌تواند تأثیرات منفی جدی بر جامعه داشته باشد.

راهکارهایی برای استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی

برای بهره‌برداری مثبت از شبکه‌های اجتماعی، باید نکاتی را مدنظر داشت:

♦ تعیین زمان مشخص برای استفاده.

♦ اجتناب از مقایسه خود با دیگران.

♦ تمرکز بر محتوای آموزشی و انگیزشی.

♦ حفظ تعادل بین دنیای واقعی و مجازی.

شبکه‌های اجتماعی ابزاری قدرتمند هستند که می‌توانند همزمان تأثیرات مثبت و منفی داشته باشند. نحوه استفاده از این ابزار، تأثیر نهایی آن بر زندگی فردی و اجتماعی ما را تعیین می‌کند. اگر بتوانیم به‌صورت آگاهانه و متعادل از این فناوری بهره ببریم، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به پلی برای پیشرفت فردی و اجتماعی تبدیل شوند.

تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ، هویت و روابط انسانی

سیامک هوشفر

شبکه‌های اجتماعی طی دو دهه اخیر، به یکی از پررنگ‌ترین پدیده‌های عصر مدرن تبدیل شده‌اند. آنها نه تنها شیوه ارتباط ما با دیگران را تغییر داده‌اند، بلکه تأثیرات عمیقی بر فرهنگ، هویت فردی و جمعی، و حتی روابط انسانی گذاشته‌اند. در این مطلب، به بررسی این تأثیرات پرداخته و ابعاد مثبت و منفی آن را مورد بحث قرار می‌دهیم. **نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ جدید:** شبکه‌های اجتماعی از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و به خلق یک فرهنگ جهانی کمک کرده‌اند. ویژگی‌های این فرهنگ جدید عبارتند از:

سرعت انتقال اطلاعات: مردم از سراسر جهان می‌توانند به سرعت از اخبار، ترندها و ایده‌های جدید آگاه شوند.

پویایی زبان و بیان: اصطلاحات، میم‌ها و روش‌های جدیدی برای ارتباط، در پلتفرم‌هایی مثل اینستاگرام و تیک‌تاک ظهور کرده‌اند که تأثیر زیادی بر زبان و ارتباطات انسانی داشته‌اند.

تغییر در سبک زندگی: نمایش سبک زندگی دیگران بر روی شبکه‌های اجتماعی، منجر به تقلید یا الهام‌گیری گسترده شده است.

تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فردی و جمعی

هویت فردی: شبکه‌های اجتماعی بستری برای ابراز خود شده‌اند، اما در عین حال، گاهی منجر به شکل‌گیری هویتی غیرواقعی می‌شوند:

خودنمایی و مقایسه: بسیاری افراد سعی می‌کنند بهترین لحظات زندگی خود را به نمایش بگذارند، که می‌تواند دیگران را دچار احساس ناکافی بودن کند.

هویت دیجیتال: بسیاری از افراد، شخصیتی متفاوت در دنیای مجازی ایجاد می‌کنند که ممکن است با هویت واقعی آنها در تضاد باشد.

هویت جمعی: شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در ایجاد احساس همبستگی یا دوگانگی فرهنگی تأثیرگذار باشند:

همبستگی جهانی: کمپین‌های جهانی، مانند جنبش‌های محیط‌زیستی یا حقوق بشر، در شبکه‌های اجتماعی رشد یافته و تأثیر جهانی داشته‌اند.

قطب‌بندی فرهنگی: گاهی اوقات، این پلتفرم‌ها باعث تفرقه و اختلافات عمیق میان گروه‌های مختلف شده‌اند.

تأثیر بر روابط انسانی

ارتباطات مثبت:

ایجاد و تقویت روابط: شبکه‌های اجتماعی به افراد امکان می‌دهند با دوستان و خانواده در سراسر جهان در ارتباط باشند.

دسترسی به منابع حمایتی: بسیاری از افراد از گروه‌ها و جوامع مجازی برای دریافت حمایت عاطفی یا اطلاعات بهره می‌برند.

چالش‌ها و تأثیرات منفی:

کاهش تعاملات واقعی: حضور بیش از حد در دنیای مجازی، تعاملات رودررو را کاهش داده و به انزوای اجتماعی منجر شده است.

تأثیر بر روابط عاشقانه: شبکه‌های اجتماعی گاهی باعث بی‌اعتمادی یا رقابت ناسالم در روابط شخصی می‌شوند.

پیامدهای روان‌شناختی شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند تأثیرات مختلفی بر سلامت روان داشته باشند:

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی: وابستگی به چک کردن مداوم شبکه‌های اجتماعی، ممکن است منجر به کاهش تمرکز و افزایش استرس شود.

افزایش اضطراب و افسردگی: مقایسه زندگی واقعی با زندگی به تصویر کشیده شده در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند باعث کاهش اعتمادبه‌نفس و احساس ناکامی شود.

تأثیر مثبت: با این حال، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بستر مناسبی برای دریافت اطلاعات روانشناختی یا الهام‌بخشی باشند.

تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مسائل اجتماعی و سیاسی

شبکه‌های اجتماعی ابزاری قدرتمند برای جنبش‌های اجتماعی و سیاسی شده‌اند: افزایش آگاهی عمومی: بسیاری از مشکلات اجتماعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی

ادامه مطلب **دست بالای دست... از صفحه ۲۷**ادامه مطلب **دست بالای دست... از صفحه ۲۷**

می دانستم که اگر تحمل کنم بالاخره قفل زبانش خواهد شکست. بهزاد یک روز بعد از آن که دیزی چرب و چلی خود را با پیاز و فلفل خورد و پشت بندش دو تا

چائی تازه دم ترکی نوشید. لب به سخن باز کرد و گفت که: «اغلب رانندگان تاکسی و مسافرش را که می بینی از شغل خود به عنوان پوشش برای توجیه کارهای

خلافشان استفاده می کنند. بیشترشان در کار توزیع مواد مخدر هستند، تعدادی به عنوان پا انداز عمل کرده و دلال محبت هستند و سرانجام این که دست و پا

چلفتی هائی که غصه قسط ندارند از محل فروش بنزین سهمیه ای خود زندگی می گذرانند، بهزاد بعد از گفتن همه این توضیحات به فکر فرو رفت و در حالی که

چشمانش را تنگ می کرد هیکل مرا اسکن کرده و آه بلندی کشید. به نظر می رسید که همه کارهای خلاف توسط تاکسی، عرضه می خواست که من نداشتم. بهزاد عمیقاً دنبال راه حلی بود. سرانجام لیخنه محوی به صورتش نشست و در حالی که آخرین

جرعه چائی را بالا می برد نگاهی مجددی به من انداخت و گفت: «رانندگانی هم هستند که دختران دانشجو و زنان تنها را سوار کرده و با تهدید مختصری طلاجات

و پول های نقدی را که به همراه دارند به راحتی می گیرند. این کار دیگه خیلی ساده است و هر کسی از عهده اش بر می آید.» «هر کسی» را با تاکید خاصی ادا کرد. به

نظرم رسید که من را برای این کار مناسب تشخیص داده بود. خیلی دلم می خواست که جائی را برای کار آموزی در این کار برایم معرفی کند ولی

دیگر احساس کردم مایل نیست من زیاد در پیشش بنشینم و اصلاً دوست ندارد با کسی که احتمالاً در آینده نزدیک جرمی را مرتکب خواهد شد، هم غذا شود. با تانی

از سر میزش بلند شدم. از آن بعد به سناریوهای مختلفی فکر می کردم. به نظرم این کار خیلی راحت می آمد. زن تنهائی را سوار کرده و با چاقوئی که قبلاً تهیه کرده

ام تهدید به مرگش می کنم و قربانی در حالی که از ترس لبانش کلید شده، از من با التماس خواهد خواست که اگر او را نکشته و اذیتش نکنم هر چه طلا و پول نقد

دارد یک جا به من خواهد داد و من هم با کلی منت که همه قربانیان قبلی را کشته ام و فقط به وی رحم می کنم و الگوهای طلا و ساعت و همه پول نقد، به غیر از کرایه

تاکسی، از محلی که پیاده اش می کنم تا منزلش را یک جا صاحب شده و همه نگرانی هایم یک شبه حل خواهند شد.

چند روز با خودم کلنجاررفتم و سرانجام تصمیم گرفتم از فردا بشوم مثل بقیه همکارانم و عرضه خود را در فعالیت های فوق برنامه به همه ثابت کنم. به نظرم

ترمینال اتوبوسرانی بهترین محل برای شکار زنانی بود که به تنهائی از مسافرت های شهرستان به تهران می آمدند. آنها به اندازه کافی خسته بودند که هیچ

مقاومتی انتظار نمی رفت. زن میانسالی را در نظر گرفته و وقتی کاملاً مطمئن شدم تنها است به سراغش رفتم و گفتم: «کجا خانم؟ در خدمتم»، نگاهی همراه با سوءظن

به من انداخت و گفت: «ماشینت کجاست؟» از دور سمند زردم را نشان دادم که تا حدودی خیالش راحت شد. ساک کوچکی به همراه داشت که تا پای ماشین به

دست من نداد و در حالی که در صندلی عقب جا به جا می شد، خیلی آمرانه گفت: «پاسداران در بستی. دیگه مسافر نگیر.» توی دلم قند آب شد. همه چیز داشت خود

به خود جور می شد. به سمت مقصد راه افتادیم. تو راه دل تو دلم نبود. خیلی می ترسیدم. چندین بار به خودم گفتم که از این کار صرف نظر کنم. حداقل امروز این کار را نکنم تا ببینم فردا

چه می شود. در طول مسیر چندین بار از توی آئینه به چهره اش زل زدم. وانمود می کرد که تو خودش است و اصلاً مرا به حساب نمی آورد. قیافه اش ترکیبی از مرضیه

و عهدیه بود. حدود چهل ساله و لی قوی و سالم به نظر می رسید. آخرین باری که از داخل آئینه نگاهش کردم دست به روسری خود برده و گره آن را محکمتر کرد.

در ساعات خلوت صبح از پاسداران بالا آمدم و از مقابل برج سفید گذشتیم. فرش فروشی های اشرافی خیابان هنوز باز نشده بودند. درست مقابل کلانتری پاسداران

که رسیدیم مسافر عین کوه آتش فشان جیف کشید و با کیفش محکم به سرم کوبید. کنترل ماشین از دستم خارج شد و درست در مقابل کلانتری چرخ های جلوی سمند

توی جوی آب افتاد. چند سرباز به سرعت ماشین را محاصره کرده و من و زن مسافر را به داخل کلانتری بردند. من هاج و واج به اطرافم نگاه می کردم. رو دست

خورده بودم. زن مسافر با حرارت خاصی به افسر نگهبان در خصوص سوء نظر من به خودش توضیح می داد. بلافاصله چند سرباز سر وقت ماشینم رفته و از زیر صندلیم

چاقوئی را که برای تهدید زنان تنها تهیه کرده بودم با خود آوردند. من مثل گنگ

تغییرات عجیب در کوه راشبری، آمریکا: برخی ادعا می کنند این کوه به صورت دوره ای تغییر شکل می دهد.

قلبی که همچنان می تپد: قلب یک سرباز فرانسوی در شیشه ای برای بیش از ۲۰۰ سال بدون خراب شدن نگهداری شده است.

پرواز سنگ های زنده: در منطقه ای از کالیفرنیا، سنگ ها بدون دخالت انسان حرکت می کنند.

گیاهانی که می خوانند: تحقیقات نشان داده اند که برخی گیاهان می توانند صداهای ضعیفی تولید کنند که شبیه موسیقی است.

بشقاب پرنده رزول (۱۹۴۷): در نیومکزیکو، آمریکا، یک شیء پرنده ناشناخته سقوط کرد که برخی آن را مربوط به موجودات فضایی می دانند. این حادثه هنوز بحث برانگیز است.

درخت های خون آشام: در آنگولا، برخی درخت ها به هنگام بریدن، مایعی قرمز رنگ شبیه به خون ترشح می کنند که مردم محلی را به وحشت می اندازد.

پیدایش ناگهانی جزایر: در سال ۲۰۱۳، پس از زلزله ای در پاکستان، جزیره ای کوچک در نزدیکی ساحل ظاهر شد که بعدها فروکش کرد.

دریای گم شده آرال: این دریاچه که یکی از بزرگ ترین دریاچه های جهان بود، به دلیل استفاده بی رویه آب برای کشاورزی، تقریباً به طور کامل خشک شد.

شهر مدفون پمپئی: این شهر رومی در سال ۷۹ میلادی بر اثر فوران آتشفشان وزوو زیر خاکستر دفن شد و اجساد مردم در حالت های طبیعی حفظ شدند.

پلنگ سیاه کوهستان: وجود این حیوان که شبیه یک شبح در کوه های استرالیا توصیف شده، هنوز به طور قطعی اثبات نشده است.

صدای مرموز در اقیانوس: در دهه ۱۹۹۰، دانشمندان صدای بلندی از اعماق اقیانوس ضبط کردند که منبع آن هنوز ناشناخته است. این صدا به نام «بلوب» مشهور است.

آتش سوزی زیرزمینی در شهر سنترالیا، آمریکا: از سال ۱۹۶۲، آتش در معادن زغال سنگ زیر این شهر روشن است و شهر کاملاً خالی از سکنه شده است.

حیوانات شفاف: برخی حیوانات مانند ماهی شیشه ای و میگوئی شفاف به قدری شفاف هستند که اندام داخلی آنها دیده می شود.

پدیده درخت شکوفه یخ زده: در مناطقی بسیار سرد، درختان می توانند ظاهری کاملاً یخی پیدا کنند، به طوری که انگار از شیشه ساخته شده اند.

عشق راه دور شبیه ستاره های است که هر چند از دسترس دور است، اما همیشه نورش قلبت را روشن می کند. فاصله ها شاید جسم ها را جدا کنند، اما قلب هایی که به هم گره خورده اند، هر لحظه کنار هم می تپند. این عشق، قدرت انتظار و ارزش لحظه های دیدار را به ما می آموزد و نشان می دهد که فاصله فقط یک آزمون برای عمق احساسات است.

خواب دیده به اطرافم زل زده بودم. زن مسافر مرتب به افسر نگهبان می گفت که این مرد خبیث (یعنی بنده) به ایشان سوء نظر داشتم و می خواستم در فرصت مناسبی بلاتی سرش بیاورم. دنیا داشت دور سرم می چرخید. فکر این که زنم از این قضیه مطلع بشود، آزارم می داد. افسر نگهبان به دقت به چهره ام خیره شده بود و ظاهراً می خواست با چهره خوانی به اصل ماجرا پی ببرد.

رئیس کلانتری مرا به اطاقش خواست. سرهنگ پیر دنیا دیده ای بود. گفت: «این زن کارش همینه. با پیشنهاد کرایه های کلان سوار تاکسی هائی می شود که رانندگان جوانی مثل تو را دارد. اگر بخوای دروغ بودن اظهاراتش را ثابت کنی کلی وقتت تلف شده و میلیونها تومان باید به وکیل بدهی. بهتر است همین جا پول نقدی را داده و رضایتش را به دست آوری. فکر می کنم خودش پانصد هزار تومان بخواید ولی با دویست هزار تومان هم می شود سرو ته قضیه را جمع کرد.» در حالی که دستانم می لرزید دست به جیب برده و کیف پولم را بیرون آورده و چهار چک پول پنجاه هزار تومانی به سرهنگ دادم. سرهنگ چند جمله در پرونده نوشت. لبخند نا متقارنی زد که راست و چپ صورتش دو جور متفاوت شکفتند. از کلانتری بیرون آمدم. چند رهگذر کمک کردند تا سمند را از جوب در آوریم. کله پاچه فروشی تمیزی پائین تر از کلانتری بود که بوی مطبوعی را در فضا پراکنده می کرد. خیلی گرسنه بودم. هوس زبان و مغز و گوشت صورت همراه سنگک تازه و ابلیمو و سیر کرده بودم اما پولی در بساط نداشتم. توی آئینه ماشین به صورتم زل زده و آب دهنم را قورت دادم. دلم برای پیکان ۵۲ تنگ شده بود. رفیق خوبی برایش نبودم.

ادامه مطلب آینده اکتشاف... از صفحه ۵۰

سیارات فراخورشیدی: شناسایی سیاراتی با ویژگی‌های شبیه زمین، امیدها را برای یافتن زیستگاه‌های جدید افزایش داده است.

چالش‌های پیش‌روی مهاجرت فضایی

چالش‌های علمی و فنی:

حمل و نقل فضایی: سفر به فضا هزینه‌بر و نیازمند فناوری‌های پیشرفته است. شرایط زیستی نامساعد: نبود هوا، آب، و تابش‌های مضر کیهانی از مشکلات اساسی هستند.

مسافت‌های طولانی: سفر به سیارات دوردست ممکن است سال‌ها طول بکشد.

چالش‌های انسانی و اخلاقی:

سازگاری روانی و جسمی: زندگی طولانی‌مدت در فضا می‌تواند بر سلامت جسمی و روحی تأثیر منفی بگذارد.

مالکیت منابع فضایی: مسائل حقوقی و اخلاقی درباره استفاده از منابع فضایی همچنان حل نشده است.

پیشرفت‌های فناوری و آینده اکتشافات فضایی

نقش شرکت‌های خصوصی: شرکت‌هایی مانند اسپیس‌اکس و بلو اوریجین، رقابت در صنعت فضایی را افزایش داده‌اند. هدف اسپیس‌اکس ارسال انسان به مریخ تا سال ۲۰۵۰ است.

فناوری‌های جدید:

پیشرفته‌های پیشرفته: موتورهای یونی و فناوری‌های جدید می‌توانند سفرهای فضایی را کوتاه‌تر و ارزان‌تر کنند.

زیستگاه‌های فضایی: پژوهش‌ها در زمینه ساخت زیستگاه‌های پایدار بر ماه و مریخ ادامه دارد.

نقش اکتشافات فضایی در تغییر نگاه انسان

تأثیر بر علم و فناوری: اکتشافات فضایی به پیشرفت‌هایی در حوزه‌هایی مانند پزشکی، مهندسی، و فناوری ارتباطات منجر شده است.

تأثیر فرهنگی و فلسفی: نگاه انسان به جایگاه خود در جهان تغییر کرده و احساس اتحاد بیشتری نسبت به سیاره زمین به وجود آمده است.

آینده‌ای امیدوارکننده یا رؤیایی دوردست؟

در حالی که رؤیای مهاجرت به فضا همچنان با چالش‌های بزرگی روبرو است، پیشرفت‌های فناوری و تلاش‌های بین‌المللی امیدها را برای تحقق آن زنده نگه می‌دارد. شاید روزی، بشر بتواند به‌جای نگاه به آسمان، خود را به‌عنوان شهروندی از کهکشان‌ها بشناسد.

سفر به کهکشان‌ها نه تنها بازتابی از اشتیاق انسان به کشف ناشناخته‌ها است، بلکه نشان‌دهنده تمایل او برای بقا و پیشرفت است. با وجود چالش‌ها، انسان همچنان در مسیر کاوش کیهانی گام برمی‌دارد، زیرا آرزوهای او فراتر از مرزهای زمین گسترده شده‌اند.

تو کجایی؟

در کدام لحظه پنهان شده‌ای که دلم بی‌قرار توست؟

هر جا که باشی،

خیال تو در من زنده است،

دلم هر روز تو را می‌جوید،

در هر نگاه،

در هر سکوت،

و هر جایی که خیال من تو را به تصویر می‌کشد.

بگو کجایی،

که این قلب خسته تنها در کنار تو آرام می‌گیرد.

**ادامه مطلب چرا دموکراسی در... از صفحه ۴۱**

از سوی دیگر، بخشی از سفیدپوستان، با تکیه بر احساس "از دست دادن قدرت"، به جنبش‌های محافظه‌کار یا نژادپرستانه گرایش پیدا کرده‌اند.

چرا نیمی از جامعه آمریکا به نژادپرستی متهم می‌شوند؟

مفهوم نژادپرستی پنهان: بسیاری از مردم آمریکا ممکن است خود را نژادپرست ندانند، اما رفتارها، سیاست‌ها و دیدگاه‌های آنها می‌تواند به طور ناخودآگاه نژادپرستانه باشد. این نوع نژادپرستی پنهان در مواردی مانند سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه، حمایت از نیروی پلیس در برابر اعتراضات عدالت‌طلبانه، و مخالفت با برنامه‌های برابری نژادی نمایان می‌شود.

پوپولیسم و نژادپرستی آشکار: ظهور سیاستمدارانی مانند دونالد ترامپ که از شعارها و سیاست‌های نژادپرستانه استفاده کرده‌اند، باعث شده بسیاری از افراد به ابراز آشکار عقاید نژادپرستانه بپردازند. این سیاست‌ها اغلب بر اساس ایجاد ترس از مهاجران، مسلمانان یا اقلیت‌های دیگر شکل می‌گیرد.

نقش رسانه‌ها: رسانه‌ها، به ویژه شبکه‌های خبری جناح راست مانند فاکس نیوز، در تشدید اختلافات نژادی نقش مهمی داشته‌اند. این رسانه‌ها اغلب مسائل نژادی را به گونه‌ای پوشش می‌دهند که حس بی‌اعتمادی و ترس را در میان سفیدپوستان تقویت کند.

راه‌حل‌ها برای بازسازی اعتماد و مقابله با نژادپرستی

برای بازگرداندن اعتماد به دموکراسی و کاهش نژادپرستی، آمریکا نیازمند تغییرات بنیادی است:

- ♦ اصلاح نظام انتخاباتی برای کاهش نفوذ پول و تضمین سلامت انتخابات.
- ♦ سرمایه‌گذاری در آموزش و آگاهی‌بخشی برای کاهش تعصبات نژادی.
- ♦ ایجاد قوانین عادلانه‌تر در زمینه عدالت کیفری برای مقابله با تبعیض نهادی.
- ♦ تقویت گفت‌وگو و انسجام اجتماعی از طریق برنامه‌های محلی و ملی که به مشارکت و همکاری میان گروه‌های مختلف کمک کند.

دموکراسی در آمریکا در یک نقطه عطف قرار دارد. چالش‌های نژادی، اقتصادی و سیاسی این کشور نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در ساختارها و سیاست‌هاست. تنها با اصلاحات عمیق و ایجاد یک نظام عادلانه‌تر است که می‌توان اعتماد مردم را بازگرداند و دموکراسی را از بحران نجات داد.

ادامه مطلب آیا یک فرد... از صفحه ۴۸

عدم آگاهی از افسردگی: در بسیاری از فرهنگ‌ها، از جمله جوامعی که بر تاب‌آوری و قدرت فردی تأکید دارند، افراد ممکن است علائم افسردگی را به ضعف شخصیتی نسبت دهند و آن را انکار کنند.

افسردگی آتیپیک: در برخی موارد، علائم افسردگی ممکن است غیرمعمول باشند (مانند تحریک‌پذیری به جای غم) که تشخیص آن را دشوارتر می‌کند.

شدت افسردگی و آگاهی فرد: شدت افسردگی نیز بر آگاهی فرد تأثیر دارد:

افسردگی خفیف تا متوسط: افراد معمولاً متوجه تغییرات در روحیه و عملکرد خود می‌شوند و ممکن است به دنبال کمک باشند.

افسردگی شدید: در این موارد، فرد ممکن است آن‌قدر در احساسات منفی و بی‌حالی غرق شود که توانایی شناخت وضعیت خود را از دست دهد.

نقش اطرافیان در تشخیص افسردگی

بسیاری از افراد افسرده ممکن است تنها زمانی به وضعیت خود پی ببرند که دوستان، خانواده یا همکارانشان علائم را شناسایی کرده و موضوع را مطرح کنند. حمایت اطرافیان می‌تواند در آگاهی فرد از وضعیت خود و دریافت کمک حرفه‌ای نقش کلیدی داشته باشد.

راه‌های افزایش آگاهی فرد از افسردگی

آموزش سلامت روان: آگاهی از علائم افسردگی و تفاوت آن با احساسات موقتی می‌تواند به افراد کمک کند وضعیت خود را بهتر درک کنند.

تشویق به صحبت کردن: گفتگو درباره احساسات می‌تواند به فرد کمک کند که به افکار و احساسات خود توجه بیشتری کند.

مشاوره حرفه‌ای: اگر فردی مشکوک به افسردگی است، مراجعه به یک روانشناس یا روان‌پزشک می‌تواند به تشخیص دقیق کمک کند.

ادامه مطلب توران میرهادی... از صفحه ۲۹

طریق نمره و تعیین جایزه برای هر کار، نسل جوان ما را به بند کشیده است.» توران میرهادی می‌گوید: «هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که یک روز بچه‌ها از من پرسیدند چه کسی قوانین کشور را می‌نویسد. گفتیم مجلس شورای ملی. آنها خواستند تا در یکی از جلسات مجلس حضور پیدا کنند. من هم با دبیرخانه مجلس شورای ملی هماهنگ کردم و یک روز نماینده‌های دانش‌آموزان در جلسه شورای ملی حاضر شدند و جالب اینجا بود که ایرادات زیادی نیز به لوایح و تصمیمات آنها گرفتند که ما این اشکالات را به‌صورت مکتوب به دبیرخانه مجلس شورای ملی فرستادیم. تلاش ما این بود که به همه سؤالات دانش‌آموزان پاسخ بدهیم و ذهن کنجکاو آنها را به سوی خلاقیت هدایت کنیم.»

یکی از ویژگی‌های مدرسه فرهاد، با هم بودن دختران و پسران دانش‌آموز بود. خانم میرهادی حضور دانش‌آموزان دختر و پسر را ضروری می‌دانست و می‌گفت: «با هم بودن دختر و پسر را تا یازده سالگی در دبستان از نکات ضروری تعلیم و تربیت امروزی می‌دانم. پسرها در سنین دبستان بسیار صریح و صادق هستند و همین صراحت گاهی به شکل خشونت ظاهر می‌شود. دخترها آرام، تودار و مقید به ظاهر هستند. احساساتشان را همیشه نشان نمی‌دهند. اصرار دارند تکالیفشان را خوب انجام دهند و پیوسته مورد توجه بزرگ‌ترها قرار گیرند. پسرها بیشتر دوست دارند مطالب درس را بفهمند و درست بفهمند ولی خیلی در بند انجام تمرین و تکلیف نیستند. وقتی این دو گروه در کنار هم قرار می‌گیرند، تعادل بسیار مطلوبی برقرار می‌شود. این دو گروه در کار و آموزش تأثیر تربیتی بسیار سازنده‌ای بر یکدیگر دارند. دخترها ناچار می‌شوند صادق باشند و احساسات و عواطفشان را پنهان نکنند. پسرها با سؤالات و نظرات و پیشنهادات خود کلاس را به سمت جست‌وجوی علمی دقیق‌تر سوق می‌دهند، دخترها نظم و ترتیب در کار را ایجاد می‌کنند و جست‌وجو را به نتیجه می‌رسانند. با بودن دخترها و پسرها، مدرسه به یک محیط خانوادگی تبدیل می‌شود. در نتیجه، هیچ‌گونه مرز تصنعی بین دختر و پسر به وجود نمی‌آید.»

روش آموزشی و تربیتی خانم میرهادی در مدرسه فرهاد روزه‌روز مورد توجه خانواده‌ها قرار می‌گرفت. او هم ترغیب شد مدرسه راهنمایی فرهاد را نیز در کنار کودکان و دبستان در سال ۱۳۵۰ راه‌اندازی کند. در سال ۱۳۵۶ این مجموعه بیش از ۱۲۰۰ دانش‌آموز داشت ولی بعد از انقلاب، در سال ۱۳۵۸، مدرسه خصوصی فرهاد مصادره شد و آموزش‌وپرورش آن را به مدرسه هاجر تبدیل کرد. سال‌ها طول کشید تا خانم میرهادی بتواند بخشی از خسارت وارد شده را از آموزش‌وپرورش بگیرد و صرف فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان کند.

شورای کتاب کودک: خانم میرهادی بعد از تأسیس کودکان فرهاد در سال ۱۳۳۵ اولین نمایشگاه کتاب کودک در ایران را در دانشکده هنرهای زیبا برگزار کرد. در آن نمایشگاه متوجه شد که تعداد کتاب‌های کودک حتی به اندازه تعداد انگشتان یک دست هم نیست. بعد از آن نیز در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ دو نمایشگاه کتاب کودک در مدرسه فرهاد بر پا کرد و متوجه شد که چه ضعف بزرگی در زمینه کتاب کودک وجود دارد. به همین خاطر، در سال ۱۳۴۱ «شورای کتاب کودک» را برای گسترش و توسعه ادبیات کودکان، به کمک گروهی از همکارانش، پایه‌گذاری کرد. خانم میرهادی می‌گوید: این نمایشگاه‌ها باعث شد بدانیم در چه زمینه‌هایی برای کودکان کتاب نداریم. همین انگیزه، بسیاری از استادان ادبیات کودکان را به فکر انداخت و ما جلسات مختلفی را با حضور آنها در مدرسه برگزار می‌کردیم. سرانجام، دی‌ماه سال ۱۳۴۱ هیئت پنج‌نفره‌ای متشکل از مرتضی ممیز، لیلی ایمن، عبدالرحیم احمدی شیرازی، ماه‌آفریده آدمیت و من، اساسنامه شورای کتاب کودک را تدوین و با همراهی چهل نفر، شورای کتاب کودک را تأسیس کردیم.»

خانم میرهادی می‌گوید: «در شورای کتاب کودک کسانی گرد هم آمده‌اند که سالیانی بسیار با بچه‌های این سرزمین کار کرده‌اند، در مدرسه‌ها تدریس و مدیریت کرده‌اند و کمابیش با نیازهای کودکان و نوجوانان ایرانی آشنایی دارند. شاید توجه به همین نیازهای کودکان در دوره‌های گوناگون، کار با آنها و نبود کتابی مرجع برای آنان بود که ما را بر آن داشت تا از سال ۱۳۴۱ طی نشست‌هایی در زمینه پدیدآوردن کتابی مرجع برای کودکان این مرزوبوم تصمیماتی بگیریم. خیلی تلاش کردیم که مؤسسه‌ای را علاقه‌مند کنیم تا چنین کاری انجام دهند و ناشرانی را تشویق کنیم که در راه نشر چنین فرهنگ‌نامه‌ای سرمایه‌گذاری کنند، اما در عمل کاری از پیش نبردیم، البته در دهه ۱۳۴۰ فرهنگ‌نامه نویسنده آمریکایی، برتا موریس پارکر، به‌وسیله انتشارات فرانکلین چاپ و به فارسی منتشر شد اما این کار با عکس‌العمل شدید شورای کودک مواجه شد که معتقد بود کودک ایرانی باید فرهنگ‌نامه‌ای بخواند که ربطی به او و سرزمینش داشته باشد.»

او در سال ۱۳۳۴ با کمک پدر و مادرش کودکانستانی تأسیس کرد، کودکانستانی که به یاد برادر جوانش که در تصادف رانندگی از دست رفته، «فرهاد» نام می‌گیرد. پدر توران مکان تأسیس این کودکانستان را در اختیار او گذاشت. خود توران درباره یاری پدرش می‌گوید: پدر گفت: «تو هنوز به سنی که بتوانی امتیاز کودکانستان را بگیری، نرسیده‌ای. مادرت امتیاز را برایت می‌گیرد. من هم به مدت یک سال خانه مسکونی قدیمی را در خیابان ژاله، بدون گرفتن اجاره در اختیار تو می‌گذارم. برایت ده میز و شصت صندلی کوچک در کارخانه می‌سازم. الاکلنگ و سرسره هم می‌دهم بسازند. بقیه کارها با خودت.»

توران میرهادی درباره انگیزه‌اش از تأسیس نهادهای آموزشی می‌گوید: «تنها هدفم این بود که ثابت کنم کودکان ایرانی از نظر توان ذهنی در سطح بالایی قرار دارند و با آموزش‌وپرورش درست می‌توانند به حداکثر شکوفایی استعدادها و توانایی‌های خود برسند.» میرهادی در سال ۱۳۳۵ با محسن خمزلو، دبیر شیمی و دوست همسر سابقش، ازدواج کرد. خانم میرهادی درباره زندگی‌اش با محسن خمزلو می‌گوید: «تنها چیزی که می‌توانم درباره این ۲۵ سال زندگی بگویم، این است که حاضر نیستم یک لحظه از این زندگی را با چیز دیگری در این دنیا عوض کنم. ۲۵ سال عشق و علاقه و تفاهم و هم‌فکری و همکاری. هر لحظه‌اش برای من نعمت بود.» زن و شوهر با کمک هم کارهای کودکانستان را پیش بردند. استقبال از کودکانستان باعث شد که توران دو سال بعد از تأسیس آن، در سال ۱۳۳۶، دبستان فرهاد را در کنار این کودکانستان راه بیندازد.

توران میرهادی با کمک همسرش برنامه دقیقی را در مدرسه فرهاد اجرا کرد که با شیوه آموزش رسمی به کلی متفاوت بود. اداره دبستان فرهاد با مشارکت دانش‌آموز انجام می‌شد. خانم میرهادی می‌گوید: «در همه‌جا شکل سازمانی مدارس به صورت هرمی است که مدیر مدرسه در رأس هرم قرار دارد و پس از آن، ناظم، معلم‌ها، اولیا و مربیان و در آخر نیز دانش‌آموزان قرار دارند. در مدرسه فرهاد، ما این هرم را وارونه کردیم. یعنی مدیر و رئیس مدرسه در پایین قرار داشتند و این بچه‌ها بودند که درباره اداره مدرسه تصمیم‌گیری می‌کردند. دانش‌آموزان هر مقطع تحصیلی سه نماینده برای هر ماه و دو نماینده برای یک سال انتخاب می‌کردند. نماینده‌هایی که برای یک سال انتخاب می‌شدند، وظیفه قانون‌گذاری داشتند و دیگر نماینده‌ها نیز وظیفه اداره مدرسه را بر عهده داشتند.» به گفته خانم میرهادی، بچه‌ها قوانین مدرسه را تنظیم می‌کردند و معلم‌ها تابع قوانینی شدند که بچه‌ها تنظیم کرده بودند و خودشان هم به عنوان شورای دانش‌آموزان، مجری این قوانین بودند.

خانم میرهادی می‌گوید: «یکی از قوانینی که بچه‌ها وضع کرده بودند، این بود که هیچ معلمی حق نداشت دانش‌آموزی را از کلاس بیرون کند و حق تنبیه نیز نداشت. نمره، شرط و ملاک قبولی نبود و اگر دانش‌آموزی در یکی از درس‌ها ضعیف بود، وظیفه نماینده‌ها و دیگر دانش‌آموزان بود که ضعف او را برطرف کنند تا همگام با دیگر دانش‌آموزان در درس پیشرفت کند. نماینده‌ها مشخص می‌کردند چه تکالیفی به بچه‌ها داده شود تا باعث پیشرفت آنها شود. برنامه‌های گردش علمی با آنها بود و پس از این گردش، همه دانش‌آموزان با کمک هم یک کتاب درباره این سفر می‌نوشتند. وجود کتابخانه فعال به‌عنوان قلب مدرسه در روند آموزش نقش اساسی داشت. طرح توران برای ساختن کتابخانه این بود که دانش‌آموزان یک کتاب در سال به عنوان هدیه به مدرسه بدهند و یک سال عضو کتابخانه شوند تا بتوانند از امکاناتش استفاده کنند. روشی که در مدرسه فرهاد به کار گرفته شده بود، با آموزش رسمی متفاوت بود. در مدرسه فرهاد رقابتی در کار نبود.

خانم میرهادی می‌گوید: «در مدرسه فرهاد شاگردان با هم مقایسه نمی‌شدند. می‌دانستیم هیچ دو انسانی با هم یکسان نیستند. استعداد و توانایی افراد متفاوت است. آهنگ رشد افراد با هم اختلاف دارد. خصوصیات خلقی و ذهنی افراد یک‌جور نیست. آهنگ رشد دانش‌آموزان با هم اختلاف دارد. شاگردان با هم کار می‌کردند، به هم کمک می‌کردند، گروه‌های کاری تشکیل می‌دادند و کار را جمعی پیش می‌بردند. معلمان با ظرافت و در گروه از شاگرد قوی‌تر برای کمک به شاگرد ضعیف‌تر استفاده می‌کردند. گروه‌های کاری تشکیل می‌دادند و کار را پیش می‌بردند. معلمان هر ماه پیشرفت دانش‌آموزان در دروس را از طریق پرسش ارزیابی می‌کردند اما نه برای نمره‌دادن، بلکه برای سنجش میزان درک و تسلط به مطلب کارشده و برنامه‌ریزی کارها، درس‌ها و تمرین‌ها برای ماه بعد.»

خانم میرهادی منتقد جدی آموزش‌وپرورش رسمی بود و چنین معتقد بود: «مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر، به وجود آوردن زمینه رقابت مداوم، ارزشیابی دائم از

ادامه مطلب مردهای مریخی... از صفحه ۳۲

ادامه مطلب توران میرهادی... از صفحه ۵۴

اشتباه کردن اشکالی ندارد: اولین قدم برای مردی که در حال آموختن هنر بخشش و ایثار است، این است که متوجه شود اشکالی ندارد اگر اشتباه کند. شکست خوردن نیز ایرادی ندارد و او مجبور نیست که تمام پاسخ‌ها را برای همه مسائل داشته باشد. داستان زنی را به یاد دارم که شکایت داشت از این که نامزدش هرگز تعهدی برای ازدواج نداشت. به نظر او این بدان معنا بود که نامزدش به اندازه او برای این رابطه اهمیت قائل نیست. یک روز، به طور اتفاقی، او به نامزدش گفت که از این که با او باشد بسیار خوشحال است. حتی اگر فقیر باشند، او ترجیح می‌دهد که در کنارش باشد. روز بعد، نامزدش از او خواستگاری کرد. نامزدش نیازمند پذیرش و تشویقی بود که بداند لایق این رابطه است و همین مسئله باعث شد بفهمد که آن زن چقدر برایش اهمیت دارد.

مریخی‌ها نیز نیازمند عشق هستند: همان‌طور که زنان در مواقعی که به آن‌ها بی‌توجهی می‌شود، نیازمند توجه هستند و حساس می‌شوند، مردان نیز وقتی زنان درباره مشکلات خود صحبت می‌کنند، حساسیت نشان می‌دهند. به همین دلیل است که گاهی برایشان سخت است که «شنونده» خوبی باشند. مرد می‌خواهد قهرمان زن باشد. وقتی که او مایوس و غمگین است، مرد احساس عجز می‌کند. اندوه زن، عمیق‌ترین ترس مرد را تأیید می‌کند: «او به حد کافی مفید نبوده است». امروزه بیشتر زنان متوجه نیستند که مردها چقدر آسیب‌پذیر و نیازمند عشق هستند. عشق به مرد کمک می‌کند تا بداند که توانایی آن را دارد که دیگران را به کمال برساند.

تأثیر پدر بر پسر جوان: پسری که خوش‌شانسی داشته باشد روابط موفق پدرش با مادرش را ببیند، زمانی که به بلوغ می‌رسد، با اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌تواند در ارضای نیازهای همسرش موفق باشد. او از تعهد داشتن نمی‌ترسد، زیرا می‌داند که از عهده آن برمی‌آید. همچنین می‌داند که اگر هم از پس کاری برنیاید، همچنان شایسته عشق و قدردانی همسرش است، زیرا نهایت تلاشش را کرده است.

چنین مردی خود را سرزنش نمی‌کند، چون می‌داند که بی‌عیب نیست و همیشه نهایت سعی‌اش را می‌کند و همین کافی است. او قادر است در برابر اشتباهاتش عذرخواهی کند، زیرا انتظار دارد بخشوده شود، مجدداً مورد محبت قرار بگیرد، و برای تلاشش مورد تقدیر واقع شود. او می‌داند که همه اشتباه می‌کنند.

تأثیر خانواده بر اعتمادبه‌نفس مرد: او پدرش را دیده است که اشتباه می‌کرد، اما همچنان از خودش راضی بود. او شاهد محبت و عفو مادرش نسبت به خطاهای پدرش بوده است. او اعتماد و تشویق مادرش نسبت به پدرش را حتی در مواقعی که از او ناامید می‌شد، احساس کرده است. بیشتر مردها در زمان بلوغ الگویی موفق نداشته‌اند. برای آنها، عاشق ماندن، ازدواج کردن، و تشکیل خانواده دادن، چنان دشوار است که گویی بدون آموزش بخواهند هدایت یک هواپیمای جت را به عهده بگیرند. ممکن است هواپیما را به پرواز درآورند، اما مطمئن‌اند که سقوط خواهد کرد. وقتی که بارها سقوط کرده یا شاهد سقوط پدرش بوده، ادامه پرواز برایش سخت می‌شود. درک این مسئله که چرا بسیاری از زنان و مردان، بدون داشتن آموزش صحیح، در روابط خود شکست می‌خورند، آسان است.

ادامه مطلب زندگی و پیدایش... از صفحه ۱۲

در صحبت‌هایی که با مردان گولی داشتم، آنها می‌گفتند: «معمولاً اگر کسی بخواهد، به ما آسیبی برساند و مزاحم زندگی ما بشود و بخواهد از چادرهای ما چیزی بدزد، یا بخواهد زنان و دختران ما را آزار و اذیت کند، ما با چوب از خود، خانواده و چادرهایمان دفاع خواهیم کرد و آن قدر آن شخص را با چوب خواهیم زد تا از کارش پشیمان شود.» آنان می‌گفتند: «ما به مشت و بازوی خویش احتیاج داریم و هیچوقت حاضر نیستیم، آن را در دعا به کار ببریم، زیرا ممکن است به دستمان آسیبی برسد. ما موقع دفاع از خودمان چوب به کار می‌بریم که هم کمتر موجب مرگ شخص خواهد شد و هم بازویمان، آسیبی نخواهد دید.»

گولی‌ها به جز در موارد استثنایی که شخص مقابل شان ممکن است، از چاقو و وسایل خطرناک دیگر استفاده کنند، هیچوقت از چاقو و تیشه و تبر، استفاده نمی‌کنند، زیرا معتقدند این وسایل خیلی زود به مرگ اشخاص منجر خواهد شد. من فکر می‌کنم رقص چوب برای آمادگی و همینطور، دفاع از قبیله انجام می‌گیرد.

به کودکان ایرانی چه ربطی دارد که در آلاباما چند رأس گاو وجود دارد؟ به نظر این شورا، این اطلاعات سبب می‌شد کودک از خواندن فاصله بگیرد چون با آن ارتباط برقرار نمی‌کند.

خانم میرهادی در مدرسه فرهاد سعی کرد تا ایده خود را برای تألیف و تدوین فرهنگ‌نامه در ابعاد کوچک عملی کند. او از دانش‌آموزان خواست که در روزهای تعطیل نوروز درباره یک موضوع تحقیق کنند و درباره آن مقاله بنویسند. خودش نیز مثل دانش‌آموزان درباره موضوعاتی نظیر ترکمن صحرا به تحقیق و پژوهش پرداخت. این تحقیقات او را به این نتیجه رساند که ظرفیت برای تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان تا چه اندازه زیاد است. از همین نقطه، کار را شروع کرد. البته به‌گفته‌ی خانم میرهادی، «ایده خام این فرهنگ‌نامه نخستین بار در سال ۱۳۴۶ در سمینار ادبیات ملی کودکان مطرح شده بود و افرادی چون ایرج افشار، فریدون بدره‌ای و اسماعیل سعادت در آن سمینار بر تدوین فرهنگ‌نامه‌ای بومی برای کودک و نوجوان ایرانی تأکید کرده بودند»، زمان زیادی گذشته بود و فکر نوشتن و تدوین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان، توران میرهادی را رها نمی‌کرد.

در روزهای پرتنش انقلاب، همسرش، محسن خمارلو، بیمار شد. توران برای درمان تومور مغزی همسرش، او را برای مداوا به انگلستان برد اما بعد از چند عمل جراحی، پزشکان از بهبود وی قطع امید کردند و او شوهرش را به تهران برگرداند. محسن خمارلو در ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ جان سپرد. همان موقع مدرسه فرهاد هم تعطیل و خانم میرهادی نیز به‌شکل اجباری بازنشسته شد. محسن خمارلو پیش از مرگ، نامه‌ای برای همسرش نوشت و در آن از وی چنین خواسته بود: «با یک‌سوم دارایی من، کاری برای مردم این مملکت بکن.» به‌گفته‌ی توران میرهادی، این سرآغاز فرهنگ‌نامه شد. این یک‌سوم دارایی رفت به شورای کتاب، برای شروع کار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان. او می‌گوید که گمان می‌کرد می‌توان با ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان سرمایه، فرهنگ‌نامه را طی سه‌چهار سال منتشر کرد. اما اکنون بیشتر از چهار دهه گذشته و هنوز کار بر روی فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان ادامه دارد. بیست جلد از فرهنگ‌نامه منتشر شده و پیش‌بینی شده است با انتشار شش جلد دیگر کار فرهنگ‌نامه تمام شود. این فرهنگ‌نامه برای کودکان و نوجوانان رده سنی ده تا شانزده سال تهیه شده است. در تهیه و تدوین این فرهنگ‌نامه حدود سیصد نفر مشارکت دارند. میرهادی در زمان انتشار این فرهنگ‌نامه با وزارت ارشاد بر سر برخی مداخل‌ها مشکل داشت و ناچار بود با سانسورچی‌های ارشاد بر سر آن بجنگد. یک بار وقتی جلد دوم فرهنگ‌نامه برای گرفتن مجوز به ارشاد فرستاده شده بود، ممیز ارشاد اصرار داشت که متن مقاله مربوط به اخوان ثالث از فرهنگ‌نامه حذف شود. توران میرهادی هم گفت: «اشکالی ندارد. اگر می‌خواهید، به‌جای مقاله چیزی چاپ نمی‌کنیم و آن بخش را سفید می‌گذاریم.» با این حرکت، سانسورچی ارشاد ناچار شد از تصمیمش عقب‌نشینی کند. خانم میرهادی تا آخرین روزهای زندگی‌اش از پله‌های ساختمان شورای کتاب با توان باقی‌مانده‌اش بالا می‌رفت و تعلیم‌وتربیت را یک جست‌وجوی مداوم می‌دانست. این تلاش ادامه داشت تا وقتی که در شهریور ۱۳۹۵ سکنه مغزی او را به بیمارستان برد و چند ماه بعد، در هجدهم آبان همان سال، درگذشت.

توران میرهادی با وجود ضربات شدیدی که در سال‌های زندگی به او وارد شد، دست از کارش نکشید. وقتی برادر هفده‌ساله‌اش در حادثه رانندگی جان باخت، وقتی شوهرش اعدام شد، وقتی پسر یازده‌ساله‌اش در سیل جان باخت و وقتی شوهر دومش بر اثر سرطان درگذشت، توران همچنان به فکر کودکان سرزمینش بود و نزدیک به چهار دهه بعد از مرگ شوهرش، فرهنگ‌نامه و شورای کتاب را سرپرستی کرد که حاصل آن، ۲۶ جلد فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوان است. توران میرهادی چهار دوره داور جشنواره هانس کریستین اندرسون بود. در تدوین و نوشتن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با سازمان کتاب‌های درسی و وزارت آموزش و پرورش همکاری داشت. درباره کودکان کتاب می‌نوشت و در شهرهای مختلف، کلاس تربیت مربی برگزار می‌کرد و در هر فرصتی ایده‌های خود را با صدای بلند فریاد می‌زد. در مجله سپیده فردا با نام مستعار افسانه پیروز مقاله می‌نوشت. وقتی از توران میرهادی پرسیدند چرا نام مستعار افسانه پیروز را برای خود انتخاب کرده است، گفت: «شاید چون زندگی و تلاش‌های زنان کشور ما ناشناخته بود و حالت افسانه‌ای داشت. احساس من این بود که زنان در همه دوره‌ها با همت تمام تلاش کرده‌اند و نهایتاً پیروزی را به دست آورده‌اند. تمام زنان ایرانی افسانه پیروز هستند. هم افسانه و هم پیروز.»



عاشق شدن، لحظه‌ای است که در آن قلب انسان، آهنگ تازه‌ای می‌نوازد، نوازی که نه تنها برای گوش، بلکه برای روح و وجود آدمی غریب است. گویا زمان می‌ایستد و هر لحظه‌ای که در حضور معشوق می‌گذرد، جاودان می‌شود. عاشق شدن، رنگ آمیزی دوباره دنیا است، جایی که خورشید طلوع می‌کند تا فقط گرمای عشق را به جانان بنشانند و هر نسیمی که می‌وزد، بوی خوش خاطراتی است که هنوز ساخته نشده‌اند.

عشق یعنی دیدن نور در تاریکی‌ها، شنیدن صدای قلبت در سکوت شب‌ها، و لمس لطافت زندگی در سختی‌ها.

عاشق شدن، سفری است به درون خودت، جایی که کشف می‌کنی چقدر توانایی عشق ورزیدن و چقدر مشتاقی که خود را گم کنی تا در دیگری پیدا شوی.

این حس، مانند قطره‌ای است که به دریای بی‌کران می‌پیوندد. با هر لبخند او، دنیایت زیباتر می‌شود و با هر نگاه، احساس می‌کنی همه دنیا را دوباره پیدا کرده‌ای. عاشق شدن، بیداری دل است، شعله‌ای که در عمق وجودت می‌درخشد و خاموشی‌ناپذیر است.

عشق، زبانی است که با آن حرف نمی‌زنند، بلکه احساس می‌کنند. لحظه‌ای که قلبت عاشق می‌شود، دیگر هیچ چیز در دنیا به همان شکلی که بود باقی نمی‌ماند. همه چیز خاص‌تر، زیباتر، و مهم‌تر می‌شود.

عاشق شدن، یعنی پذیرفتن که هیچ‌کس کامل نیست، اما با تمام وجود، کسی را دوست داشته باشی که برای تو کامل‌ترین است.

ادامه مطلب آیا ترامپ می‌تواند... از صفحه ۱۴

به گفته مانوئل پاستور، استاد برجسته در کالج USC Dornsife، ادعاهایی مبنی بر این که مهاجران غیرقانونی شغل‌های شهروندان آمریکایی را می‌گیرند، بی‌اساس هستند. پاستور اضافه کرد که بسیاری از مهاجران در بخش‌هایی کار می‌کنند که نیاز زیادی به نیروی کار دارند و تأثیر آنها بر بازار کار تکمیلی است، نه رقابتی، با نیروی کار متولد آمریکا. طبق گزارش موسسه بروکینگز، آنها همچنین به درآمد مالیاتی و تقاضا برای کالاها و خدمات مصرفی کمک می‌کنند، که این به درآمد شرکت‌هایی منجر می‌شود که در مقابل نیروی کار استخدام می‌کنند. یک مطالعه از دانشگاه کلرادو (دنور) نشان داد که وقتی نیم میلیون مهاجر از بازار کار حذف می‌شوند، تعداد افراد متولد آمریکا که شاغل هستند، ۴۴,۰۰۰ نفر کاهش می‌یابد. پاستور گفت: «پشت هر مهندس نرم‌افزار، یک ارتش از پرستاران کودک، کارگران خدمات غذایی و باغبانان وجود دارد. حذف آنها از نیروی کار می‌تواند کمبود شدید نیروی کار ایجاد کند، به ویژه در بخش‌های کلیدی مانند کشاورزی، ساخت‌وساز و احتمالاً مراقبت از سالمندان و رستوران‌ها.»

هزینه‌های گزاف: سپس موضوع هزینه‌های بالای اخراج‌های گسترده مطرح می‌شود. با هزینه تخمینی متوسط ۱۳,۰۰۰ دلار برای هر نفر، اخراج ۱۱ میلیون نفر حدود ۱۴۳ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. پاستور اضافه کرد که لفاظی‌های تحریک‌آمیز پیرامون اخراج‌های گسترده برای بحث‌های عمومی جدی درباره مسائل واقعی مهاجرت مخرب است. پاستور در سایت اینترنتی خود پرسید: «چه کاری باید برای ۱۱ میلیون مهاجر بدون مدرک، که اغلب مدت طولانی در کشور اقامت دارند، مالیات می‌پردازند و به اقتصاد ما کمک می‌کنند، انجام دهیم؟ چه سطحی از اجرای قانون باید در مرزها داشته باشیم؟ این‌ها همه بحث‌های جدی هستند. اما این [اخراج‌های گسترده] یکی از آنها نیست.»

بود توانست هر ماه اجاره را بپردازد. سال سوم که زن گرفت اجاره اش سه ماه سه ماه عقب افتاد. سال چهارم که زنش دو قلو زائید دیگر اصلاً نتوانست اجاره بدهد. سال پنجم یکی دوبار به سراغش رفتم و چنان از وضع زندگی او منقلب شدم و دلم به رحم آمد که نه تنها از خیر اجاره گذشتم بلکه مبلغی هم به آنها کمک کردم که ثواب داشته باشد. حالا دیگر مدتی است که به سراغ شان نمی‌روم، چون نه آنها پولی دارند که به من بدهند و نه من پولی دارم که به آنها کمک کنم.»

ادامه مطلب سرخپوستان آمریکایی... از صفحه ۲۳

این جوامع همچنان با تبعیض و نژادپرستی ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در عین حال، سرخپوستان تلاش کرده‌اند تا هویت و فرهنگ خود را حفظ کنند. جنبش‌های مدرن بومیان برای احقاق حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود تلاش می‌کنند. نمونه‌هایی از این تلاش‌ها شامل اعتراضات علیه ساخت خط لوله داکوتا و تلاش برای احیای زبان‌ها و سنت‌های بومی است.

سرخپوستان آمریکایی نه تنها اولین ساکنان قاره آمریکا بودند، بلکه فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی غنی و متنوع ایجاد کردند. با این حال، ورود سفیدپوستان و استعمار آنها منجر به نابودی بخش عمده‌ای از این فرهنگ‌ها و زندگی‌ها شد. تاریخ سرخپوستان یادآور ظلم و بی‌عدالتی است، اما در عین حال، مقاومت و تلاش آنها برای حفظ هویت و حقوق خود نیز الهام‌بخش است. برای جامعه جهانی، درک این تاریخ و حمایت از حقوق بومیان آمریکایی گامی ضروری برای ایجاد عدالت و برابری است.

ادامه مطلب برده داری در آمریکا... از صفحه ۴۴

اما این لغو به معنای پایان تبعیض نبود. قوانین «جیم کرو» در جنوب آمریکا شرایطی ایجاد کردند که همچنان سیاه‌پوستان را به حاشیه می‌راند و تبعیض را به صورت قانونی ادامه می‌داد.

برده‌داری در قالب‌های جدید: اگرچه برده‌داری به صورت رسمی پایان یافت، اما اشکال مدرن برده‌داری همچنان در جوامع معاصر وجود دارند. در ایالات متحده، بهره‌کشی از نیروی کار مهاجران، قاچاق انسان برای کار یا سوءاستفاده جنسی، و کار اجباری در برخی صنایع، نمونه‌هایی از برده‌داری مدرن هستند. سیستم زندان‌های آمریکا نیز یکی از مواردی است که مورد نقد قرار گرفته است. بر اساس قوانین موجود، زندانیان می‌توانند به کار اجباری مشغول شوند، و بسیاری از شرکت‌های بزرگ از نیروی کار ارزان زندانیان سود می‌برند. این مسئله به‌ویژه زمانی بحرانی‌تر می‌شود که بدانیم درصد قابل توجهی از زندانیان را سیاه‌پوستان و اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند، که این نشان‌دهنده ادامه نژادپرستی ساختاری است.

نژادپرستی و تأثیرات تاریخی برده‌داری: نژادپرستی در آمریکا عمیقاً ریشه در تاریخ برده‌داری دارد. بسیاری از سفیدپوستان آمریکایی، آگاهانه یا ناآگاهانه، همچنان باورهای برتری‌طلبانه نسبت به نژاد خود دارند. این دیدگاه‌ها در سیاست، سیستم قضایی، آموزش، و حتی زندگی روزمره تأثیرگذار است. جنبش‌های مدرن مانند «جان سیاه‌پوستان مهم است» (Black Lives Matter) تلاش می‌کنند تا به این تبعیض‌ها پایان دهند و آگاهی عمومی را درباره نژادپرستی ساختاری افزایش دهند. با این حال، پیشرفت‌ها در این زمینه کند بوده است و بسیاری از سیاه‌پوستان همچنان با موانع اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند که ریشه در تاریخ برده‌داری دارند.

اگرچه برده‌داری به صورت قانونی پایان یافته است، اما اشکال مدرن آن و نژادپرستی ساختاری همچنان وجود دارند. برای حرکت به سوی آینده‌ای برابر و عادلانه، ضروری است که جامعه آمریکا به گذشته خود نگاه کند، از آن درس بگیرد، و برای از بین بردن تمام اشکال تبعیض تلاش کند.

ادامه مطلب اجاره نشین... از صفحه ۳۸

خانم که از دیدن آنها به وحشت افتاده بود جیغ کشید و بچه‌ها وسط حیاط دویدند و آنقدر داد و فریاد به راه انداختند که مردها فوراً برگشتند و گور خود را کم کردند. بعد معلوم شد کسی که قبلاً در آن خانه نشسته بوده، هم خودش شیره می‌کشیده و هم آنجا را شیره کش خانه کرده بوده و چند مشتری خصوصی داشته و برای این که مشتریان خود را از بازرسان تشخیص دهد و مچش گیر نیفتد، با آنها قرار گذاشته که همیشه به جای زنگ زدن سه تا سنگ بیندازند تا او بداند که چه کسی است و در را باز کند.

جالب‌تر از همه مالکی بود که گفت: «من مدت‌هاست که از مستاجر خود خیر ندارم، گفتم: «خوشا به حالت! لابد مرتب اجاره خود را برایت می‌فرستد». خندید و گفت: «ای کاش اینطور بود. ولی قضیه برعکس است. من یک خانه مخروبه کلنگی هفتاد متری دارم که فقط دو اطاق دارد و یک زیر زمین. این خانه را ده سال قبل به مردی اجاره دادم که همیشه هشتت گرو نه اش است. فقط سالهای اول و دوم که مجرد

ادامه مطلب خاطراتی از هنرمندان... از صفحه ۳۹

این جوک‌ها که مرتباً از طریق دوستان به گوش صادق پور می‌رسید، او را کلافه می‌کرد و همیشه به ما هشدار می‌داد که از شوخی کردن و جوک ساختن برای او خودداری کنیم. یک روز که من و انتظامی از اول لاله زار میدان سپه به طرف چهارراه استانبول می‌رفتیم، صادق پور را دیدم که در طبقه دوم تئاتر گیتی پشت شیشه ایستاده و برای تبلیغ نمایش «بیژن و منیژه» از داخل میکروفن پیامی به این مضمون می‌فرستد: «امشب بزرگترین نمایش تاریخی با شرکت هنرمند محبوب و بی‌نظیر صادق پور» من و انتظامی از این طرز تبلیغ خنده‌مان گرفته بود و صادق پور از آن بالا ما را می‌دید که ایستاده ایم و می‌خندیم، ناگهان دنباله تبلیغ را رها کرد و از داخل میکروفن گفت که «انتظامی، خطیبی وایسید که آدمم، به محض شنیدن این تهدید، من و انتظامی با قدم‌های سریع به راه افتادیم، لحظه‌ای بعد صادق پور به خیابان آمد و شروع به دویدن کرد تا بالاخره رو به روی پاساژ بهار جلوی ما را گرفت. انتظامی گفت که «این جوک‌ها به شهرت و معروفیت تو کمک می‌کند» و صادق پور جواب داد که «من که از تو معروف‌ترم، اگر راست می‌گویی برای خودت جوک بساز که معروف بشوی.»

انتظامی و مرتضی احمدی مدتها در برنامه مخصوص کارگران که روزهای چهارشنبه از رادیو تهران پخش می‌شد با من همکاری داشتند. در نمایشنامه «بازرس» اثر گوگول، نویسنده روس، آنها نقش آقایان «بوچینسکی» و «دوچینسکی» را به عهده داشتند. من و عطاءالله زاهد و مشکین، هر یک چندین نقش را با صداهای مختلف اجرا می‌کردیم. در این نمایشنامه «عصمت صفوی»، «نیکتاج صبری» و «رقیه چهره آزاد» هم شرکت داشتند. در آخرین سال‌های اقامت در ایران متأسفانه کمتر با انتظامی برخورد داشتم. هم من و هم او گرفتار زندگی و کارهای هنری و اداری خودمان بودیم. با این حال او همیشه و در همه جا از من با احترام یاد کرده و به عنوان یک هنرمند حق شناس و یک انسان خوب و منزه مورد علاقه من بوده و هست. نوشته کوتاه او که پشت جلد مجموعه تصنیف‌های فکاهی من است، صداقت و حق شناسی او را اثبات می‌کند: «عزیزم پرویز، گذشت زمان عظمت و بزرگی ترا ثابت خواهد کرد و نبوغ ترا نسل آینده کشف خواهد کرد. تو آئینه زمان بودی. تو با اشعارت درون کثیف و لجن زار اجتماع را بررسی می‌کردی. افتخار می‌کنم که قطره کوچکی در این ماجرا بودم، عزت‌الله انتظامی - مهرماه ۵۱

قطره‌ای که امروز دریاست و لقب گرانترین هنرمند سینمای ایران را به خودش اختصاص داده است.

نهراسیده و حل آن را بر عهده گرفته و کتابی پرارزش را با این جرأت و همت به فارسی‌زبانان عرضه کرده است.^(۱۰)

نویسنده در بیان دشواری کار دریافتن معادلی برای اصطلاحات علمی جدید در زبان فارسی یادآور می‌شود: «کسانی که با علم سروکار ندارند نمی‌دانند که شماره‌الفاظ و اصطلاحات جدید مورد نیاز چقدر فراوان است. درباره‌ی این که لفظ «سه‌گوش» به جای «مثلث»، یا «چهارگوش»، به جای «مربع» خوب است یا خوب نیست می‌توانند چانه‌بزنند و وقت بگذرانند که جز همین چند مفهوم معدود از ریاضیات و هندسه در ذهن ایشان وجود ندارد. اما کسانی که با ریاضیات عالی سروکار دارند کجا فرصت و مجال آن را می‌یابند که درباره‌ی این معانی کودکانه و ابتدایی وقت و عمر را صرف کنند؟»

اما مترجم فاضل «زمینه‌ی جامعه‌شناسی»، که در برابر این ضرورت علمی قرار گرفته کوشیده است که تا می‌تواند این مشکل را حل کند و پنجاه صفحه «واژه‌نامه» این کتاب نشانه‌ی این کوشش دشوار پرارزش علمی است.^(۱۱)

گفتنی است که سال‌ها بعد، داریوش آشوری درباره‌ی زبان علمی و نیاز به آن در زبان فارسی دنباله‌کار را گرفت و مقالاتی نوشت و معادل‌هایی برای مفاهیم علمی مدرن پیشنهاد کرد.^(۱۲)

در بررسی کتاب، در پی «زمینه‌ی جامعه‌شناسی» از ترجمه‌ی عبدالله فریار از کتاب «مردم‌شناسی ایران» هنری فیلد یاد می‌شود که تاکنون، چه به‌طور عام و چه خاص درباره‌ی مردم ایران تاکنون کتابی با این اهمیت به زبان فارسی منتشر نشده است.

۱. همان، ص ۳۳۱ - ۲. همان، ص ۲۳۲ - ۳. همان - ۴. همان، ص ۲۳۳-۲۳۴
۵. همان، ص ۲۳۶ - ۶. همان، ص ۲۳۹ - ۷. همان، ص ۲۴۰ - ۸. همان - ۹. همان، ص ۲۴۱ - ۱۰. همان، ص ۲۴۲ - ۱۱. همان - ۱۲. داریوش آشوری، فرهنگ علوم انسانی، تهران: مرکز، ۱۳۷۴.

ادامه مطلب هفتاد سخن... از صفحه ۷

کتاب دیگری که در این یادداشت‌ها از آن یاد شده چاپ عکسی‌الاینه عن حقایق الادویه، قدیم‌ترین نسخه‌ی تاریخ‌دار فارسی در داروشناسی است. کاتب این نسخه اسدی طوسی سراینده‌ی گرشاسب‌نامه و مؤلف لغت فرس اسدی است که آن را در ۴۴۷ هجری، بیش از هزار سال پیش نوشته و پیش از این به همت زلیگمان، خاورشناس اطریشی، در ۱۸۵۹ در وین چاپ شده بود. و بار دیگر احمد بهمنیار آن را تصحیح کرده و حسین محبوبی اردکانی چاپ کرده است.

تاریخ تمدن ساسانی، تألیف علی سامی، باستان‌شناسی دانشمند، در وضع تمدن ایران در زمان ساسانیان نوشته شده و در آن از وضع دربار شاهنشاهی، تکالیف شاه، تعیین ولیعهد، لباس‌ها و زیورها، تاج و مهر و بخشش‌های شاهانه، اعزام سفیر، پذیرفتن نمایندگان خارجی، تقسیم طبقات کشوری و لشکری، سپاه، وضع اجتماعی مردم و طبقات، معماری و جز این یاد شده است.

استاد خانلری مطالب این کتاب را خوب و آموزنده و انشای آن را «در کمال بدی» می‌داند. تا آنجا که خواننده را از ادامه‌ی مطالعه باز می‌دارد و یاد آور می‌شود «کاش مؤلف فاضل پیش از چاپ، کتاب خود را به کسی که زبان فارسی را بهتر می‌دانست داده بود تا عبارت‌های ناهموار و پرغلط آن را سروصورتی بدهد.»^(۶)

کتاب دیگری که نویسنده به بررسی آن پرداخته «گنجینه‌های آثار تاریخی اصفهان» از لطف‌الله هنرفر است که به گمان او «جامع‌ترین و کامل‌ترین کتابی است که تاکنون درباره‌ی آثار تاریخی شهر اصفهان نوشته شده است.»^(۷)

در این کتاب، مؤلف کوشیده که همه‌ی بناها و آثار معماری این شهر تاریخی را معرفی کند. اما به گمان استاد خانلری «مقدمه‌های بی‌معنی و لوس از اشخاص بی‌اطلاع در ۴۸ صفحه از ارزش مطالب متن نمی‌کاهد.»

از کتاب «مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی» نیز در این بررسی به عنوان «یکی از تحقیقات خوب و پرارزش» یاد شده است. بحث منوچهر مرتضوی، استاد دانشکده ادبیات تبریز «محققانه و مشتاقانه حاوی نکته‌های لطیف و دقیق» است که هر کس که با این سخنور جادوسخن سروسری داشته باشد از خواندن این کتاب بهره‌مندی بسیار می‌تواند یابد.^(۸)

در این بررسی، کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» دائرةالمعارف فارسی در دانش پزشکی، تألیف اسماعیل جرجانی از متون قدیم است که در تاریخ علم طب در ایران اهمیت بسیار دارد، اما به گمان بررسی‌کننده، «کتابی که انتشار یافته نه طبع انتقادی یک متن اصلی شمرده می‌شود، نه بحث درباره‌ی ارزش علمی و تاریخی، بلکه چیزی است میانه‌ی این دو امر مختلف و از هیچ جهت درخور استفاده نیست... سه پزشکی که با انجمن آثار ملی در نشر این کتاب همکاری داشته‌اند (محمدحسین اعتمادی، محمدشهراد، جلال مصطفوی) با کار تصحیح و تهیه‌ی متن انتقادی آثار گذشته آشنایی نداشته‌اند. چند نسخه از کتاب را در اختیار داشته‌اند، اما نه به خصوصیات این نسخه‌ها اشاره کرده‌اند و نه نسخه‌ی بدل‌ها را ثبت کرده‌اند. به جای این کارها غالباً در حاشیه و گاه در متن توضیحات مفصل پزشکی داده‌اند که آن‌ها هم غالباً از نظر تاریخ علم سودمند نیست و فقط نشانه‌ی فضل‌فروشی نویسندگان می‌تواند بود. حتی گاهی میانه‌ی متن را بریده‌اند تا چندین صفحه معلومات جدید خود را، که هر پزشکی می‌داند و در هر کتاب درسی پزشکی می‌توان یافت، به خرج خوانندگان بدهند.»^(۹)

ناگفته نماند زمانی که استاد خانلری در سال ۱۳۴۴ «بنیاد فرهنگ ایران» را تأسیس می‌کند، فرصت می‌یابد یک نسخه‌ی رونوشت عکس‌برداری شده از متن کامل دست‌نویس «ذخیره خوارزمشاهی»، مورخ ۶۰۳ قمری (۱۲۰۶ میلادی) را منتشر کند. «زمینه‌ی جامعه‌شناسی» ترجمه‌ی امیرحسین آریان‌پور از کتاب دو مؤلف امریکایی در آشنایی خوانندگان فارسی‌زبان با اصولی علمی جامعه‌شناسی اثر مفیدی است که به بررسی آن پرداخته شده است. مترجم در مقدمه‌ی کتاب یاد آور می‌شود: «از زمانی که مفهوم و کلمه‌ی «جامعه‌شناسی» به ایران آورده شد و نخستین کتاب منظم جامعه‌شناسی انتشار یافت، بیش از بیست سال می‌گذرد، ولی گفتنی است که هنوز در این زمینه کتابی جامع به فارسی نوشته نشده است.»

خانلری درباره‌ی اهمیت و ارزش حاصل کار آریان‌پور در ترجمه‌ی «زمینه‌ی جامعه‌شناسی» می‌گوید: «کار مترجم اینجا بسیار دشوار بوده است، زیرا که می‌بایست یک سلسله از اصطلاحات جدید علمی را که طبعاً در فارسی وجود نداشته بسازد، یا به طریقی مفهوم آن‌ها را برای فارسی‌زبانان توضیح و تفسیر کند. دکتر آریان‌پور از این مشکل بزرگ

ادامه مطلب طنز در رمان... از صفحه ۶

گذشت. او که ادیب و پژوهشگر بود تا رمان نویس و قصه نویس، طنزی کوبنده و درعین حال ظریف دارد. نوشته های سعیدی را، خواه منثور و خواه منظوم، به دو قسمت می توان تقسیم کرد. آنهایی که در وهله اول طنز آمیز هستند و به قصد انتقاد سیاسی و اجتماعی نوشته شده اند مثل «شیخ صناعان» و آنهایی که نه در اساس بلکه به طور ضمنی طنز آمیز هستند، مثل مقالات ادبی و سیاسی او. طنز در اکثر نوشته های سیرجانی وجود دارد و بعضی از عناوین کتاب های او نیز قسمتی است از یک شعر طنز آمیز. مثلاً «در آستین مرقع» از این شعر حافظ است:

در آستین مرقع پیاله پنهان کن که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است
و یا عنوان «ای کوته آستینان» از این شعر حافظ است:

صوفی پیاله یما حافظ قرابه پذیر ای کوته آستینان تا کی دراز دستی؟

گاهی در مقالات سعیدی طنز به صورت ضمنی به کار برده می شود. مثلاً به زعم وی کم سواد صانع خلخال باعث شده که یک روایت تاریخی را به نحو مضحکی بیان کند و «راهزنی» را «راه زنی» یا رفتاری مانند زنان حساب کند و از این جهت چون در «تاریخ ایران باستان» از حسن پیرنیا خوانده که فکر کرده است که «کورش در اوایل کار راهزنی پیشه کرد، فکر کرده است که کورش همجنس باز بوده است».

سعیدی می نویسد: «به علت درک ناقص و ذهن منحرف خویش گمان کرده بودیم که کورش هم مثل بسیاری از سران قبایل و بزن بهادرهای روزگار در آغاز کارش بر کاروانها هجوم می برده و راهزنی می کرده است، و این را عیب چندانی برای سرداران و جهانگشایان آن روزگار نمی شمردیم. غافل از این واقعیت که «راهزنی پیش گیر» را اولاً باید به این صورت خواند که «راه زنی پیش گیر» و معنی اش را هم در محضر مبارک حضرت آیه الله آموخت که عین عبارت «کنزیاس» را در داخل پراتنزی گذاشته و در صفحه ۲۷ تالیف منیف خویش آورده اند، و با مدد طبع موشکاف و روح عفیف خویش مفهومش را هم داخل پراتنزی گذاشته و بدین صورت آورده اند: {مورخ مذکور بنا به نوشته ایران باستان به قلم آقای مشیرالدوله پیرنیا ص ۴۲۰ می گوید که کنزیاس می گوید کورش پسر جوانی بود از اهل «مر» که از شدت احتیاج مجبور گردید راه زنی پیش گیرد (لواط بدهد) آری این است نص عبارت حضر تشان}.

گاهی در نقدهای ادبی خود، به شیوه ای که یادآور سبک طنز حافظ در مورد مخالفان اوست، در لباس توصیف و تمجید با منتهای ادب ولی با طنزی گزنده از ادیب یا مصححی که اشتباهی کرده است انتقاد می کند. مثلاً در مورد منصور ثروتیان که خسه نظامی را ویراستاری کرده است می گوید: «مبادا تصور فرمایید سلامت فکر و طهارت روح محقق محترم منحصر به همین مورد است. خیر، ایشان در بسیاری موارد متوجه بی ادبی های شیخ گنجوی بوده اند و کجروی های طبع منحرفش که غالباً نکات ادبی را با مسائل جنسی می آمیخته است. اما با ظرافتی انصافاً دلنشین ذهن خواننده را متوجه مقوله فرموده اند بی آن که قلم نازنینشان به قبیح کلام آلوده گردد.» (۶)

نوع دیگری از طنز در مقالات سعیدی وجود دارد که آن را «طنز ایهامی» یا غیر مستقیم می توان نامید. مثلاً در مورد عصر حافظ حرف می زند ولی خواننده آگاه به زودی در می یابد که قصد سعیدی انتقاد از قدرتمندان عصری دیگر است. می نویسد: «فریاد دردآلود حافظ، خطاب به مرشدان سختگیر و بی گذشتی است که به جرم دزدی نانی دست بینوای عیالمندی را به ساطور قصابی می سپارند و خود به غارت بیت المال مشغولند و از هر بازخواستی مصون. خطاب به شرعتمدار محتسب مزاجی است که جوان می زده زیر ضربات تازیانه اش جان می دهد و او خود در اوج مستی از شراب غرور صد کند که که غلامست آن را ...» (۷)

مقدمه «وقایع اتفاقیه: گزارش خفیه نویسان انگلیس در اواخر عهد قاجار (تهران ۱۳۸۳)، که در واقع مجموعه ای از یادداشت هایی است که یکی از مخبرین اطلاعاتی انگلستان در سال های آخر پیش از مشروطه از اوضاع و احوال ایران و خصوصاً ایالت فارس و به ویژه تحولات سیاسی و مذهبی در شیراز نوشته و برای سفارت انگلستان در تهران ارسال می کرده است، از این گونه طنزها دارد.

«شیخ صناعان»، که بر اساس داستان مشهور عطار در «منطق الطیر» نگاشته شده است، مقارن گرفته شدن گروگان ها به صورت پاورقی در مجله «نگین» شروع شد و در پنج شماره ادامه یافت تا به جریان حمام جنیان و گرفتن آن، که همان گرفتن سفارت آمریکا باشد، رسید و بعد از آن «نگین» بسته شد و داستان ناتمام ماند. البته بسته شدن «نگین» به خاطر این داستان نبود. سعیدی در سفری که به نیویورک کرد می خواست تمام داستان را به صورت کامل چاپ کند ولی این کار در زمان حیات او عملی نشد. این داستان یک بار به صورت نیمه تمام در لس آنجلس و در سال ۲۰۰۷ در وودلند هیلز (۸) کالیفرنیا به صورت کامل چاپ شد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۹

داستان «در حضر» در آخرین روزهای رژیم شاه و دقیق تر بگوئیم از حوادث میدان زاله شروع می شود و به جریان انقلاب و حوادث بعد از آن می رسد، ولی «در سفر» شرح زندگی دسته ای از روشنفکران ایرانی است که در سال های اوایل انقلاب در پاریس به سر می برند و گه گاهی مزه پنجه بوکس چریک ها، مشت و لگد مجاهدین و چوب و چماق حزب الهی ها را در تجمعات مختلف، در کوچه پس کوچه های پاریس و یا در دالان های مترو می چشند. امیرشاهی تمام جریانات را به طرز زیبایی با ریزه کاری و نکته سنجی خاص خود ترسیم می کند. بعضی ها اصلاً منطق سرشان نمی شود و مثلاً مهدی و مهین که تازه از تهران آمده اند می خواهند که «خان» برایشان ویزای آمریکا بگیرد، در صورتی که معلوم نیست به خود «خان» هم ویزای آمریکا بدهند. اصولاً اشخاصی که امیرشاهی وصف می کند طیف وسیعی را در بر می گیرد. بعضی ها هم آدم های صادقی نیستند. مثلاً یکی که از زنش کتک خورده و نامود می کند که مورد ضرب و شتم مخالفان دموکراسی قرار گرفته است. اصولاً دموکراسی برای این دسته از برون مرزی ها حکم بیت المال دارد. همه خودشان را مدافع آن می دانند ولی فقط برای منافع شخصی از آن استفاده می کنند. ربودن «ناوچه تبریزین» و قهرمانی های مربوط در دسته های سیاسی جوش و خروش خاصی انداخته است، و عده ای از سیاسیون قرار می گذارند که در یکی از جنگل های حومه پاریس چند روزی آمادگی نظامی ببینند. ولی طبیعی است که در این تمرین ها روشنفکران تیتیش مامانی که بیشتر به خوب بودن شراب بوژوله فکر می کنند تا مشقت های تمرین نظامی، ره به جایی نمی برند. تقسیم بندی که از افراد می شود خود گویای طرز کار آنهاست: «افسران، سربازان را به سه رسته تقسیم کردند. رسته اول فوراً نام «عقاب» بر خود گذاشت و دو رسته دیگر به چشم و هم چشمی پی عنوان های جنگی تر رفت: دومی «آژدرافکن» شد و آخری «پیل کوب» اما اسامی مسخره ای که هر رسته به رسته های دیگر داد پدیدارتر ماند: «عقاب»، «کلاغ» شد، «آژدرافکن» «کلوخ انداز» و «پیل کوب» «گوشت کوب» و عملیات آغاز شد. (۳)

مسئله دیگری که اغلب در داستان های امیرشاهی مطرح است توصیفی است که نویسنده از خودش می کند و نقشی فعال به خودش می دهد، نه تنها به عنوان راوی بلکه به عنوان یک شخصیت خود را به صورت طنز آمیزی تصویر می کند. مثلاً در «خانواده آینده آقاداتاش» شرح رفتن خودش و عده ای از اقوامش را به رستورانی می دهد و می گوید او این بار مشروب خورده و تاحدی مست می شود و در برابر برادر بزرگ و دیگر اقوامش کارهایی می کند که آنها را شوکه می کند. مهشید در این جا خود را با نام سوری چون دختری جوان و عاصی و تا حدی بازیگوش تصویر می کند که در برابر افکار سنتی و مردسالارانه قد علم می کند. به طور کلی امیرشاهی دلبنسته خاطرات دوران کودکی و جوانی خودش است و با نثری شاعرانه آنها را وصف می کند و از ملال زندگی به آنها پناه می برد. خودش می گوید: «قصه هایی که خودم در زمینه اش نیستم معدود است و روشن» منتها تنوع زمینه داستانهای امیرشاهی فوق العاده است: از تجربه های نوستالژیک دوران کودکی در «مجموعه کوچه بن بست» (۱۳۴۵) گرفته تا نگرشی تلخ و توأم با طنز تند اجتماعی در «داستانهای سوری» و رمان های مشهورش. در داستان های اخیر امیرشاهی یا سوری را دختری تیزهوش و رک گو و درعین حال خجالتی از طبقه متوسط می یابیم که به قول حسن عابدینی بر حماقت ها، خودنمایی ها، ریاکاری ها و ظاهرسازبهای اطرافیانش با زیرکی انگشت می گذارد و از هم پاشیدگی درونی یک طبقه را با مضحکه ای سرخوشانه نشان می دهد. طنز نهفته در مناسبات افراد خانواده از طریق قرار گرفتن سوری در موقعیتی نابجا، و در نتیجه پدید آمدن رابطه و جوی کمیک، صورت می گیرد.» (۴)

خود امیرشاهی می گوید: «شوخی و مزاح چیزی است که من بدون آن نمی توانم زندگی کنم، در حالی که بعضی از نویسندگان ایرانی نمی توانند با آن همزیستی داشته باشند. به نظر من این دسته از نویسندگان شوخ طبعی را مخصوص طنزنویسان مجلات می دانند و در نوشته های جدی جایی برای آن نیست. و من زیر کلمه جدی خط می کشم و می گویم که با این کار موافق نیستم.» امیرشاهی معتقد است که حتی در شرایطی مخوف و یأس آور می توان رگه هایی از کمدی و جنبه هایی از طنز یافت که می توانند بار یأس و حرمان را تا حدی سبک تر سازند. می گوید: «عده معدودی از داستانهای من خالی از شوخی و شوخ طبعی است و به صراحت می گویم که آنها را کمتر دوست دارم.» (۵)

در اینجا نمی توان از طنزهای زنده یاد سعیدی سیرجانی (۱۳۱۰-۱۳۷۳) نادیده

ادامه مطلب درباره لنین... از صفحه ۱۰

زمانی نیز به یکی از همکاران نزدیک می گوید که گمان نمی کند انقلاب در دوران زندگی او آغاز شود و بتواند شاهد پیروزی انقلاب باشد. گرچه در آغاز جنگ جهانی اول سربازان ارتش تزار «نیکولای دوم» به پیروزی هایی دست می یابند و پیشرفت های نمایانی دارند اما به زودی آثار عقب نشینی، شکست و درماندگی پدیدار می شوند. گرچه تزار گاه به گاه توانایی هایی از خود بروز می دهد اما در مجموع مردی ناتوان و سست اراده است. تزار بیشتر از همسرش حرف شنوی دارد و به دستورهای او عمل می کند تا به نظرها و راهنمایی های مشاوران سیاسی خود. همسر تزار نیز به نوبه خود به شدت زیر تأثیر آموزش ها و نظریات یک «شارلاتان مذهبی» است که «راسپوتین» نام دارد. فساد در درون دستگاه تزار ناشایستگی بسیاری از فرمان روایان و سران ارتش، خشونت و شدت عمل پلیس مخفی روسیه تزاری و در پایان شکست در جبهه های جنگ دست به دست یکدیگر می دهند و امپراتوری روسیه با هرج و مرج و آشفتگی بزرگ فاصله چندانی ندارد. بسیاری از مردم، در شهر و روستا، از کم غذایی، گرسنگی، آثار جنگ، ناشایستگی تزار، دخالت های بی پایان همسر او و به ویژه نفوذ و نقش «راسپوتین» در حکومت به جان آمده اند. بار دیگر اعتراض ها، راه پیمایی ها و اعتصاب ها از سر گرفته می شوند. مجلس ملی یا «دوما» با دولت مخالفت می کند و فریاد اعتراض نمایندگان مجلس بلند می شود.

شعله های بزرگترین انقلاب جهان: از همان آغاز سال ۱۹۱۷ حکومت تزار با دشواری های کمر شکن روبرو می شود. سرمای کشنده، راه بندان ها، کمبود مواد غذایی و گرسنگی، شورش های خیابانی، اعتصاب ها و فرار سربازان از جبهه های جنگ، از هرج و مرج و فروپاشی حکومت خبر می دهند. تزار که رهبری جنگ را در جبهه بر عهده گرفته، فرمان سرکوبی و برقراری آرامش را صادر می کند. موج شورش های خیابانی و مخالفت با حکومت تزار به ویژه در «پتروگراد» یا پایتخت نیرومندتر می شود. مردم مغازه ها را غارت می کنند. راه پیمایی های بزرگی در شهر ترتیب داده می شوند. ارتش تزار و دستگاه پلیس مخفی او آن چنان که مورد نظر حکومت است واکنش نشان نمی دهند. برای نخستین بار سربازان با مردم همدردی می کنند و سپس به تظاهر کنندگان و شورشیان می پیوندند. اعتصابهای کارگران کارخانه ها و فرار آنان از کار سبب می شوند تا پایتخت درهم ریخته و فلج جلوه کند. تزار از جبهه رهسپار پایتخت می شود تا خود نظم را به کشور بازگرداند. اما در راه به شورش های عظیم بر می خورد و به ناچار نظام سلطنتی مشروطه را می پذیرد. اما بسیار دیر شده است و در پایان در ماه مارس همان سال از مقام امپراتوری کناره گیری می کند. دوران سیصد ساله فرمان روایی خانواده تزاران روس، رومانوف ها، به پایان می رسد.

لنین و همکاران نزدیک او در سوئیس رویدادهای بزرگ روسیه را با دقت بسیار زیر نظر دارند. لنین می گوید روسیه باید هرچه زودتر از جنگ کناره گیری کند. دولت آلمان که با روسیه در حال جنگ است از این خواست لنین به شدت هواداری می کند، زیرا از جنگ در جبهه شرقی خود آسوده خواهد شد. پس از کناره گیری تزار، سوسیالیست های انقلابی و منشویک ها بار دیگر «سوویت» یا شورای کارگران را پدید می آورند. نمایندگان مجلس ملی «دوما» و نمایندگان شورای ائتلافی می کوشند تا «دولت موقت» را پایه گذاری کنند. مردی به نام «کرنسکی» در نقش مرد قدرتمند نمایان می شود. وی وکیل دادگستری است و سی و شش سال دارد. هم شهری لنین، سخنران توانا و مردی بی باک است. افکارش نزدیک به اندیشه های سوسیالیست های انقلابی است. کرنسکی می گوید همه زندانیان سیاسی را آزاد خواهد کرد و تمام تبعید شدگان که در سیبری و اروپا هستند آزادند. وی وعده آزادی، دموکراسی برابری و اصلاحات اجتماعی می دهد. لنین پس از شنیدن خبرهای پایتخت و آگاهی از رویدادهای ناگهانی، دچار شگفتی و ناباوری می شود. استالین یکی از نخستین تبعیدیانی است که از سیبری خود را به پایتخت می رساند و بار دیگر مقدمات انتشار روزنامه «پراودا» را فراهم می کند. لنین که سالیان دراز از نظریه های «انقلاب پرولتاریا» و سوسیالیسم هواداری کرده، هرگز نمی تواند تشکیل دولت موقت ائتلافی و اصلاحات تدریجی را بپذیرد. از همان آغاز تشکیل این دولت به ریاست کرنسکی با تمامی توان خود با آن در می افتد. لنین این نظرها را در کتابی که در دست نوشتن دارد، «دولت و انقلاب» بیان می کند. لنین با توجه به رویدادهای پایتخت تصمیم می گیرد که هر چه زودتر به روسیه بازگردد. در این زمان آلمانی ها قطاری در دست در اختیار لنین و همکاران نزدیک او می گذارند و تریبی می دهند تا از سویس، از راه آلمان به سوئد برود و از طریق فنلاند خود را به مرز کشورش برساند.

ادامه مطلب طنز در رمان... از صفحه ۵۸

جالب این که در ضمن حسن خیاط باشی آن را به صورت یک کتاب صوتی هم در آورده و لهجه ها و نحوه حرف زدن تمام شخصیت های داستان را به خوبی تقلید کرده است.

آثار داستانی که در این فصل بحث شده اند انواع مختلف طنز و انتقاد، از تمثیل و انتقاد مستقیم تا کمدی توأم با طنز را در بر می گیرند. مثلاً در حاجی آقا به نظر می رسد که هدایت تصویری بی اغماض و حتی مشتمن کننده از قهرمان خود به دست می دهد، بی آن که برای او جنبه خوبی قایل شود. در «توپ مرواری» هدایت طنز و هجو متناقض و عجیب (Grotesque) را با هم مخلوط می کند. در بعضی از داستان های چوبک بار تراژدی بر طنز او سنگینی می کند. اگر «توپ مرواری» را هجوی علیه شعائر مذهبی و رضاشاه بگیریم و آثار شاهانی را کمدی هایی اجتماعی تلقی کنیم، آثار بحث شده در این فصل طیف وسیعی را در بر می گیرند. در حالی که تمام این نویسندگان کمبودها و معایب اجتماع ایران را به باد انتقاد می گیرند و احتیاج به تغییرات را گوشزد می کنند، هیچ یک از آنها پیشنهادی برای آینده ندارد. به عبارت دیگر ما نمی دانیم به جای آنچه مورد انتقاد است معلوم نیست چه می خواهند بگذارند. البته اصولاً طرح و نقشه برای آینده جزو کارهای طنزنویس نیست، و او در اوج خشم و ناراضیتمندی می ستیزد و به معایب حمله می کند و راه اصلاح را نشان نمی دهد.

۱. Paul Sprachman, "Ebrahim Gulistan's The Treasure: A Parable of Cliche and Consumption" Iranian Studies 15, no 1-4, (1982): 155-80

۲. ابراهیم گلستان - اسرار گنج دره جنی، ص ۱۲۵

۳. در سفر، لس آنجلس، ۱۳۷۴، ص ۳۷

۴. حسن عابدینی، صد سال داستان نویسی ایران، ویراست دوم، تهران ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۳۲

۵. از سایت مهشید امیرشاهی (قسمت انگلیسی) معرفی «مهشید توسط امیرشاهی»

۶. ته بساط، واشنگتن، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶

۷. ای کوته آستینان، واشنگتن، ۱۳۶۷، ص ۲۸۷.

۸. Woodland Hills

ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۲۴

تاملی کردم و دیدم:

ز حکم اش جان نشاید برد کز هر سو که می بینم

کمین در گوشه ای کرده است و تیر اندر کمان دارد

این گونه بود که به سمنان رفته و شدم آقای مدیر کل! و تازه آنجا بود که فهمیدم که این دریا چه موج خونفشان دارد، و آنجا بود که فهمیدم با چه گرگ های گرسنه ای باید دست به گریبان بشوم. چند ماهی ماندم و پوسیدم. مدام گریزگاهی می جستم که تن رها کنم و بگریزم. سرانجام روزی مغولان از راه رسیدند و چشمانم را بستند و به زندانم بردند. به چه جرمی؟ هنوز نمی دانم. شاید به جرم همدلی با دکتر نورعلی تابنده که درویش بود و رهبر فرقه ای از درویش گنابادی بود و به داغ و درفش خمینی گرفتار آمده بود. پس از آن ماجراهایی بر من گذشت که به وصف ناید.

امروز که یادها و یادگارهای گذشته را مرور می کردم، چشمم افتاد به حکم انتقام از شیراز به سمنان. دیدم چهل سال پیش حقوق و مزایای ماهانه جناب آقای مدیر کل مجموعاً هفت هزار و دویست و چهارده تومان بوده است که به پول امروز با توجه به قیمت دلار می شود ده سنت! ما همه چیز دیده بودیم مگر مدیر کل ده سنت! مدیر کلی که دستمزد ماهیانه اش ده سنت بود!

پژواک، نشریه برگزیده شمال کالیفرنیا

با درج آگهی در نشریه پژواک،

پیشنه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408) 221-8624



Three acclaimed films by Iranian directors in 2024

Jamileh Davoudi

The films **My Favorite Cake** by Maryam Moghaddam and Behtash Sanaeeha which premiered in Berlin Film Festival, and **The Seed of the Sacred Fig** by Mohammad Rasoulof and **The Apprentice** by Ali Abbasi which both premiered in Cannes film festival, all received a lot of attention internationally.



My Favorite Cake

My Favourite Cake the latest film by Maryam Moghaddam and Behtash Sanaeeha, directors of the powerful movie, *Ballad of a White Cow* (قصیده گاو سفید), breaks many taboos both in content and form. For more than forty years, women have been shown with scarves even at private spaces whether cooking in

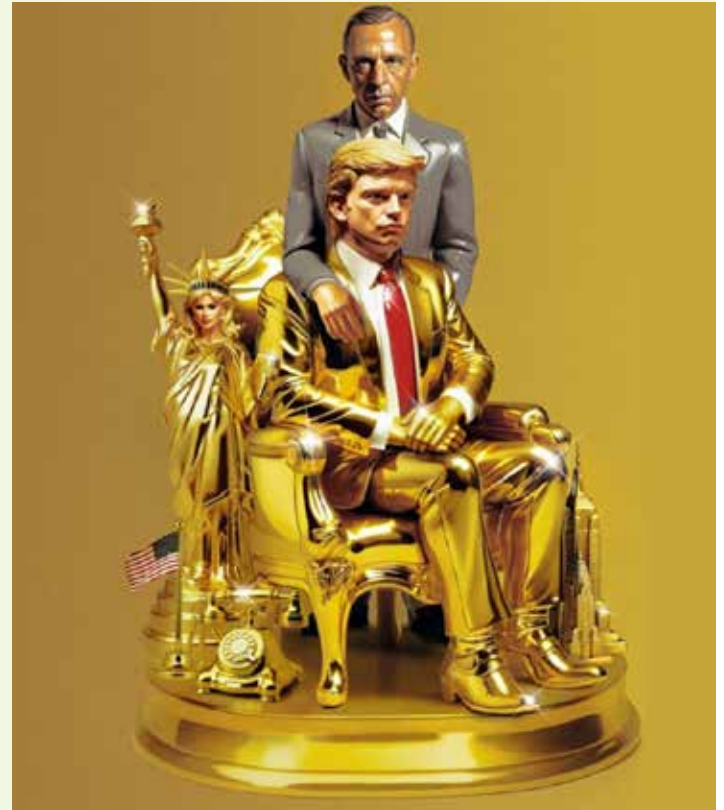


The Seed of the Sacred Fig

the kitchen or going to bed or waking up in the morning. Following the strong momentum of the *Woman, Life, Freedom* in underground films made in Iran, the women in **My Favourite Cake** don't wear hijab inside the house. It feels so natural in the beautifully cinematographed opening shot, to see Mahin, the main character waking up in her bed without a scarf. Not only the main topic (loneliness of an elderly woman and her action to go after love), but also the side topics (opposing the morality police and the mention of retirees protesting for their wages and rights), are clever and daring. Mahin is a lonely 70 years old widow whose daughter lives abroad. She knits, reads, and does gardening and her only socialization is a once every few months gathering with her friends. She longs for love and companionship and decides to pursue romance! **My Favorite Cake** is not yet released in US and is being shown in Film Festivals such as Palm Springs (Jan 2 -13).

The Seed of the Sacred Fig is the latest act of defiance from Mohammad Rasoulof who had to flee the country to avoid impris-

onment prior to its premier screening at Cannes. He captures the *Woman, Life, Freedom* movement with live footages of street protests and masterfully wraps it around a family story. Iman, a seemingly honorable man, is recently promoted to investigating judge, which brings with it a hefty raise and a bigger apartment for him, his wife, and daughters. But he soon realizes he's made a Faustian bargain—his new job requires him to sign the death warrants of protesters! Sadaf, one of the daughter's best friend is shot in the face on the street during one of the protests. The scene where the mother and daughters provide first aid in their apartment to take pellets out of her face, is horrible and tender at the same time. In this film we don't see women wearing hijab at home, neither. The movie definitely depicts victory



The Apprentice

to the women fighting against compulsory hijab and for their freedom. Germany has submitted Rasoulof's film for Best International Feature for the 2025 Oscars. **The Seed of the Sacred Fig** was released in theaters on November 27.

Ali Abbasi, the Iranian-Danish director chooses social-political topics for his powerful films such as *Holy Spider* and his latest film, **The Apprentice**, which charts a young Donald Trump's ascent to power. The film's excellent and professional production feels like a hundred million dollar film instead of one with a budget of 16 million. Unlike what some might think, it is not a Trump bashing movie. Ali Abbasi and his crew in the press conference in Cannes, invited Trump and his campaign to watch the film and have a conversation with them afterwards. The movie instead was sued by Trump's legal team, but Briarcliff Entertainment bravely distributed the film in North America which opened on October 11. This biographical film shows how between 1970 and 1980, Roy Cohn who had also worked with Senator McCarthy, played a pivotal role in shaping young Donald's career. The movie also shows the influential role of Ivana Zelnickova, Trump's first wife, in the success of the Trump organization, and how their relationship fell apart. **The Apprentice** is available for streaming.

THE DAILYSHOW



**MONDAYS with
JON STEWART**





Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

تنها وکیل ایرانی در شمال کالیفرنیا
با بیش از ۳۳ سال تجربه

- ✦ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده
- ✦ صدمات شدید بر اثر تصادفات
- ✦ مرگ بر اثر تصادفات
- ✦ صدمات ناشی از حمله حیوانات

(408)298-1500

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel:(408)298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax:(408)278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112